

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

علوم و معارف قرآنی (۲)

علوم انسانی و معارف اسلامی

راهنمای معلم

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه





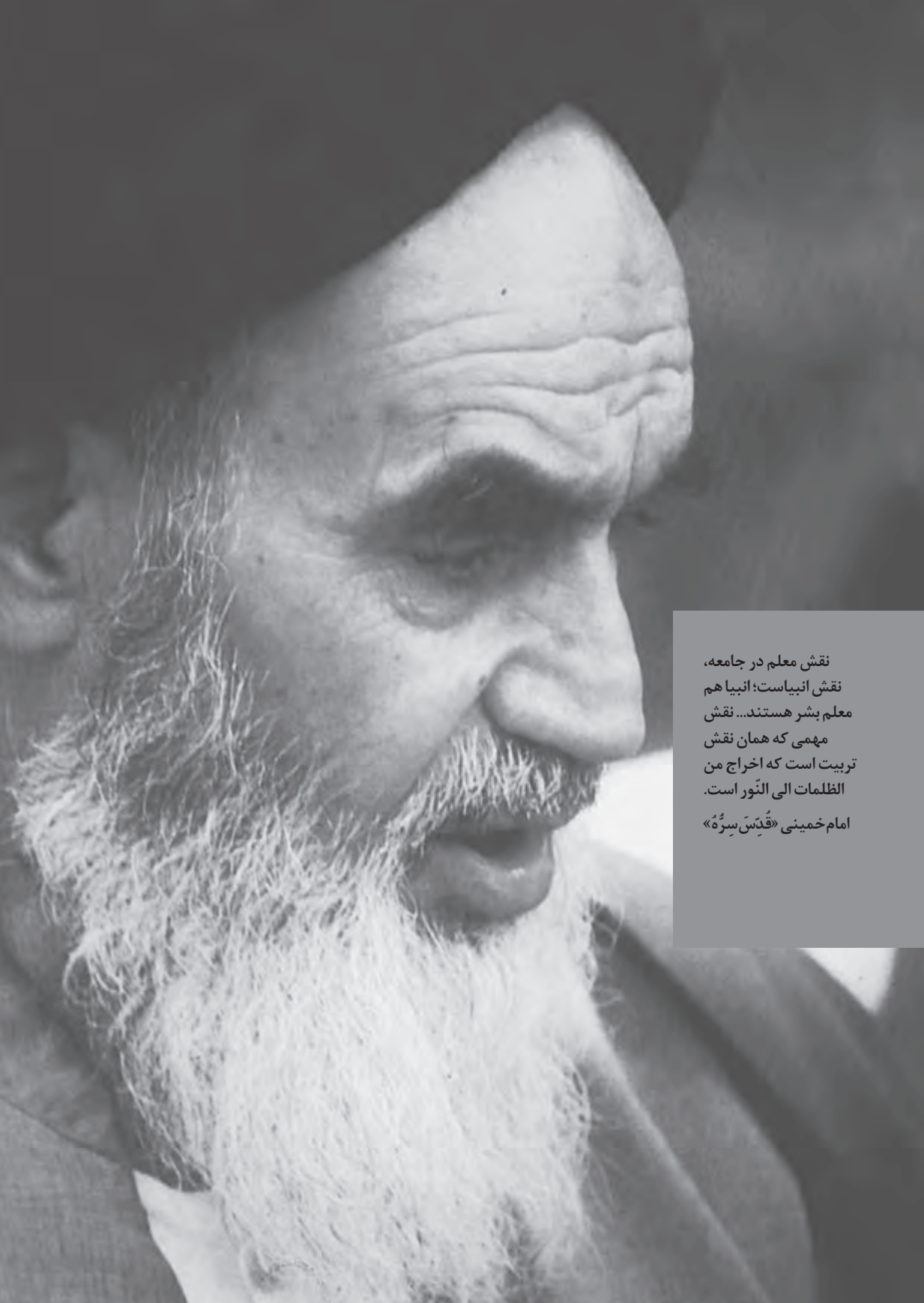
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: راهنمای معلم علوم و معارف قرآنی (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۳۸۹
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: سیدمهدی سیف، رضانبانی (تجوید)، سیدسجاد طباطبائی‌نژاد (علوم قرآنی) (اعضای گروه تألیف)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: محمّدکاظم بهنیا (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مریم نصرتی (صفحه‌آرا) - فاطمه باقری‌مهر، شهلا دالایی، آذر روستایی‌فیروزآباد، زینت بهشتی‌شیرازی و حمید ثابت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
- چاپخانه: تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
- شابک: وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران - ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپ اول ۱۴۰۱
- سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۵۳-۱

ISBN: 978-964-05-3530-1



نقش معلم در جامعه،
نقش انبیاست؛ انبیا هم
معلم بشر هستند... نقش
مهمی که همان نقش
تربیت است که اخراج من
الظلمات الى النور است.
امام خمینی «قَدَسَ سِرُّهُ»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

بخش اوّل : قرائت و فصاحت

فصل اوّل : کلیات روش تدریس قرائت و فصاحت	۲
مقدمه	۲
روش تدریس بخش روان خوانی آیات درس	۳
روش تدریس بخش فصاحت و تجوید	۱۲
روش تدریس بخش حفظ قرآن	۲۱

فصل دوم : راهنمای تدریس فصاحت و تجوید به تفکیک دروس

مقدمه	۲۳
درس ۱ و ۲ : فصاحت و تجوید حروف و حرکات	۲۷
درس ۳ : فصاحت و تجوید حروف «الف همزه» و «باء»	۳۰
درس ۴ : فصاحت و تجوید حروف «تاء»، «ثاء» و «جیم»	۳۱
درس ۵ : فصاحت و تجوید حروف «حاء»، «خاء»، «دال» و «ذال»	۳۳
درس ۶ : فصاحت و تجوید حرف «راء»	۳۷
درس ۷ : فصاحت و تجوید حروف «زاء»، «سین»، «شین» و «صاد»	۳۹
درس ۸ : فصاحت و تجوید حروف «ضاد» و «طا»	۴۱
درس ۹ : فصاحت و تجوید حروف «ظا»، «عین»، «غین»، «فاء»، «قاف» و «کاف»	۴۳
درس ۱۰ : فصاحت و تجوید حرف «لام»	۴۷
درس ۱۱ : فصاحت و تجوید حروف «میم» و «نون»	۴۸
درس ۱۲ : فصاحت و تجوید حروف «واو»، «هاء» و «یاء»	۵۰

بخش دوم : علوم و معارف قرآنی

مقدمه ۶۲

فصل اول : تبیین اجمالی برنامهٔ درسی علوم و معارف قرآن کریم؛ ویژهٔ رشتهٔ علوم و معارف اسلامی ۶۳

فصل دوم : راهنمای تدریس بخش «آموزش علوم و معارف قرآنی» پایهٔ یازدهم

به صورت درس به درس ۶۶

درس ۱ : ما و قرآن ۶۸

درس ۲ : علوم قرآن ۷۵

درس ۳ : آیه و سوره ۸۱

درس ۴ : فواتح سور ۸۷

درس ۵ : جمع قرآن ۹۳

درس ۶ : تعلیم قرآن در سیرهٔ پیامبر ﷺ ۹۸

درس ۷ : ترجمهٔ قرآن ۱۰۳

درس ۸ : تفسیر اجتهادی ۱۱۲

درس ۹ : فهم قرآن در آینهٔ ادبیات عرب (۱) ۱۲۳

درس ۱۰ : فهم قرآن در آینهٔ ادبیات عرب (۲) ۱۳۱

درس ۱۱ : فهم قرآن در آینهٔ قرآن (۱) ۱۳۷

درس ۱۲ : فهم قرآن در آینهٔ قرآن (۲) ۱۴۶

سخنی بادبیران ارجمند

آگاهی یافتن از اهداف برنامه درسی، یاری رساننده دیر در رسیدن به اهداف آموزشی است. معلمی که پیش از تدریس، کتاب راهنمای معلم را مطالعه می کند، در تدریس موفق تر از معلمی است که بدون بررسی این کتاب، شروع به تدریس می کند.

برنامه ریزان و مؤلفان کتاب درسی تلاش می کنند تا رویکرد تألیف کتاب های درسی و نیز روش های تدریس مورد انتظار برنامه درسی را تبیین کنند، اما گاهی نتایج ارزش یابی از برنامه های درسی، نشان دهنده فاصله میان برنامه قصد شده و برنامه اجرا شده است. یکی از اموری که در این باره می تواند تا حدودی مشکلات را حل کند، «کتاب راهنمای معلم» است.

دبیران با مطالعه راهنمای معلم، هم می توانند با هدف اصلی درس، به خوبی آشنا شوند، هم سمت و سو و هدف فعالیت های داخل درس را به خوبی درک کنند و هم نکات تکمیلی درخصوص آن درس را فراگیرند، نکاتی که می تواند در آموزش هرچه بهتر و یادگیری مناسب دانش آموزان نقش مثبتی ایفا کند.

به امید موفقیت همه شما دبیران در امر آموزش کتاب علوم و معارف قرآنی



بخش اوّل

قرائت و فصاحت

کلیات روش تدریس قرائت و فصاحت

فصل اول

مقدمه

در این بخش از کتاب به دنبال پاسخ دادن به این سؤال هستیم :
در خواندن قرآن چه موضوعاتی دنبال می شود و هر کدام چند بخش دارد؟

به طور کلی خواندن قرآن دارای دو موضوع «صحت قرائت» و «تجوید و فصاحت» است.

۱ صحت قرائت : درست خواندن

۲ تجوید و فصاحت : به لحن عربی و زیبا خواندن

هر کدام از دو موضوع خواندن قرآن، چهار مؤلفه دارد :

صحت قرائت		تجوید و فصاحت	
روخوانی	۱	فصاحت تلفظ حروف و حرکات	۱
وقف بر جمله	۲	احکام و قواعد تجویدی	۲
کوتاهی و کشیدگی حرکات	۳	وقف و ابتدای بهتر	۳
تلفظ صحیح حروف خاص	۴	صوت و لحن زیبا	۴

پرداختن به چهار مؤلفه صحت قرائت، در آموزش عمومی ضروری است و باید در اولویت قرار گیرد؛ و عمده تلاش بر آموزش آن ها متمرکز شود؛ آن گاه پس از قوام گرفتن آن، به فصاحت و تجوید پرداخته شود. شایان ذکر است به این نوع تقسیم بندی از خواندن قرآن، در کتاب های موجود و مربوط به روخوانی و تجوید، به طور جدی توجه نشده است.

روش تدریس بخش روان خوانی آیات درس

روش اجمالی تدریس هر یک از بخش های کتاب

همان طور که بیان شد در ابتدای هر درس یک صفحه به قرائت قرآن دانش آموزان اختصاص دارد. بدیهی است که آشنایی و انس گرفتن با هر کتاب، از خواندن آن آغاز می شود. هر چند خواندن هر چیز به طور طبیعی همراه با درک معنای مطالب خوانده شده است و در مورد قرآن کریم نیز چنین است؛ اما چون قرآن کریم کلام الهی است، حتی اگر این خواندن بدون درک معنا باشد، دارای آثار تربیتی و اخلاقی است و یاد خدا را به همراه دارد؛ از این رو، آموزش قرائت از آغاز آموختن قرآن تا دست یابی به همه مهارت های مورد نظر، ضروری است و در هیچ یک از مراحل آموزش، نباید نادیده گرفته شود.

در این دوره، تدریس و تمرین روان خوانی^۱ مد نظر است، ولی اگر دانش آموزی مرحله روخوانی را در دوره ابتدایی به خوبی فرا نگرفته باشد و نتواند ترکیب های مشکل عبارات قرآن را آرام و شمرده خوانی بخواند، همواره در خواندن آیات مشکل خواهد داشت؛ هر چند که برخی آیات را روان و خوب بخواند، از این رو، باید در جلسه اول با ارزش یابی تشخیصی، سطح توان خواندن دانش آموزان سنجیده شود و مشخص گردد که کدام دسته از دانش آموزان هنوز در روخوانی به مهارت کافی نرسیده اند. اگر تعداد این دانش آموزان زیاد باشد، باید چند جلسه در این زمینه تمرین شود، تا مهارت روخوانی آنان به میزان مطلوب برسد و اگر تعدادی از دانش آموزان این مشکل را به طور جدی داشته باشند، می توان با اختصاص دادن زمان خاصی، آن ها را به سطح کلاس برسانیم.

برای آشنایی بیشتر با شیوه تدریس و تمرین روخوانی، توضیحاتی با عنوان روش تقویت روخوانی قرآن دانش آموزان، در پایان همین بخش آمده است. با مطالعه این توضیحات، می توانید مشکل روخوانی دانش آموزان را برطرف کنید، ان شاء الله.

۱- خواندن قرآن در این برنامه و اصطلاح رایج دارای دو مرحله روخوانی و روان خوانی است. روخوانی از بخش خوانی آغاز شده و تا آرام و شمرده خوانی ادامه می یابد و روان خوانی، خواندن قرآن به صورت روان و با سرعت معمولی است. در دوره ابتدایی بیشتر به روخوانی و در دوره متوسطه اول بیشتر به روان خوانی پرداخته می شود.

روش تدریس قرائت

توجه به انجام دقیق مراحل روخوانی و روان خوانی در کسب مهارت‌های پیش بینی شده، نقش اساسی دارد. پس از مرحله روخوانی، استماع آیات درس و هم خوانی و تکرار آیات به پیروی از قرائت الگو (تلاوت همان آیات از یک قاری معروف) نقش به سزایی در روان خوانی دانش آموزان و نیز تقویت علاقه ایشان به انس مستمر با قرائت قرآن کریم دارد. به عبارت دیگر، علاوه بر افزایش توانایی روان خوانی آنان، فصاحت و تجوید، وقف و ابتدا، نظم قرائت و صوت و لحن زیبا را نیز به طور نسبی ارتقا می بخشد و زمینه یادگیری مهارت‌های قرائت را بیشتر فراهم می آورد. در تمرین قرائت به کمک صوت تلاوت آیات، حافظه شنوایی دانش آموزان با نحوه تلفظ کلمات و ترکیبات آیات و نظم و آهنگ قرائت مأنوس می شود، حافظه بینایی آن‌ها با ترکیبات حروف و علائم خط قرآن آشنا می گردد و زبان آن‌ها به بیان صحیح کلمات و آیات و نظم و لحن قرائت عادت می کند و ایشان می توانند به تدریج و به طور نسبی شبیه قرائت ترتیل بخوانند یا حداقل روان خوانی قرآن را به طور کامل تر فرا گیرند.

مراحل تدریس

دانش آموزان در ابتدای زنگ، آیات درس را به ترتیب قرائت می کنند. دبیر محترم در این مرحله سه وظیفه را بر عهده دارد :

۱ رفع اشکالات روان خوانی و قرائت

۲ آموزش ضمنی قاعده درس

۳ تبیین مباحث بخش فصاحت و تجوی (البته به اختصار و در حد ضرورت)

تذکر : در این مرحله، تلاش می شود تا هریک از دانش آموزان به طور متوسط حدود سه تا چهار جمله از آیات درس را بخوانند. سعی شود تا در هر جلسه به همه دانش آموزان نوبت برسد. مناسب است به منظور انس بیشتر دانش آموزان با مصحف شریف (رسم الخط عثمان طه)، در صورت امکان از قرآن کامل نیز استفاده شود.

آیات هر جلسه به ترتیب زیر، تدریس و تمرین می شود :

۱- **پیش قرائت :** دانش آموزان را به گروه‌های دو یا سه نفره تقسیم کرده و از دانش آموزان می خواهیم که آیات صفحه مقرر را بخوانند. دانش آموزان در گروه خود به صورت گردشی هر کدام حدود یک سطر برای هم گروه خود می خوانند. پس از خواندن هر نفر، دیگری در صورت وجود اشتباه می تواند به دوست خود تذکر دهد تا با دقت مجدد اشتباه خود را شناسایی و برطرف کند. دانش آموزان می توانند اشکالات خود

را از دبیر محترم سؤال کنند تا آن‌ها را راهنمایی کند. این فعالیت حدود پنج دقیقه طول می‌کشد و در خلال آن، دبیر محترم بر فعالیت دانش‌آموزان نظارت می‌کند، تا اشکالات احتمالی آنان را شناسایی و رفع نماید.

۲- ارائه توضیحات ضروری توسط دبیر: دبیر با تشخیص خود، برخی از این سؤالات را بلافاصله برای هر گروه پاسخ می‌دهد و برخی از این اشکالات را روی تابلو می‌نویسد تا آن‌ها به صورت جمعی برای همه دانش‌آموزان توضیح دهد. به این ترتیب، در هر جلسه اشکالات مهم‌تر و عمومی‌تر هر مجموعه از صفحات آن جلسه، شناسایی و برای کلاس توضیح داده می‌شود.

شیوه رفع اشکالات و روحانی دانش‌آموزان در همین کتاب بیان شده است.

۳- فرد خوانی: پس از انجام دو مرحله فوق، تعدادی از دانش‌آموزان با انتخاب دبیر، هر کدام حدود یک سطر می‌خوانند. دبیر با توجه به شرایط دانش‌آموز بهتر است از او بخواهد آیه دلخواه را بخواند تا این‌که دبیر مشخص کند کدام آیه را بخواند. دبیر محترم، میزان آمادگی او را ارزش‌یابی کرده و نمره مناسب برای او منظور کند و اشکالات احتمالی را تصحیح و اصلاح نماید. بهتر است ابتدا افراد قوی‌تر و سپس افراد ضعیف‌تر بخوانند تا آمادگی بیشتری پیدا کنند و از اضطراب و ترس آن‌ها کاسته شود. همچنین مناسب است عبارات‌های طولانی و مشکل‌تر را افراد قوی‌تر و عبارات‌های کوتاه و ساده‌تر را افراد ضعیف‌تر بخوانند، تا ایشان نیز احساس توانایی و موفقیت کنند.

فعالیت‌های خارج از کلاسی

دست‌یابی به اهداف درس قرآن، حتماً نیازمند انجام فعالیت‌های تکمیلی خارج از کلاس است. به‌خصوص که خواندن روزانه قرآن کریم؛ علاوه بر تقویت مهارت‌های کسب شده، اهمیت و ارزش خاصی دارد که خود مهم‌ترین هدف آموزش قرآن را شامل می‌شود.

از این‌رو، توجه به موضوعات زیر و تذکر مداوم و مناسب آن به دانش‌آموزان بسیار ضروری و مفید است:

۱ اکیداً توصیه شود که هر دانش‌آموز روزی یک صفحه از قرآن کریم را در منزل بخواند. می‌توان برای تشویق دانش‌آموزان به قرائت روزانه قرآن، روایات تشویقی برای قرائت قرآن را در کلاس بخوانیم، یا با تشکیل جلسات مستمر انس با قرآن در مدرسه با حضور مدیر و معاونان مدرسه، عادت قرائت قرآن را در دانش‌آموزان ایجاد کنیم.^۱

۲ روش مطلوب در قرائت روزانه این است که آیات مورد نظر از صوت تلاوت آیات استماع و به پیروی از آن، هم خوانی و تکرار شود و متن آیات با یک وسیله مناسب مثلاً، خط بر دنبال شود. این کار روان‌خوانی

۱- در صورتی که معلمان موفقی در این زمینه می‌شناسید، استفاده از تجارب ایشان در تشویق دانش‌آموزان به انس دائمی با قرآن، می‌تواند راه‌گشا باشد.

۳ دانش‌آموز در حین تمرین و خواندن آیات، در صورت نیاز می‌تواند کلمات و ترکیبات مشکل را مشخص کرده و در کلاس از معلم خود سؤال کند.

۵ از آن جا که خواندن کامل و صحیح، آن است که همراه با درک معنا باشد، به طور پیوسته و مناسب به دانش آموزان یادآوری کنید هر وقت قرآن می خوانند، دقت کنند که به چه میزان می توانند کلمات، ترکیب ها، عبارات و آیات خوانده شده را معنا کنند. این موضوع از اهمیت ویژه ای برخوردار است و می تواند از همین دوران نوجوانی، عادت و رفتار خواندن روزانه قرآن کریم و درک تدریجی معنای آن را برای ایشان درونی و تثبیت کند.

فوائد استماع و پیروی از قرائت قاریان ممتاز

قراءت آیات درس به شیوه ترتیل یا تحقیق توسط قاریان ممتاز، در بردارنده مهارت‌های متعدد است که عبارت‌اند از :

۱- **صحتِ روخوانی** : یعنی درست خواندن حروف، حرکات و ترکیبات آن‌ها و برطرف کردن برخی از اشکالات احتمالی در روخوانی قرآن کریم.

۲- روان‌خوانی: یعنی راحت و روان خواندن کلمات، ترکیبات و عبارات قرآن، بدون مکث زائد، تکرار متعدد و کندی در قرائت.

۳- کوتاهی حرکات کوتاه و کشیدن حرکات کشیده: یعنی رعایت کوتاه خواندن حرکات کوتاه (ـَـ) و کشیده خواندن حرکات کشیده (اَ، ـ، ـی، ـو، ـو) و پرهیز از کشش حرکات کوتاه یا کوتاه کردن حرکات کشیده.

۴- تلفظ خاص برخی حروف: یعنی حروفی که در فارسی یکسان تلفظ می‌شوند، ولی در عربی، هر کدام تلفظ خاصی دارند. این حروف عبارت‌اند از:

ذ ظ ض ← ز ، ث ص ← س ، ح ← هـ ، ع ← أ ، ط ← ت ، غ ← ق

۵- احکام تجویدی: یعنی فصیح و زیبا تلفظ کردن حروف و حرکات و ترکیبات آنها. این احکام عبارت‌اند از: فصاحت حروف، فصاحت حرکات، تفخیم و درشت خواندن موارد خاص، ترقیق و نازک خواندن موارد خاص، کشش بیشتر موارد مد، کشش موارد غنه، ادغام، اخفاء، قلب به میم، اظهار، قلقله و عدم قلقله حروف ساکن.

۶- **وقف و ابتدا** : یعنی منظم و شمرده خواندن آیات و عبارات قرآن، شروع از آیات مناسب و قطع قرائت بر آیات مناسب، ابتدا کردن از کلمه مناسب هر جمله، وقف کردن بر کلمه مناسب هر جمله و وصل آیات و عبارات مناسب.

۷- **صوت و لحن** : یعنی با صوت و آهنگ زیبا و مناسب قرائت کردن، آهنگ متنوع، ردیف و تناسب داشتن همچنین رعایت تناسب زیر و بم صدا، حجم صدا، انعطاف و صافی صدا، تندی و کندی و نظم کلی قرائت.

تذکر مهم : مهارت‌های مختلف قرائت که توضیح داده شد، به صورت یکپارچه در قرائت قاریان جلوه می‌کند، و بهترین روش برای کسب این مهارت‌ها، استماع و پیروی از قرائت قاریان ممتاز است. دانش‌آموزان با استماع آیات درس و هم‌خوانی و تکرار آیات، ضمن بهره بردن از قرائت زیبای قرآن، با توجه به استعداد و علاقه خود، رفته‌رفته این مهارت‌ها را به‌طور نسبی می‌آموزند. از این رو، دبیر محترم نباید به شرح و توضیح این مطالب که در علم تجوید مطرح می‌شود، بپردازد و آن‌ها را در کلاس تدریس کند؛ بلکه دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند، با شرکت در کلاس‌های فوق‌العاده یا کلاس‌های دارالقرآن و... به‌طور خاص این مطالب را بیاموزند.

شیوه رفع اشکالات قرائت دانش‌آموزان

معمولاً در قرائت دانش‌آموزان، اشکالات و اشتباهاتی مشاهده می‌شود که ناشی از ضعف مهارت روخوانی یا مربوط به خطای چشم، کلی‌خوانی، عجله، اضطراب و عدم اعتماد به نفس است. این اشکالات، یا تکراری و عمومی‌اند (به‌ویژه در کلمات و ترکیبات مشکل) یا موردی و مربوط به قرائت هر فرد است. دبیر محترم، اولاً باید تسلط کامل بر قرائت صحیح آیات قرآن کریم به‌ویژه آیات درس داشته باشد، تا بتواند اشکالات و اشتباهات دانش‌آموزان را تشخیص دهد^۱ و ثانیاً باید با روش‌های مختلف رفع این‌گونه اشکالات، متناسب با نوع هر اشکال آشنا باشد، تا آن‌ها را به شیوه صحیح اصلاح کند. به این ترتیب، کلاس درس قرآن می‌تواند موجبات تقویت مهارت دانش‌آموزان را در خواندن قرآن کریم فراهم آورد. برای کسب موفقیت بیشتر در تصحیح قرائت دانش‌آموزان، می‌توان تدابیر و روش‌های زیر را به کار گرفت.

۱- برای تذکر دادن به دانش‌آموز، نباید قرائت او را قطع کنیم؛ بلکه صبر می‌کنیم تا وقف کند، آن‌گاه تذکر می‌دهیم.

۱- استماع قرائت ترتیل با تحقیق قرآن کریم و استفاده از الگوی قرائت آموزشی، موجب افزایش تسلط و آمادگی بیشتر دبیران محترم در آموزش آیات هر یک از دروس خواهد شد.

۲ خوب است قبل از هر تذکر و تصحیح اشتباه، دانش‌آموز را برای کلماتی که صحیح خوانده است، تشویق کنیم، سپس از او خواهیم با آرامش، مجدداً همان عبارت با آیه را بخواند و به حرکات و علائم بیشتر دقت کند و آنچه را که می‌بیند، صحیح بخواند و در خواندن کلمات از کلی‌خوانی پرهیز کند. معمولاً در همین مرحله تعداد قابل توجهی از اشکالات دانش‌آموزان برطرف می‌شود.

۳ در صورتی که مجدداً اشتباه تکرار شد، به طور مستقیم تذکر نمی‌دهیم؛ بلکه خطاب به همه دانش‌آموزان تذکر می‌دهیم تا فردی که اشتباه خوانده است مضطرب نشود و سایر دانش‌آموزان که همان اشتباه را دارند، متذکر شوند و حالت صحیح را بیاموزند.

۴ بهتر است برای اصلاح اشتباه، حالت صحیح را بلافاصله نخوانیم؛ بلکه با استفاده از شیوه‌های مختلف، توجه دانش‌آموزان را به حالت صحیح جلب کنیم.

۵ لازم است توجه و نگاه دانش‌آموزان را به متن کلمه و ترکیب مورد اشتباه جلب کنیم.

۶ در صورت نیاز، از دانش‌آموزان می‌خواهیم به شنیدن قرائت کلمه و ترکیب مورد نظر از طریق صوت تلاوت آیات در منزل، توجه کنند.

۷ عبارت مورد نظر را تکرار می‌کنیم، ولی کلمه یا ترکیبی را که اشتباه خوانده شده است، نمی‌خوانیم بلکه نحوه خواندن آن را از دانش‌آموزان سؤال می‌کنیم یا حالت اشتباه را با حالت صحیح به صورت سؤال مقایسه می‌کنیم، تا خود دانش‌آموزان، حالت صحیح را تشخیص دهند و بخوانند.

۸ بهتر است در حین مقایسه، بخشی را که اشتباه خوانده شده است، با تأکید و صداکشی بخوانیم.

۹ در صورت نیاز، از دانش‌آموزان می‌خواهیم کلمه یا ترکیب مورد نظر را به صورت بخش‌بخش بخوانند؛ برای این کار، کلمه یا ترکیب مورد نظر را روی تابلو می‌نویسیم و با اشاره صحیح^۱ به بخش‌های آن، از دانش‌آموزان می‌خواهیم آن کلمه یا ترکیب را همه با هم به صورت بخش‌بخش بخوانند.

۱۰ پس از مشخص شدن مورد اشتباه و حالت صحیح آن، از دانش‌آموزان می‌خواهیم که عبارت و آیه مورد نظر را به صورت دسته‌جمعی تکرار کنند، یا دانش‌آموز توانا و داوطلب آن را بخواند؛ آن‌گاه همان دانش‌آموزی که اشتباه خوانده است، تکرار کند.

۱۱ در صورتی که دانش‌آموز یادشده باز همان اشتباه را تکرار کرد، از دانش‌آموز دیگری می‌خواهیم که عبارت را تکرار کند و خواندن بقیه را به کمک سایر دانش‌آموزان ادامه می‌دهیم.

۱۲ نیازی نیست که همه اشکالات یک دانش‌آموز، حتماً در همان جلسه اصلاح شود؛ زیرا بعضی از دانش‌آموزان برای کسب مهارت لازم، به زمان بیشتری نیاز دارند.

۱۳ بعضی از دانش‌آموزان ممکن است لکنت زبان داشته باشند و خواندن آن‌ها با تکرار و مکث‌های

۱- درباره چگونگی اشاره، توضیحات بیشتر خواهد آمد. ضمناً به منظور آشنایی کامل با این مطلب، می‌توانید به کتاب «روش آموزش قرآن در دوره ابتدایی» کد ۶۰۱۱ مراجعه کنید.

مکرر و کندی همراه باشد. دبیر محترم، باید با این افراد برخورد لطیف و مناسبی داشته و ترتیبی دهد که آنان در مقابل سایر دانش‌آموزان، خجالت‌زده نشوند؛ یا خدای ناکرده مورد تمسخر قرار نگیرند؛ این موضوع از اتلاف وقت کلاس و درس نیز جلوگیری می‌کند.

تقلید از شیوه قرائت الگو

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین مهارت‌ها در آموزش به‌ویژه آموزش زبان، مهارت گوش دادن است. افراد ناشنوا که از این نعمت محروم‌اند، قدرت تکلم و قرائت ندارند. قرائت قرآن نیز از سنخ زبان و گویش است و مؤثرترین مهارت به‌ویژه در کسب روان‌خوانی و صحت و نظم قرائت، مهارت سمعی است. از این‌رو، برای آموزش و تمرین قرائت، باید به مهارت‌های سمعی توجه شایانی شود و حتی المقدور از صوت تلاوت آیات بهره‌مند گردید.

روش تقویت روخوانی قرآن دانش‌آموزان

همان‌طور که در ابتدای بحث روش آموزش قرائت گفته شد، برخی از دانش‌آموزان در دوره ابتدایی مرحله روخوانی قرآن را به‌خوبی طی نکرده‌اند و توانایی صحیح خواندن عبارات قرآنی را ندارند. از آن‌جا که صحیح خواندن قرآن در تقویت علاقه‌مندی به یادگیری آموزش این کتاب آسمانی نقش به‌سزایی دارد، باید برای رفع این مشکل، فعالیت ویژه‌ای صورت پذیرد. اگر تعداد این‌گونه دانش‌آموزان کم‌اند، این فعالیت را می‌توان فقط برای آن‌ها و در غیر این صورت، به‌طور عمومی برای همه تدارک دید.

قبل از این‌که به نحوه آموزش بیردازیم، لازم است با علت اساسی ضعف این‌گونه دانش‌آموزان در اشتباه خواندن عبارات قرآن آشنا شویم. دانش‌آموزان در دوره متوسطه به‌خوبی حرکات، علائم، حروف و حتی ترکیبات را به‌طور مجزا می‌شناسد و صحیح می‌خواند، ولی هنگام خواندن کلمات یا عبارات به علت عدم دقت در بازشناسی حرکات و ترکیبات و همچنین به علت «کل خوانی» کلمات به اشتباه می‌افتد. چنین دانش‌آموزی را باید به دقت در تمرکز و بازشناسی حرکات و ترکیبات توجه داد، تا با تمرین لازم به توانایی صحیح خواندن عبارات قرآنی دست یابد.

برای حل این مشکل از چنین دانش‌آموزی می‌خواهیم یک عبارت قرآنی را آرام و شمرده، یا حتی به‌صورت بخش‌بخش بخواند و برای خواندن بخش‌بخش و دقت در بازشناسی، به ترتیب زیر عمل کند. ابتدا به حرکت حرف دقت کند و پس از شناسایی دقیق، به حرکت حرف بعدی نگاه کند؛ برای انجام دادن این کار، باید چشمش کمی جلوتر از زبانش پیش برود.

۳ سعی شود ابتدا افرادی بخوانند که تسلط بیشتری در قرائت دارند، سپس دیگران.

- ۴ عبارات بلندتر و مشکل‌تر را افراد قوی‌تر و عبارات کوتاه‌تر و آسان‌تر را سایر دانش‌آموزان بخوانند.
- ۵ اگر در یک کلمه چند حرکت و علامت یک‌جا اشتباه شود، فقط یک اشتباه محسوب می‌گردد. در صورت تکرار، یک نوع اشتباه نیز فقط یک امتیاز کسر می‌شود.
- ۶ برای دانش‌آموزانی که آیات درس را با صوت زیبا و شبیه قرائت الگو، یا با تلفظ صحیح حروف خاص عربی و رعایت قواعد مهم تجویدی بخوانند، یا برخی از آیات درس را حفظ کنند، تا دو امتیاز تشویقی تعلق می‌گیرد.
- ۷ هر دانش‌آموزی که در تقویت قرائت هم‌گروهی خود به‌طور مؤثر تلاش کند، یا آیات درس را خوش‌نویسی، تذهیب و نقاشی کند، به‌عنوان بخشی از فعالیت خارج از کلاس امتیاز می‌گیرد.
- ۸ برای تشویق بیشتر دانش‌آموزانی که به‌طور فوق‌العاده تلاش می‌کنند، خوب است که در صورت امکان، جوایز مناسبی از سوی مدرسه، یا اولیای دانش‌آموزان فراهم شده و به شیوه‌ای مناسب، یا در مراسمی خاص، به آنان اهدا شود. البته باید به تلاش افراد ضعیف‌تر نیز مانند افراد ممتاز توجه داشت و آنان را نیز تشویق کرد. به‌طور کلی، مبنای نمره و تشویق باید فعالیت و پیشرفت هر دانش‌آموز متناسب با توان و استعداد خود او باشد.
- تذکر:** از آن‌جا که روش تدریس بخش قرائت در همهٔ دروس این کتاب، یکسان حاکم است؛ لذا از بیان روش تدریس بخش قرائت برای هریک از دروس صرف‌نظر می‌شود. همکاران عزیز در صورت نیاز، می‌توانند به این بخش مراجعه و به مراحل آموزش توجه کنند.

روش تدریس بخش فصاحت و تجوید

لزوم بازنگری و بازسازی آموزش قرآن

قرآن کریم، سخن و کلام خداوند است. این کتاب آسمانی، آخرین، کامل‌ترین و ارزشمندترین سخن الهی است که وحی شده و آیات شریف آن تا روز قیامت بر زندگی انسان حاکم است.

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ

خداوند بهترین سخن را وحی کرده و فرستاده است.

سوره زُمر، آیه ۲۳

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

از بهترین آنچه از سوی پروردگارتان برای شما وحی شده، پیروی کنید.

سوره زُمر، آیه ۵۵

آیا می‌توان آموزش‌های فعلی قرآن را نیز به گونه‌ای بهتر طراحی کرد؟

آیا در آموزش قرآن تنها یک روش و یک شیوه برنامه‌ریزی وجود دارد؟

آیا می‌توان در روش‌های موجود تأمل کرده، آن‌ها را مورد بازنگری قرار داد و شیوه‌ای بهتر، منطقی‌تر،

پویاتر، اثربخش‌تر و جذاب‌تر را طراحی نمود؟

متن قرآن قابل تغییر و تحول نیست؛ ولی آموزش و روش تدریس آن، متناسب با زمان، مکان و مخاطب

آن، قابل تغییر، تحسین و ارتقا است.

اگر مربیان قرآن به روش خاصی خو کرده‌اند، لزوماً آن روش برتر نیست. گاهی باید از شاکله بیرون آمد و

جست‌وجو کرد که آیا آموزش را با شیوه بهتری می‌توان پیش برد؟

و آیا راه و رسم بهتری برای تدریس قرآن وجود دارد؟

آیا مربیان در این راه قدم گذاشته و روش‌های جدید را تجربه کرده‌اند؟ یا چون به روش‌های دیگر عادت

کرده‌اند، روش‌های جدید را بر نمی‌تابند؟

● راه و رسمی که عادت شده لزوماً بهترین نیست.

قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ

(بگو: هرکس مطابق حالتی که شکل گرفته، فعالیت می‌کند).

فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا

(ولی پروردگارتان بهتر می‌داند راه و رسم چه کسی بهتر است). سورة اِسرَاء، آیه ۸۴

با توجه به اصول زبان‌آموزی و روش‌های نوین و پیشرفته در آموزش زبان و تجربه‌های گسترده معاصر که در این زمینه رخ داده و برای آموزش زبان‌های مختلف استفاده می‌شود و استقبال از آن‌ها در حال افزایش است، آیا نباید در روش‌های آموزش قرآن کریم تأملی نمود و آن‌ها را بازنگری و بازسازی کرد؟ متن قرآن ثابت است، ولی روش آموزش آن می‌تواند انعطاف داشته باشد و متناسب با مخاطب، زبان او، زمان و مکان، تغییر کند. در گام‌های اولیه یادگیری، باید با زبان قرآن آشنا شد، درست قرائت کرد و صحیح درک نمود.

می‌توان در شیوه‌ها، نوآوری کرد و متناسب با شرایط، برنامه‌ریزی نمود. اکنون از شیوه‌های ده‌ها سال پیش در آموزش قرآن استفاده می‌شود که متناسب با آن زمان‌ها بوده است. البته باید از روش‌های قدیم که هنوز پویا و اثربخش است بهره برد، ولی شیوه‌های بهتر را باید اصل و مبنا قرار داد. از این رو، شایسته است برنامه‌های آموزش قرآن، مورد بازنگری و بازسازی جدی قرارگیرد و متناسب با مخاطبان مختلف، از روش‌های ارتقا یافته استفاده شود.

برای نمونه، می‌توان به سیر تکامل رسم الخط قرآن کریم در طول زمان، از بدو نزول قرآن تاکنون اشاره کرد. در زمان نزول، خط قرآن بسیار ابتدایی و متناسب با سواد آن زمان بود و نقطه و اعراب نداشت. این خط به مرور زمان رشد کرد و نظم و نسق کامل‌تری یافت تا به خط معاصر رسید. تلاوت قرآن کریم از صدر اسلام تا زمان حاضر، تغییرات زیادی را پشت سر گذاشته تا به حالت و شکل کنونی رسیده است.

البته منظور از طراحی برنامه و روش جدید برای آموزش قرآن، به معنای بازنگری و بازسازی دقیق منطقی و علمی است؛ از این رو، نباید این معنا از آن برداشت شود که هرکس طبق سلیقه و ذوق شخصی و مورد پسند خود، روش آموزشی خاصی را طراحی و پیشنهاد کند. بدیهی است که بازنگری و بازسازی هر برنامه و روشی، باید بر اساس مبانی و اصول منطقی و علمی انجام شود.

آموزش‌های متداول قرآن در حال حاضر

در حال حاضر، آموزش قرآن کریم در کشور ما به‌طور سنتی متداول که در حال اجراست، بیشتر بر مهارت‌های قرائت متمرکز است.

روال آموزشی موجود بیشتر به‌ترتیب زیر دنبال می‌شود:

روخوانی، روان‌خوانی، صحت قرائت، تجوید سطح یک، سطح دو، صوت و لحن و وقف و ابتدا؛ و بعد از آن، درک و فهم آغاز می‌شود.

آموزش‌های حفظ نیز بیشتر کمی بوده و شامل ۱ جزء، ۳ جزء، ۵ جزء، ۱۰ جزء، ۲۰ جزء و کل قرآن می‌باشد.

همچنین آموزش مفاهیم که به‌طور جداگانه، بیشتر بر اساس کلمات اکثر و آشنای قرآن، صرف و نحو عربی و توضیح و تفسیر آیات صورت می‌گیرد.

به‌طور کلی مسیر قرائت، مفاهیم و حفظ جدای از یکدیگر طی می‌شود.

برنامه و روش این آموزش‌ها و هر یک از مباحث و سرفصل‌های آن، یک به یک قابل بررسی و تأمل می‌باشد.

آموزش‌های متداول قرآن در حال حاضر:

خواندن: روخوانی، تجوید، صوت و لحن، وقف و ابتدا

حفظ: ۱ جزء، ۳ جزء، ۵ جزء، ۱۰ جزء، ۲۰ جزء، کل

مفاهیم: کلمات اکثر و آشنا، صرف و نحو، توضیح و تفسیر آیات

آیا در برنامه و آموزش‌های فعلی که مباحث مربوط به خواندن و قرائت، جدای از مباحث مربوط به درک و فهم تدریس می‌شود، مطلوب است؟

آیا بهتر نیست برای عموم مردم به‌ویژه برای مبتدیان، آموزش‌های قرائت با درک و فهم تلفیق و ترکیب شود، و در مراحل بالاتر، به صورت رشته‌های تخصصی جداگانه ارائه گردد؟

آموزش مطلوب:

تلفیق و ترکیب رشته‌ها در مراحل ابتدایی

تخصصی و جداسدن رشته‌ها در مراحل بالاتر

می‌توان با تلفیق این آموزش‌ها، برای مبتدی و در سطح عموم، آموزش قرآن را جامعیت بخشید؛ یعنی

وقتی قرآن آموزش داده می‌شود، هم خواندن، هم درک و فهم و هم حفظ را شامل شود. اگر مریبان این سه موضوع را برای مبتدیان و عموم مردم، با هم و به صورت تلفیق شده تدریس کنند، آموزش قرآن کریم، کامل‌تر، مؤثرتر، نتیجه‌بخش‌تر، شیرین‌تر و جذاب‌تر می‌شود.

آموزش جامع: تلفیق آموزش‌های قرائت، درک و فهم و حفظ
برای مبتدیان و عموم مردم

سزوار است برای آموزش قرآن که «أَحْسَنُ الْحَدِيثِ» است، بهترین راه و رسم آموزشی انتخاب شود. مبانی و معیارهای انتخاب روش بهتر با الهام از آیات قرآن و سیره پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام چیست؟ برخی معیارها با الهام از آیات و روایات:

۱- انتخاب بهترین روش:

فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.
بشارت‌ده آن بندگان مرا که سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند.

سورة زمر، آیه ۱۸

۲- تدریس به زبان مخاطب:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ، لِيُبَيِّنَ لَهُمْ.
و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر به زبان قومش، تا به آن‌ها بفهماند.

سورة ابراهيم، آیه ۴

۳- متناسب با ظرفیت درک افراد:

پیامبر اکرم ﷺ

نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ، أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.
به ما پیامبران دستور داده شده که با مردم به اندازه ظرفیت درکشان سخن بگوییم.

اصول کافی

۴- آسان و هموار و به دور از سختی و پیچیدگی:

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ، وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ.
خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و سختی برای شما نمی‌خواهد.

سورة بقره، آیه ۱۸۵

۵- متناسب با توانایی و ظرفیت مخاطب:

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا.

خداوند هیچ کسی را بر کاری وادار نمی‌کند، مگر متناسب با ظرفیت او.

سورة بقره، آیه ۲۸۶

مبانی روشی تغییر

در زبان فارسی ۳۲ حرف نوشته می‌شود، ولی ۲۴ حرف تلفظ می‌گردد؛ چون برخی حروف، تلفظ خاصی برای خود ندارند و به صدای حروف دیگر تلفظ می‌شوند.

در زبان فارسی: ح به صدای ه، عین به صدای الف، ط به صدای ت، ث و صاد به صدای سین، و ذال، ظا و ضاد به صدای ز تلفظ می‌شود.

وقتی این هشت حرف (ح ع ط ث ص ذ ظ ض) را از ۳۲ حرف کسر می‌کنیم، ۲۴ حرف می‌ماند؛ از این‌رو، حروف فارسی در نوشتن ۳۲ حرف است، ولی در شنیدن، گفتن و خواندن ۲۴ حرف است.

الفبای عربی، هم در نوشتن و هم در شنیدن و خواندن، ۲۸ حرف است؛ زیرا چهار حرف (پ ژ گ چ) در عربی فصیح نیست.

از این‌رو، در عربی چهار حرف (پ ژ گ چ) از فارسی کمتر نوشته می‌شود؛ ولی در تلفظ فصیح عربی، هشت حرف (ح ث ذ ص ض ط ظ ع) از فارسی بیشتر است و تلفظ خاص خود را دارد.

یعنی حروف فارسی در نوشتن، چهار حرف بیشتر از حروف عربی دارد، ولی در خواندن چهار حرف کمتر.

البته در فارسی گاهی دو حرف غ و ق نیز جابه‌جا تلفظ می‌شوند.

فارسی در نوشتن ۳۲ حرف، ولی در خواندن ۲۴ حرف دارد؛ مانند:

ح	به صدای ه
عین	به صدای الف
طا	به صدای ت
ث، صاد	به صدای سین
ذال، ظا، ضاد	به صدای ز تلفظ می‌شوند.

الفبای عربی در نوشتن و تلفظ ۲۸ حرف دارد.

هر حرف عربی دارای تلفظ خاص خود می‌باشد.

تلفظ خاص هشت حرف (ح ث ذ ص ض ط ظ ع) معمولاً در فارسی استفاده نمی‌شود.

اگر هریک از مؤلفه‌های صحت قرائت، رعایت نشود اشکال و خلل اساسی به قرائت وارد می‌شود؛ یعنی اگر روخوانی درست انجام نشود، معنا تغییر می‌کند؛ اگر بر جمله‌ها درست وقف نشود، کلمات و جملات با هم مخلوط شده و جملات قرآنی درست منعقد نمی‌شود؛ و اگر حروف خاص، درست تلفظ نگردد و مطابق عرف زبان فارسی تلفظ شود، نیز صحت قرائت مختل شده و معانی تغییر می‌کنند.

اکنون حروف خاص عربی را با چه روشی تدریس کنیم؟

هجده حرف (أ ب ت ج خ د ر ز س ش ف ک ل م ن و ه ی) در فارسی و عربی تقریباً تلفظ مشترکی داشته و از نظر صحت قرائت، به تدریس نیاز ندارد.

ولی تلفظ ده حرف خاص (ث ح ذ ص ض ط ظ ع غ ق) به آموزش نیاز دارد و باید به تدریج تدریس و تمرین شود، تا در نماز و قرائت قرآن به طور صحیح تلفظ گردد.

آموزش تلفظ حروف دو سطح دارد:

سطح اول: مربوط به صحت قرائت

سطح دوم: مربوط به تجوید و فصاحت

صحت قرائت حرف: یعنی تلفظ درست آن، به نحوی که با حرف دیگر اشتباه نشود؛

مثلاً: ح با ه، ع با أ، ذ با ز، ث با س اشتباه نشود.

این قدم اول است و عموم مردم به این مقدار آموزش نیاز دارند، تا حداقل نمازشان درست باشد و عموم مراجع تقلید نیز روی این مقدار تأکید دارند.

ولی سطح دوم مربوط به فصاحت و تجوید، لحن عربی و زیبایی قرائت است و سطح بالاتر را تشکیل می‌دهد؛ یعنی هر حرف، علاوه بر صحت تلفظ، شایسته است که فصیح و زیبا نیز ادا شود.

در سطح یک، مثلاً همین که با غلیظ کردن ح از ه و ع از ا متمایز و جدا شود، صحت قرائت محقق می‌گردد، ولی از نظر فصاحت تلفظ و تجوید، این مقدار کافی نیست.

هر حرف باید اولاً درست و ثانیاً فصیح و زیبا تلفظ گردد.

در سطح دو علاوه بر غلظت ح و ع نباید این دو حرف درشت ادا شوند؛ در تلفظ فصیح و زیبا افراط و تفریط

نیست. حرف باید به گونه‌ای تلفظ شود که علاوه بر درست بودن، به لحن عربی فصیح و زیبا نیز ادا شود؛ پس:

سطح یک: شامل آموزش صحت قرائت حروف

سطح دو: شامل آموزش تجوید و فصاحت حروف

در آموزش عمومی، تلفظ صحیح، با روشی آسان، کوتاه و کاربردی تدریس می‌شود. آموزش آسان،

یعنی به زبان و روشی که عموم مخاطبان، به سادگی درک کنند و برایشان قابل فهم و اجرا باشد.

مثلاً در تدریس ح این گونه می‌گوییم: غلیظ از ته گلو، تا گرفتن ح محقق شود.

در مورد ع نیز می‌گوییم: غلیظ از ته گلو

روش تدریس نباید سنگین و پیچیده باشد، قرائت نیز نباید همراه با وسواس و تکلف باشد و دانش آموز،

دهانش را کج و معوج کند؛ بلکه در سطح یک باید آموزش تلفظ، در نهایت سادگی باشد.

باید از شرح و توضیح اصطلاحات تخصصی علم قرائت و تجوید، مانند: بیان مخرج، صفت، استعلا،

استفال، جهر، همس، اطباق و... پرهیز کرد؛ این اصطلاحات و تعاریف، برای افراد مبتدی ضرورتی ندارد و

در تلفظ آن‌ها نقشی ایفا نمی‌کند؛ عموم مردم حوصله این مطالب را نداشته و به آن‌ها نیاز ندارند؛ این مباحث برای سطوح بالاتر مناسب است.

به جای این اصطلاحات، شگرد و روش آموزش ساده و اثربخش ضرورت دارد، تا تلفظ صحیح، به راحتی و با بیانی کوتاه، آسان و همه فهم، آموزش داده شود.

از این رو، در توضیح نحوه تلفظ حروف، به جای اصطلاحات تخصصی علم قرائت، خوب است از کلمات: نوک زبانی، درشت، نازک، محکم، نرم، و مانند آن استفاده شود؛ این کلمات را همه می‌فهمند و درک می‌کنند.

شایان ذکر است حتی اگر تدریس به زبان ساده باشد، آموزش وقتی نتیجه می‌دهد که دبیر تلفظ صحیح حرف را نمایش دهد و به گوش شاگردان برساند و آن‌ها الگوی شنیداری را تشخیص دهند و بتوانند تلفظ مورد نظر را بازگو کنند؛ در غیر این صورت، آموزش کاربردی و اثربخش حاصل نمی‌شود و به همین دلیل، افراد ناشنوا نمی‌توانند تلفظ کنند و لال هستند.

آموزش عمومی باید آسان، کوتاه و کاربردی باشد.

دبیر باید بخواند یا صوت تلاوت آیات را پخش کند و به شاگردان بگوید خوب گوش کنید و ببینید که چگونه این حرف تلفظ می‌شود.

مثلاً ح یا ع چگونه تلفظ می‌شود، شما نیز مانند آن تلفظ کنید.

در بسیاری از دوره‌های آموزشی، اطلاعات کلی و نظری تدریس می‌شود، ولی دانش آموز نمی‌تواند در نماز یا قرائت قرآن، حروف را درست تلفظ کند.

ضمناً تدریس به گونه‌ای باشد که به وسواس، تکلف و بدآموزی منجر نشود و از آسیب‌ها جلوگیری کند.

گام‌های آموزش تلفظ حروف

گام اول: توجه دادن به تلفظ حرف در قرائت الگو؛ یعنی با قرائت دبیر یا استفاده از صوت تلاوت آیات، قرائت صحیح به گوش دانش آموز می‌رسد.

گام دوم: مقایسه حرف مورد نظر با حرفی که با آن اشتباه می‌شود؛ یعنی وقتی دانش آموز قرائت را گوش

می‌کند، می‌پرسیم:

به عنوان مثال:

ح مثل ه به طور معمولی ادا می‌شود، یا غلیظ ح؟

صاد به حالت معمولی س خوانده می‌شود، یا به حالت درشت ص؟

کدام یک درست است: سَلَّ یا صَلَّ؟

اگر از دانش‌آموزان بپرسیم، کلاس فعال می‌شود. حتی اگر یک نفر حالت صحیح را تشخیص و پاسخ دهد، بسیار خوب است.

گام سوم: بیان ساده و همه‌فهم نحوه تلفظ حرف، به صورت سؤال و مقایسه آن با حرف مشابه؛ یعنی به زبان ساده از نحوه تلفظ سؤال می‌شود. مثلاً:

تلفظ به حالت معمولی، یا غلیظ؟

نازک یا درشت؟

نرم یا محکم؟

گام چهارم: نمایش تلفظ حرف؛ یعنی دبیر تلفظ حرف مورد نظر را با حرفی که با آن اشتباه می‌شود، به طور مقایسه‌ای نمایش داده و در مقابل شاگردان تلفظ می‌کند، تا آن‌ها به خوبی متوجه تلفظ صحیح شوند.

مثلاً، برای تدریس ح می‌گوید: ح به طور معمولی مثل ه خوانده می‌شود، یا به حالت غلیظ ح؟

در قرائت قاری چگونه شنیدید: الهمْدُ یا الحمدُ؟

از شاگردان می‌خواهد کلمه الحمد را دسته جمعی تکرار کنند، سپس از یک یک آن‌ها در قالب حرف یعنی ح، سپس در قالب کلمه الحمد می‌پرسد.

مقایسه به صورت حرف

سپس در قالب کلمه دارای آن حرف

درس باید به طور عملی و کاربردی پیش رود و گوش دانش‌آموز به تلفظ حرف مدّ نظر حساس گردد و با تلفظی که عادت دارد و با آن اشتباه می‌کند، مقایسه شود؛ سپس با بیان ساده و کوتاه که برای همه قابل درک است، نحوه تلفظ حرف، توضیح و نمایش داده می‌شود و با تلفظ غلط مقایسه می‌گردد.

مقایسه تلفظ حرف ابتدا به تنهایی، سپس در قالب کلمه تمرین می‌شود؛ معلم می‌خواند و دانش‌آموز تکرار می‌کند.

گام‌های آموزش تلفظ حرف:

۱ شنیدن تلفظ حرف

۲ نمایش نحوه تلفظ

۳ مقایسه تلفظ فارسی با حالت صحیح، به صورت سؤال

۴ توضیح تفاوت حروف، به زبان ساده، کوتاه و کاربردی

دانش‌آموزان ابتدا به طور دسته جمعی تکرار می‌کنند، تا اگر حرف را اشتباه تلفظ کردند، مضطرب نشوند.

آن‌گاه به طور داوطلبانه، یا از روی لیست اسامی، به صورت انفرادی پرسش می‌شود.

بهتر است ابتدا از افراد قوی و با جرأت پرسش شود، سپس از افراد ضعیف و خجالتی. همچنین جمله‌های بلند و مشکل از افراد قوی‌تر پرسش شود و جمله‌های کوتاه و آسان از افراد ضعیف‌تر. باید پرسش با تدبیر و به خوبی مدیریت شود.

مراحل تمرین و پرسش : در پرسش از دانش‌آموزان به این پنج نکته توجه شود :

- ۱ ابتدا از جمع، سپس از فرد
- ۲ ابتدا از قوی، سپس از ضعیف
- ۳ ابتدا از داوطلب، سپس از خجالتی
- ۴ جمله‌های بلند و مشکل از افراد قوی‌تر
- ۵ جمله‌های کوتاه و آسان از افراد ضعیف‌تر

تلفظ صحیح حروف در کدام متن اولویت دارد؟ در قرائت و اذکار نماز. اذان و اقامه، حمد و سوره، ذکر رکوع و سجود و تسبیحات تشهد و سلام. باید هر جمله‌ای که دارای حرف مورد نظر است، خوب تمرین شود. اولویت در آموزش تلفظ حروف «تمرین اذکار نماز است.»

دو حرف «ح» و «ع» پر استعمال بوده و در قرائت نماز خیلی استفاده می‌شود، ولی حروف ث ذ ص ض ط ظ غ ق کمتر استفاده می‌شوند. از این رو، ترتیب تدریس حروف، یا براساس فراوانی استفاده از آن‌ها و یا آسانی و سختی تلفظ، تنظیم می‌شود؛ مانند تلفظ ح ع ط که راحت‌تر تدریس می‌شوند؛ اما تدریس حروف ص و ذ ض که دوتایی و سه‌تایی هستند، باید طوری برنامه‌ریزی شود که از آسان به مشکل باشد و از تک مجهولی به چند مجهولی پیش برود، تا حرف چند مجهولی خود به خود، تک مجهولی شود.

ابتدا دانش‌آموز باید تلفظ حرف مورد نظر را بشنود و با حرفی که با آن اشتباه می‌شود مقایسه گردد، و تلفظ آن نمایش داده شود و از او سؤال شود تا تلفظ صحیح را تشخیص دهد و انتخاب کند و کلاس فعال باشد.

باید بیشتر تأکید بر تمرینی باشد که دانش‌آموز را به مهارت و تسلط کافی برساند. گوش دانش‌آموز باید تلفظ مورد نظر را بشنود، و زبانش آن را تکرار کند، تا به مهارت برسد و بتواند به راحتی و درست تلفظ کند؛ یعنی طوری تدریس شود که شاگرد به مهارت عملی برسد، نه به دانستن نظری.

هر حرف ابتدا به تنهایی سپس در کلمه و بعد در جمله تمرین شود.

تذکر : روش تدریس و آموزش هر یک از دروس، در فصل دوم خواهد آمد.

روش تدریس بخش حفظ قرآن

در پایان هر درس، یک صفحه از کتاب به حفظ آیات و سوره‌های کوتاه اختصاص دارد. از آن‌جا که دانش‌آموزان عزیز رشته علوم و معارف اسلامی در این حوزه ارزشمند تحصیل می‌کنند؛ لذا انس با قرآن کریم بر ایشان بیش از دیگران لازم است. حفظ قرآن یکی از بهترین جلوه‌های انس با قرآن کریم است؛ لذا برای راحتی ایشان، حفظ جزء ۳۰ قرآن در طول یک برنامه دو ساله (پایه‌های دهم و یازدهم) در نظر گرفته شده است. اما آن‌چه در این مرحله مورد انتظار است، «حفظ عمومی قرآن کریم» است.

حفظ اجمالی قرآن

رویکرد حاکم در این برنامه درسی، «حفظ اجمالی» (نسبی یا مقدماتی) آیات منتخب قرآن است. منظور از «رویکرد» نیز همان نگاه کلی حاکم بر یک برنامه درسی و آموزشی است. در این روش، سعی بر آن است تا گوش و دل مخاطب با آیات عجین شده و بتواند به کمک معلم، یا نگاه کردن به متن، یا در جمع خوانی کلاسی همراه با قرائت الگو بخواند. بر اساس این روش، هر فرد در طول هفته، آیات منتخب را به تدریج حفظ می‌شود.

مراحل آموزش

ابتدا صحت قرائت آیات این بخش آموزش داده می‌شود. (روخوانی آیات توسط دانش‌آموزان) سپس با استفاده از قرائت الگو روان‌خوانی آیات تمرین می‌شود. برای این کار می‌توانید از صوت تلاوت آیات درس که به صورت ترتیل، یا تحقیق آموزشی در دسترس شماست استفاده کنید. درباره سوره، اطلاعات اجمالی ارائه می‌شود (مانند محتوای سوره، نام سوره، تعداد آیات، شأن نزول و...)

ترجمه آیات توسط دانش‌آموزان خوانده می‌شود.

معلم به دانش‌آموزان فرصت کوتاهی می‌دهد، تا سوره (یا بخشی از آن) را در کلاس حفظ کنند. به عنوان مثال: بچه‌ها! پنج دقیقه وقت دارید تا آیات ۱ تا ۵ سوره شمس را حفظ کنید. معلم اعلام می‌کند: «بچه‌ها! در صورت نیاز می‌توانید به متن نگاه کنید و بخوانید». ابتدا از دانش‌آموزان داوطلب و سپس از سایر دانش‌آموزان پرسیده می‌شود. دانش‌آموزان حافظ آیات درس، مورد تشویق معلم و دانش‌آموزان دیگر قرار می‌گیرند. در صورت امکان، دوباره آیات درس همراه با قرائت الگو جمع‌خوانی می‌شود. معلم متناسب با حجم سوره‌های مشخص شده، زمانی را برای حفظ کامل آن‌ها در منزل مشخص می‌کند.

برای حفظ بهتر و نیز کاربردی کردن آن، مناسب است دانش‌آموزان به خواندن این سوره‌ها در نماز تشویق شوند.

یادآوری: حفظ قرآن کریم یک امر تدریجی است و در طول هفته و به مرور اتفاق می‌افتد. پس با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان از سخت‌گیری در حفظ قرآن پرهیز شود؛ و بیشتر به تشویق و ترغیب دانش‌آموزان همت گماشته شود.

تذکر: از آن‌جا که روش آموزش حفظ قرآن در تمام دروس این کتاب، یکسان است؛ لذا از بیان روش تدریس بخش حفظ برای هریک از دروس صرف نظر می‌شود. همکاران عزیز در صورت نیاز، می‌توانند به این بخش مجدداً مراجعه و به مراحل آموزش آن توجه کنند.

راهنمای تدریس فصاحت و تجوید به تفکیک دروس

فصل دوم

مقدمه

با توجه به محتوای کتاب درسی علوم و معارف قرآنی پایه یازدهم، در هر یک از دروس دوازده گانه به آموزش تلفظ تعدادی از حروف اشاره شده است. از دبیران عزیز انتظار می رود، به تجارب گذشته بسنده نکرده و این روش را نیز مورد استفاده قرار دهند. در این بخش، روش آموزش تلفظ ده حرف خاص، یک به یک بررسی می شود، تا در قرائت نماز و قرآن درست تلفظ شده و معانی کلمات تغییر نکند. اغلب حروف عربی مثل حروف فارسی تلفظ می شوند، ولی در فارسی برخی از حروف مثل هم خوانده می شوند؛ یعنی چند حرف، یک تلفظ دارند؛ مثلاً:

«ع» به صدای «ء»

«ح» به صدای «ه»

«ط» به صدای «ت»

«ث، ص» به صدای «س»

«ذ، ض، ظ» به صدای «ز» تلفظ می شوند.

«غ» و «ق» نیز اغلب جابه جا تلفظ می شوند.

این حالت در زبان عربی فصیح وجود ندارد و اگر کلمات قرآن این گونه تلفظ شوند، اشکال جدی به وجود می آید؛ زیرا اگر حرفی به حرف دیگری تبدیل شود، تغییر معنا را به دنبال خواهد داشت.

به این مثال‌ها توجه کنید :

أَلِیم : دردناک	عَلِیم : دانا
أَهْلٌ : نام برده شد	أُحِلَّ : حلال شد
تَابَ : توبه کرد	طَابَ : نیکو شد
إِسْم : نام	إِثْم : گناه
عَدَ : فردا	قَدَ : قطعاً
ضَلَّ : گمراه شد	ظَلَّ : ماند

در این مثال‌ها مشاهده می‌شود که به دنبال تغییر در تلفظ حرف، معنای کلمه تغییر می‌کند. بنابراین، باید در حین خواندن قرآن به تلفظ صحیح حروف دقت کرد؛ زیرا با تبدیل حرفی به حرف دیگر، آیه قرآن و کلام خدا نیز تغییر می‌کند.

تبدیل حرف = تغییر معنا

آموزش تلفظ صحیح حروف خاص در خواندن کلمات و آیات قرآن، بسیار ضروری است و باید به طور جدی به آن بپردازیم. بر همین اساس، چهارمین مبحث در آموزش صحت قرائت قرآن، تلفظ صحیح حروف خاص عربی است.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا تلفظ حروف خاص، به عموم مردم باید تدریس شود، یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است، باید صبر کرد تا ابتدا روخوانی شکل و قوام لازم را بگیرد، تا وقتی که دانش‌آموز به مرحله روان‌خوانی برسد، آن وقت تلفظ حروف خاص تدریس شود. ولی از ابتدای آموزش روخوانی، باید دانش‌آموز به قرائت صحیح و معتبر استماع کند، ولی توضیح نحوه تلفظ، تکلیف و پرسش، بماند برای مرحله روان‌خوانی.

آسیب‌های صحت قرائت

عدم رعایت صحت قرائت، آسیب‌هایی جدی به خواندن وارد می‌کند. آسیب‌ها عبارت‌اند از: تبدیل، جابه‌جایی، کم‌شدن و اضافه‌شدن حرف یا حرکت؛ وقف در وسط جمله و جداشدن کلمه از جمله خود و وصل آن به جمله دیگر.

برای آسیب‌شناسی قرائت و رفع اشکال دانش‌آموزان و اصلاح اشتباهات آن‌ها، باید به نکات زیر به طور جدی توجه شود.

اشتباهات رایج در صحت قرائت :

- ۱ تبدیل حرف یا حرکت
- ۲ جابه‌جایی حرف یا حرکت
- ۳ کم‌شدن حرف یا حرکت
- ۴ اضافه‌شدن حرف یا حرکت
- ۵ جابه‌جایی کلمات جمله‌ها

عناصر لازم برای تصحیح اشتباهات :

- ۱ تشخیص دقیق اشتباه
- ۲ علت‌یابی اشکال و اشتباه
- ۳ پیدا کردن راه حل مناسب برای تصحیح اشتباه
- ۴ برخورد مدبرانه و سازنده با اشکال و اشتباه دانش‌آموز

مهم‌ترین علت‌های اشتباه در قرائت :

- ۱ شتاب‌زدگی و عجله در خواندن
- ۲ طولانی خواندن (چند جمله با هم)
- ۳ کلی خواندن و عدم دقت به اجزای خط
- ۴ اشتباه در حفظ، یا لهجه و ذهنیت قبلی

برخورد مدبرانه و سازنده با اشکال و اشتباه دانش‌آموز :

- ۱ قطع نکردن قرائت دانش‌آموز و صبر و تحمل تا وقف او
- ۲ تشویق دانش‌آموز برای کلماتی که درست خوانده است.
- ۳ درخواست تکرار جمله مورد اشتباه توسط خود او
- ۴ در صورت تکرار اشتباه، سؤال از بقیه درباره اشتباه
- ۵ تکرار مجدد جمله مورد اشتباه توسط فرد مورد نظر

موضوع آسیب‌شناسی قرائت بسیار حائز اهمیت است و در حین تدریس، باید به طور جدی به آن توجه شود. از این‌رو، پیوسته در مقام مقایسه بین تلفظ حروف و حرکات و میزان کشش آن‌ها موقعیت یادگیری بهتری برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود.

نحوه تدریس فصاحت و تجوید حروف و حرکات

تجارب دبیران محترم نشان می‌دهد که بخش اول کلاس بهترین زمان یادگیری است. بنابراین، بهتر است ابتدا دانش‌آموزان آیات بخش قرائت را بخوانند. مهم‌ترین مسئله این جاست که دبیر عزیز باید از همین بخش، زمینه آموزش تلفظ حروف را فراهم کند. به این صورت که با توجه به فعالیت‌های قبل از تدریس (مطالعه کتاب درسی و نیز کتاب راهنمای معلم) از آن‌چه که در بخش فصاحت و تجوید بیان شده آگاه است. پس در حین اجرای تدریس قرائت زمینه‌های طرح موضوع را فراهم می‌کند. به‌ویژه در بخش رفع اشکالات خواندن دانش‌آموزان.

حتی معلم قرآن می‌تواند با توجه به مهارتی که دارد، بخشی از مراحل صفحه بعد (فصاحت و تجوید) را در همین جا به صورت عملی تدریس کند.

در این کتاب راهنما، بخش مربوط به فصاحت و تجوید، در ابتدای هر درس رمزینه‌ای قرار داده شده است. در این رمزینه‌ها، فیلم تدریس حروف از سوی مؤلفان تهیه و بارگذاری شده است. مشاهده این فیلم‌ها قبل از تدریس دروس، به همکاران گرامی توصیه می‌شود.



فصاحت و تجوید حروف و حرکات

درس ۲۱

در همین ابتدای بحث توجه به چند نکته دربارهٔ فصاحت حرکات کوتاه و کشیده ضروری است:

۱ از نظر صحّت قرائت، این شش نوع حرکت، متعارف است: سه حرکت کوتاه و سه حرکت کشیده؛

ولی از نظر فصاحت و تجوید و لحن عربی، هشت نوع است:

حرکات کوتاه، چهار نوع است؛ زیرا فتحه دو حالت درشت و نازک دارد.

حرکات کشیده نیز چهار نوع است؛ زیرا الف مدّی دو حالت نازک و درشت دارد.

۲ تلفظ فصیح چهار نوع از این حرکات، مانند فارسی است که عبارت‌اند از:

فتحه با بیست حرف،

الف مدّی با هشت حرف،

یاء مدّی و واو مدّی.

ولی تلفظ فصیح چهار نوع دیگر حرکات، با حالت فارسی تفاوت دارد؛

یعنی فتحه با هشت حرف، کسره و ضمه با همه حروف، و الف مدّی با بیست حرف.

۳ اگر فصاحت در تلفظ حرکات رعایت نشود، قرائت درست است، ولی با لحن فارسی؛

اما اگر فصاحت رعایت گردد، قرائت به لحن عربی، زیباتر و شیواتر می‌شود و فضیلت بیشتری دارد.

۴ باید به مهارت‌های عملی فصاحت و تجوید در قرائت بیشتر بپردازیم؛ مؤثرترین تمرین، استماع و

پیروی از قرائت معتبر و زیبا، به طور مستمر و همه روزه است؛ و این گام اصلی و اساسی است.

حرکات فصیح		حرکات مشترک با فارسی
ـ کشیده	الف مدّی با بیست حرف	فتحه معمولی با بیست حرف
آ کوتاه	فتحه با هشت حرف	الف مدّی معمولی با هشت حرف
ای کوتاه	کسره	یاء مدّی معمولی
او کوتاه	ضمه	واو مدّی معمولی

فصاحت حرکات کوتاه

چند نکته :

۱ با توجه به نکته مهم صفحه قبل، خوب است پس از تذکر موارد در حین تمرین قرائت، برای تأکید بیشتر مواردی از مثال‌ها را روی تخته نوشته و از دانش‌آموزان بخواهید با رعایت قاعده تجویدی آن‌ها را بخوانند. سعی کنید شما فقط راهنما باشید و با ایجاد فرصت‌های مناسب، زمینه کسب مهارت را برای هریک از دانش‌آموزان فراهم کنید.

۲ پیشنهاد می‌شود دبیر محترم در این بخش، برای کسب مهارت لازم در دانش‌آموزان، به شیوه پیشنهادی جدول تمرین فصاحت و تجوید حروف و حرکات که در پایان این فصل آمده است، عمل شود.

۳ برای رعایت اختصار، از بیان مفصل روش تدریس فصاحت و تجوید تک تک حروف خودداری شده است. شما می‌توانید در موارد مشابه به نمونه‌های قبلی مراجعه کنید.

۱- فتحه : از نظر فصاحت و تجوید، دو حالت دارد :

با هشت حرف (حَ رَ صَ طَ ظَ عَ قَ) به صورت آ، ولی کوتاه تلفظ می‌شود؛ یعنی به حالت درشت و به اصطلاح تجوید تفخیم می‌گردد؛

مانند : خَيْرٌ رَبِّ صَلِّ صَلِّ صِرَاطَ ظَهَرَ غَيْرِ قَدْ

ولی با بیست حرف مابقی به‌طور معمولی ادا می‌شود.

۲- کسره : از نظر فصاحت و تجوید، به صورت ای، ولی کوتاه تلفظ می‌شود؛

مانند : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ خَيْرِ الْعَمَلِ
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

۳- ضمه : از نظر فصاحت و تجوید، به صورت او، ولی کوتاه تلفظ می‌شود.

مانند : اللَّهُ أَشْهَدُ رَسُولُ وَلِيُّ أَعُوذُ الْحَمْدُ نَعْبُدُ

فصاحت حرکات کشیده

با توجه به این که صداها ی کشیده معمولاً به شکل حروف نوشته می شوند، به آن ها حروف مدّی می گویند.

۱- الف مدّی: از نظر فصاحت و تجوید، مانند فتنه دو حالت دارد:

بایست حرف: آ با تا ثا جا حا دا ذا زا سا شا عا فا کا لا ما نا وا ها یا

به صورت ـــ ولی کشیده تلفظ می شود؛ یعنی نازک و ترقیق می گردد؛ مانند:

أَمَّنْ بَارَكَ تَابَ ثَالِثُ جَاعِلٌ سُبْحَانَ دَانِ ذَلِكَ زَاهِقٌ سَارَ
شَاهِدُ الْعَالَمِينَ فَاطِرُ كَانَ أَلْسَلَامُ مَالِكِ إِنَّا أَوَابٌ إِنَّهَا إِيَّاكَ

ولی با هشت حرف (خا را صا ضا طا ظا غا قا) به طور معمولی تلفظ می شود.

همچنین از نظر تجوید، در مواردی که علامت مد (ـــ) روی الف قرار می گیرد، کشش آن به میزان

دو تا سه برابر افزایش می یابد؛

مانند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ لَآ الضَّالِّينَ

۲- یاء مدّی: به طور معمولی تلفظ می شود، ولی از نظر تجوید، در مواردی که علامت مد (ـــ) روی

یاء قرار می گیرد، کشش آن به میزان دو تا سه برابر افزایش می یابد؛

مانند: سَيِّءٌ جَيِّءٌ تَفِيَّءٌ

۳- واو مدّی: نیز به طور معمولی تلفظ می شود، ولی از نظر تجوید، در مواردی که علامت مد (ـــ) روی

واو قرار می گیرد، کشش آن به میزان دو تا سه برابر افزایش می یابد.

مانند: سَوَاءٌ تَبَوَّأَ تَأْمُرُونِي



فصاحت و تجوید حروف «الف همزه» و «باء»

درس ۳

۱- فصاحت و تجوید حرف الف همزه

حرف الف، معمولاً درست ادا می‌شود؛ البته نباید نرم و شبیه حرکات تلفظ گردد. ولی از نظر فصاحت و تجوید باید تیزی و ظرافت آن رعایت شود.

در اصطلاح علم تجوید، به تیزی الف همزه، «نبر» می‌گویند؛

مانند: اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

همزه ساکن نیز باید با دقت تلفظ شود؛ نه سست، نه خیلی محکم، و نه با قلقله و تکان دادن به همزه؛

مانند: مَأْكُولٍ بِئْسَ مَوْصَدَةً

در جمله «أَعْجَبَنِي» در آیه ۴۴ سوره مبارکه فصلت، الف همزه مفتوح دوم، بدون نبر، یعنی به صورت نرم شبیه فتحه تلفظ می‌شود.

۲- فصاحت و تجوید حرف باء

حرف باء نیز معمولاً درست ادا می‌شود؛ البته نباید با دمش مثل پ یا تودماغی مثل میم تلفظ گردد. ولی از نظر فصاحت و تجوید، ب ساکن باید با تکان کوچکی تلفظ شود و لب‌ها از هم جدا گردد، تا صدای ب به طور واضح به گوش برسد. البته نباید این تکان کوچک، همراه با مکث و فشار و شبیه تشدید باشد.

در اصطلاح تجوید، به این تکان کوچک، «قلقله» می‌گویند؛

مانند: هُوَ الْآبَرُ سُبْحَانَ عَبْدِهِ فَاَنْصَبْ فَارْعَبْ

در جمله «يَا بَنِيَّ ارْكَبْ مَعَنَا» در آیه ۴۲ سوره مبارکه هود، ب ساکن نزد میم، بهتر است ادغام شود؛

یعنی ب به میم تبدیل گردد.



فصاحت و تجوید حروف «تاء»، «ثاء» و «جیم»

درس ۴

۳- فصاحت و تجوید حرف تاء

حرف تاء معمولاً درست ادا می‌شود، ولی از نظر فصاحت و تجوید، نباید خیلی تیز تلفظ گردد، تا با دال اشتباه شود؛ یا زبان از دندان‌ها فاصله داشته باشد تا، ت با سین مخلوط گردد و از فصاحت دور شود؛

مانند: نَسْتَعِينُ الْمُسْتَقِيمَ أَنْعَمْتَ لَيْلَةُ

همچنین تاء ساکن نزد طاء و دال ادغام می‌شود؛ یعنی:

ت نزد طاء، به طاء تبدیل می‌گردد.

مانند: وَقَالَتْ طَأْثُفَةُ

ت نزد دال، به دال تبدیل می‌شود.

مانند: أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا

۴- فصاحت و تجوید حرف ثاء

حرف ثاء در فارسی به صدای سین تلفظ می‌شود، ولی در قرائت قرآن، نوک زبانی است و زبان بین دندان قرار می‌گیرد.

ث: نوک زبانی، زبان بین دندان

پس از پخش فرازی از آیات یا تلاوت خود دبیر، نحوه تلفظ حرف از دانش‌آموز سؤال می‌شود؛ تا به تلفظ ثاء توجه کند.

دبیر تلفظ ثاء را به صورت مقایسه با سین نمایش می‌دهد و از دانش‌آموز می‌پرسد، که حرف ثاء به حالت معمولی تلفظ می‌شود س، یا به صورت نوک زبانی ث؟ دانش‌آموز معمولاً درست جواب می‌دهد.

آن‌گاه دبیر از دانش‌آموز می‌خواهد که مثل او تکرار کند. نوک زبان را بین دندان قرار دهد و به صورت نوک زبانی تلفظ کند. سپس تأکید می‌شود که زبان را لای دندان‌ها بیاورد، تا دوباره به حالت سین تلفظ نکند.

روش دیگر برای آموزش ثاء که ساده و همه فهم است، عبارت است از: فوت کردن با نوک زبان.

نیاز به بیان دقیق محل اتصال زبان به زیر دندان‌های جلو نیست؛ دانش‌آموز خود به خود سر زبان را لای دندان‌های جلو قرار می‌دهد، نه دندان‌های کناری.

پس از این که دانش‌آموزان به صورت دسته‌جمعی تلفظ ثاء را تکرار کردند، از آن‌ها به شکل انفرادی از

روی لیست اسامی یا داوطلبی می‌پرسیم.

آن‌گاه کلمات دارای ثاء به صورت دسته‌جمعی و انفرادی تمرین می‌شود؛ مانند :

مِثْقَالٌ ثُقُلْتُ أَثْقَلْتُهَا
فَحَدَّثْتُ ثَحَدْتُ بُعِثِرَ

سپس جملات قرآنی دارای ثاء به صورت جمع‌خوانی و فردخوانی تمرین می‌شود. کلمات و آیات مورد استفاده در تمرین، حتی المقدور در لوحه‌ای آماده می‌شود. ستون اوّل برای کلمه دارای ثاء و ستون دوم برای جمله قرآنی دارای آن کلمه. آن‌گاه جملاتی آورده شود که دارای ثاء و سین است، تا با هم مقایسه شوند.

کلمه	جمله
الثَّكَاثُرُ	أَلْهَأَكُمُ الثَّكَاثُرُ
الْكَوْثَرُ	إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ
مِثْقَالُ	فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ
ثُمَّ	ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ رَدَدْنَا أَسْفَلَ سَافِلِينَ
الْمَبْثُوثِ	يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ

باید دقت شود که دانش‌آموز به افراط نیفتد و سین را مانند ثاء نوک زبانی نگوید. باید درس به نحوی مدیریت شود تا این آسیب پیش نیاید.



فصاحت و تجوید حروف «حاء»، «خاء»، «دال» و «ذال»

درس ۵

۵- فصاحت و تجوید حرف حاء

در بخش صحت قرائت بیان شد که حاء غلیظ از ته گلو ادا می‌شود، تا با هاء اشتباه نشود، ولی از نظر فصاحت و تجوید، باید تلفظ حاء با مقداری دمش در گلو باشد، تا با عین مخلوط نگردد. حرف حاء در فارسی مانند هاء ادا می‌شود، ولی در قرائت قرآن، به صورت غلیظ از ته گلو تلفظ می‌شود.

حاء : غلیظ، از ته گلو

در اصطلاح تجوید، به دمش حاء در گلو «بُحّه» می‌گویند. همچنین حاء مفتوح یا ساکن باید نازک تلفظ شود؛ مانند :

مُحَمَّدًا حَيَّ الْحَمْدُ أَحَدُ

بِحَمْدِهِ حَمْدُهُ الرَّحْمَنِ

از دانش آموزان می‌خواهیم به نحوه تلفظ حاء دقت کنند و از آن‌ها می‌پرسیم : حاء به صورت معمولی مثل هاء تلفظ می‌شود، یا غلیظ و از ته گلو حاء؟

در این روش :

۱ از نحوه تلفظ حاء سؤال می‌شود.

۲ تلفظ حاء به گوش دانش آموز رسانده می‌شود.

۳ تلفظ حاء نمایش داده می‌شود.

۴ تلفظ حاء با هاء مقایسه می‌گردد.

برای تمرین و کسب مهارت، معلم می‌خواند و دانش آموزان ابتدا به طور دسته جمعی، سپس انفرادی با انتخاب معلم، یا داوطلبانه تکرار می‌کنند.

ابتدا نحوه تلفظ حاء با هاء به صورت سؤال مقایسه می‌شود : هَ یا حَ؟

سپس تلفظ حاء در قالب کلمه مقایسه می‌شود : هَيَّ یا حَيَّ؟

آن‌گاه تلفظ صحیح در قالب جمله تمرین می‌شود.

اولویت تمرین اذکار، نماز یا سوره‌هایی است که در نماز تلاوت می‌شوند.

حرف حاء در اذکار نماز زیاد به کار رفته است.

کلمه	جمله
مُحَمَّد	أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
حَيَّ الْفَلَاحِ	حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ	الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
أَحَدُ	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
سُبْحَانَ بِحَمْدِهِ	سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ
حَمِيدُهُ	سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِيدُهُ
يَحْوِلُ	يَحْوِلُ اللَّهُ وَقُوَّتُهُ أَقْوَمُ وَأَقْعَدُ
حَسَنَةً	رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَحْدَهُ	أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
رَحْمَتُهُ	وَرَحْمَتُهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ
الضَّالِّحِينَ	وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الضَّالِّحِينَ

تمرین تلفظ، باید طوری باشد که به مهارت تبدیل شود و دانش آموز بتواند همه حروف را درست تلفظ کند. دانش آموزان را می توان گروه بندی کرد، تا اعضای هر گروه برای یکدیگر بخوانند. همچنین از شاگردان می خواهیم قرائت خود را ضبط کنند و ببینند آیا همه موارد حاء را صحیح تلفظ کرده اند، یا در مواردی اشتباه شده است؟ باید تک تک موارد حاء را دقت کنند و هر جمله ای را که درست ادا نشده بازسازی نمایند.

۶- فصاحت و تجوید حرف خاء

حرف خاء معمولاً درست تلفظ می شود، ولی از نظر فصاحت و تجوید، باید تلفظ خاء با کمی دمش در گلو باشد، تا با غین مخلوط نگردد.

در اصطلاح تجوید، به دمش خاء در گلو «خَرُورَه» می گویند.

همچنین خاء مفتوح یا ساکن باید درشت تلفظ شود؛

مانند: خَلَقَ خَيْرًا حَقَّتْ خَوْفٍ أَخْلَدَهُ أَخْبَارَهَا يَخْرُجُ

۷- فصاحت و تجوید حرف دال

حرف دال معمولاً درست ادا می شود؛ ولی از نظر فصاحت و تجوید، دال ساکن، باید با قلقله تلفظ گردد؛ یعنی با تکان کوچکی، زبان از لثه جدا شود و صدای دال به طور واضح به گوش برسد و با تاء اشتباه نشود؛

مانند: قَدْ أَحَدَ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ أَقْعَدَ مُحَمَّدٌ

همچنین دال ساکن نزد ت ادغام می شود؛ یعنی به تاء تبدیل می شود؛

مانند: عَبَدْتُمْ وَجَدْتُ قَدْ تَبَيَّنَ لَقَدْ تَابَ

۸ - فصاحت و تجوید حرف ذال

حرف ذال در فارسی با صدای زاء تلفظ می‌شود، ولی در قرائت قرآن، نوک زبانی است و زبان بین دندان قرار می‌گیرد.

ذال : نوک زبانی، زبان بین دندان

تلفظ ذال مانند تلفظ ثاء آموزش داده می‌شود. بعد از نمایش تلفظ آن، از دانش‌آموز پرسش می‌شود که زبان پشت دندان‌ها گیر می‌کند، یا زیر دندان‌ها قرار می‌گیرد؟
برای تمرین ذال، ابتدا قرائت اذکار نماز، سپس آیات مقرر درس، استماع و تکرار می‌شود.
حرف ذال در نماز کم‌استعمال است؛ مانند :

کلمه	جمله
الَّذِينَ	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
يَاذِنِ	يَاذِنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ
عَذَابِ	وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
إِذَا	إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ

تذکر : مطالبی که تدریس نشده، از دانش‌آموز مطالبه نمی‌شود. فقط حروفی که تدریس شده، پرسش می‌گردد.



فصاحت و تجوید حرف «راء»

درس ۶

۹- فصاحت و تجوید حرف راء

حرف راء معمولاً درست تلفظ می‌شود، ولی از نظر تجوید دو حالت دارد :

حالت اول : همراه با حرکات َ ُ ِ ْ - و درشت ادا می‌شود.

در اصطلاح تجوید، به درشت تلفظ کردن «تَفْخِیم» می‌گویند؛

مانند : رَبِّ اسْتَغْفِرْ شَرًّا خَيْرٌ صِرَاطٌ وَالرَّوْحُ

حالت دوم : همراه با حرکات ِ ِْ - ی نازک و ظریف ادا می‌شود.

در اصطلاح تجوید، به نازک تلفظ کردن «ترقیق» می‌گویند؛

مانند : غَيْرِ بَحْرِ شَرِيكَ أَمْرِي

راء ساکن، یعنی بدون حرکت، نیز دو حالت دارد : تفخیم و ترقیق

(الف) در موارد زیر تفخیم می‌شود :

۱ راء ساکن بعد از َ و ُ ؛

مانند : تَرْمِيهِمْ وَأَنْخَرُ يُرْسَلُ قُرْآنُ

۲ راء ساکن بعد از ِ و قبل از حروف درشت، در یک کلمه؛

مانند : قِرْطَاسٍ فِرْقَةٍ إِرْصَادًا مِرْصَادًا لِبِالْمِرْصَادِ

۳ راء ساکن بعد از ِ و الف وصل؛

مانند : إِرْجِعِي رَبِّ ارْجِعُونِ رَبِّ ارْحَمْهُمَا إِنْ ارْتَبْتُمْ لِمَنْ ارْتَضَى

۴ راء مکسور بعد از اَ ـ ؤ ـ ا ـ و که در وقف ساکن می‌شود؛

مانند :

بِسْحَرٍ ← بِسْحَرٍ	نُذِرٍ ← نُذِرٍ
وَالْعَصْرِ ← وَالْعَصْرِ	خُسِرٍ ← خُسِرٍ
عَذَابِ النَّارِ ← عَذَابِ النَّارِ	نُورٍ ← نُورٍ

(ب) در موارد زیر ترقیق می‌شود :

۱ راء ساکن بعد از اَ ـ ؛

مانند : وَاسْتَغْفِرُهُ فَاصْبِرْ

۲ راء مفتوح و مضموم بعد از اَ ـ ـ ی که در وقف ساکن می‌شود؛

قُدِرَ ← قُدِرَ	مُسْتَقِرٌّ ← مُسْتَقِرٌّ
يَسِيرٌ ← يَسِيرٌ	ذِكْرٌ ← ذِكْرٌ
خَيْرٌ ← خَيْرٌ	السَّيْرِ ← السَّيْرِ

۳ در کلمه «مَجْرُهَا» در آیه ۴۱ سوره مبارکه هود؛ راء با الف مقصوره‌ای که به صورت کسره کشیده

خوانده می‌شود نیز ترقیق می‌شود.



فصاحت و تجوید حروف «زاء»، «سین»، «شین» و «صاد»

درس ۷

۱۰- فصاحت و تجوید حرف زاء

حرف زاء معمولاً درست خوانده می‌شود.

دقت شود که این حرف نباید نوک زبانی و شبیه ذال تلفظ شود؛

مانند: إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ

و نباید با فشار و دمش، زاء به سین مایل شود، به ویژه زاء مشدّد،

مانند: وَالزَّيْتُونَ يَا أَيُّهَا الْمُزْمِلُ سَنَدُعُ الزَّبَانِيَةَ

۱۱- فصاحت و تجوید حرف سین

حرف سین معمولاً درست خوانده می‌شود.

دقت کنید که حرف سین، نوک زبانی شبیه ثاء تلفظ نشود؛

مانند: رَسُولٌ بِسْمِ تَسْتَعِينُ

و نباید درشت و مایل به صاد تلفظ شود،

مانند: أَلْمُسْتَقِيمِ سُبْحَانَ أَلْسَلَامُ

در سورة بقره، آیه ۲۴۵، در کلمه «يَبْصُطُ» روی صاد یک سین کوچک نوشته شده که به جای صاد خوانده می‌شود.

و در سورة اعراف، آیه ۶۹، در کلمه «بَصْطَةً» نیز روی صاد یک سین کوچک نوشته شده که به جای صاد خوانده می‌شود.

۱۵- فصاحت و تجوید حرف شین

حرف شین معمولاً درست خوانده می‌شود.

دقت شود که با جلو آوردن زبان، شین به سین مایل نشود؛

مانند: الشَّيْطَانِ شَانِئَكَ شَرِّ شَرِيكَ

برای متمایز شدن شین از ژ، باید مقداری با وسط زبان دمیده شود،

مانند: أَشْهَدُ نَشْرَحُ قُرَيْشٍ أَلْسِنَاءِ

در اصطلاح تجوید، به دمش شین با وسط زبان، تَفْسِي می‌گویند.

۱۶- فصاحت و تجوید حرف صاد

حرف صاد در فارسی با صدای سین ادا می‌شود، ولی در قرائت قرآن، درشت و پر از گلو تلفظ می‌شود.

صاد : درشت و پر، از گلو

پس از استماع صوت تلاوت آیات، دبیر از دانش‌آموزان می‌پرسد :

صاد مثل سین معمولی ادا می‌شود، یا درشت؟

سَ یا صَ؟ سَلَّ یا صَلَّ؟

توضیح ساده در قالب سؤال، مقایسه صاد با سین و نمایش تلفظ آن، انجام می‌شود؛ سپس برای کسب

مهارت، اذکار نماز تمرین می‌شود؛ مانند :

کلمه	جمله
الصَّلَاةُ	حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
صِرَاطَ	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
الصَّامِدُ	اللَّهُ الصَّمَدُ
صَلِّ	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
الصَّالِحِينَ	السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ



فصاحت و تجوید حروف «ضاد» و «طا»

درس ۸

۱۷- فصاحت و تجوید حرف ضاد

حرف ضاد بر اساس ظا تدریس می‌شود، و سه مجهول دارد؛ یعنی نوک زبانی مثل ذال و درشت مثل ظا؛ ولی بر خلاف ظا، محکم است.

ضاد: نوک زبانی درشت و محکم، یا ظای محکم

مخرج و صفت ضاد آن گونه که در کتاب‌های تجوید آمده است، بیان نمی‌شود؛ چون برای عموم نه تنها مفید نیست؛ بلکه بدآموزی دارد. اشاره به اتصال کناره‌های زبان به دندان، معمولاً منجر به تلفظ جدید و نامطلوبی می‌شود که در زبان عربی و قرائت فصیح قرآن وجود ندارد. در تدریس ضاد برای عموم، باید از وسواس و تکلف بپرهیزیم. باید این حرف مانند حروف قبلی با شیوه آسان، همه‌فهم و کاربردی تدریس شود. دانش‌آموز باید ذال و ظا را خوب یاد گرفته باشد و در درشت تلفظ کردن ظا مهارت کافی پیدا کرده باشد، تا در تلفظ ضاد علاوه بر نوک زبانی و درشتی، آن را محکم نیز ادا کند: ض ظ ذ

ظا نرم و قابل کشش است، ولی ضاد محکم و غیر قابل کشش.

هر تلفظی که نرم باشد، قابل کشش و امتدادپذیر است، ولی هر تلفظی که محکم باشد، غیر قابل کشش و امتدادناپذیر است.

در این حرف نیز دبیر باید چهار نکته تدریس حروف را رعایت کند:

- ۱ توضیح ساده
- ۲ به صورت سؤال
- ۳ مقایسه با مشابه
- ۴ نمایش تلفظ

تذکر: تدریس و تمرین حرف ضاد نیز باید به گونه‌ای انجام شود که دانش‌آموز به مهارت و تسلط کافی برسد؛ زیرا حرف ضاد، کم استعمال است و در اذکار نماز در این جمله‌ها آمده است:

کلمه	جمله
الْمَغْضُوبِ	غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
الضَّالِّينَ	وَلَا الضَّالِّينَ
أَنْقَضَ	الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ
الضَّعِيفَ	إِرْحَمْ عَبْدَكَ الضَّعِيفَ

دانش آموز می تواند قرائت نماز و قرآن خود را ضبط کند و با استماع آن، قرائت خود را بررسی کند و متوجه شود که هر حرف را چگونه تلفظ می کند. همچنین با هم کلاسی خود مباحثه کند؛ یعنی برای یکدیگر بخوانند و اشکالات یکدیگر را اصلاح کنند.

۱۸- فصاحت و تجوید حرف طا

حرف طا در فارسی با صدای تاء ادا می شود، ولی در قرائت قرآن باید درشت و پراز گلو تلفظ گردد.

طا: درشت و پراز گلو

تدریس از استماع فراز قرآنی آغاز می گردد، سپس تلفظ طا به صورت سؤال با تاء مقایسه و نمایش داده می شود:

تاء یا ط؟

صِرَاطٌ یا صِرَاطٌ؟

حرف طا نیز از حروف کم استعمال در نماز است؛ در سوره حمد، دو جمله طا دارد که حرف تاء هم در آن ها به کار رفته است:

کلمه	جمله
صِرَاطٌ	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
أَعْطَيْنَاكَ	إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ
مَطْلَعٍ	سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

حروف درشت با تکیه بر گلو تلفظ می شوند، لذا در کتب علم قرائت گفته اند «ریشه زبان بالا می آید» تا گلو منقبض شده و درشت تلفظ شود. مربیان باید توجه کنند که آموزش، آسان، همه فهم و بدون تکلف باشد.



فصاحت و تجوید حروف «ظا»، «عین»، «غین»، «فاء»، «قاف» و «کاف»

درس ۹

۱۹- فصاحت و تجوید حرف ظا

حرف ظا براساس تلفظ حرف ذال تدریس می‌شود؛ چون ذال یک مجهولی و ظا دو مجهولی است. ظا مانند ذال، نوک زبانی است، ولی بر خلاف ذال درشت ادا می‌شود. بنابراین، ظا نوک زبانی و درشت است.

ظا: نوک زبانی درشت، یا ذال درشت

دانش‌آموزان ابتدا آیات درس را با توجه به تلفظ ذال گوش می‌دهند، سپس به چگونگی تلفظ ظا دقت می‌کنند.

ابتدا سؤال می‌کنیم که ظا معمولی تلفظ می‌شود؛ مثل ز یا نوک زبانی؟
آن‌گاه می‌پرسیم تلفظ ظا مثل ذال نازک است، یا درشت؟ که در واقع این تفاوت ذال و ظا است.
آن‌گاه می‌پردازیم به تمرین ظا در مقایسه با ذال و ز.
حرف ظا در نماز فقط در ذکر رکوع آمده است.

ذکر «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» را چگونه می‌خوانیم؟
رَبِّيَ الْعَظِيمِ یا رَبِّيَ الْعَظِيمِ
سپس می‌پردازیم به تمرین ظا در آیات درس، تا دانش‌آموزان به مهارت و تسلط کافی برسند.
نکته: باید همواره حروفی که قبلاً آموزش داده شده، در درس جدید مدنظر باشد و صحیح تلفظ شود.

دیر برای این درس نیز حتی المقدور جدول دوستونی تهیه می‌کند؛ ستون اول برای کلمات دارای حرف ظا و ستون دوم برای جمله‌های قرآنی دارای آن کلمه؛ که حرف ظا در هر دو ستون به رنگ قرمز است؛ مانند:

کلمه	جمله
الْعَظِيمِ	سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
حَافِظًا	فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا

لَحَافِظُونَ	وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ
حِفْظُهُمَا	وَلَا يَتَوَدَّهٖ حِفْظُهُمَا
الظُّلُمَاتِ	يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ

۲۰- فصاحت و تجوید حرف عین

حرف عین در فارسی به صدای الف همزه ادا می‌شود، ولی در قرائت قرآن، غلیظ از ته گلو تلفظ می‌گردد.

عین : غلیظ، از ته گلو

پس از استماع صوت تلاوت آیات و توجه دادن دانش‌آموزان به تلفظ عین، می‌پرسیم :

عین معمولی تلفظ می‌شود، یا غلیظ؟

عَ یا آ؟

اَلِی یا عَلِی؟

حرف عین در عبارات و اذکار نماز بسیار پر استفاده است. پس باید تمرین کافی شود تا به مهارت تبدیل گردد.

کلمه	جمله
عَلِیًّا	أَشْهَدُ أَنَّ عَلِیًّا وَلِیُّ اللَّهِ
عَلِی	اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ حَتّٰی عَلٰی الصَّلَاةِ حَتّٰی عَلٰی الْفَلَاحِ
الْعَمَلِ	حَتّٰی عَلٰی خَیْرِ الْعَمَلِ
العَالَمِیْنَ	اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
نَعْبُدُ	إِنَّاكَ نَعْبُدُ
نَسْتَعِیْنُ	وَإِنَّاكَ نَسْتَعِیْنُ

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ	أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ	الْعَظِيمِ
سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ	سَمِعَ
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ	الْأَعْلَى
بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ	أَقْعُدُ
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ	عَبْدُهُ
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ	عَلَيْكَ
الْسَّلَامُ عَلَيْنَا	عَلَيْنَا
وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ	عِبَادِ
الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ	عَلَيْكُمْ

۲۱- فصاحت و تجوید حرف غین و قاف

در فارسی هر دو حرف غین و قاف استفاده می‌شود، ولی در بسیاری موارد تلفظ آن‌ها جابه‌جا می‌گردد. به عنوان مثال، کلماتی مانند «عقب» و «مستقیم» معمولاً به صورت «عغب» و «مستغیم» خوانده می‌شود، ولی برعکس، کلماتی مانند «مغرب» و «غدیر» به صورت «مقرب» و «قدیر» تلفظ می‌گردد.

جابه‌جایی تلفظ حروف در قرائت قرآن، باعث تغییر در معنا می‌شود.

مانند: کلمه «قَد»؛ یعنی قطعاً، ولی «غَد» به معنای فرداست.

کلمه «قَامَت»؛ یعنی برخاست، ولی «غَامَت» به معنای ابری شد.

فرق تلفظ غین و قاف در چیست؟

غین نرم و قابل کشش است، ولی قاف محکم و غیر قابل کشش است.

حرف غین کم استعمال است و در اذکار نماز کم استفاده شده است.

جمله	کلمه
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ	غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وَأَسْتَغْفِرُهُ	أَسْتَغْفِرُ
مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ	أَغْنَى

در اذکار نماز قاف بیشتر از غین به کار رفته است؛ مانند :

کلمه	جمله
قَدْ قَامَتِ	قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
الْمُسْتَقِيمِ	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
قُلْ	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ
الْقَدْرِ	إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
قِنَا	وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
قُوَّتِهِ أَقْوَمُ أَقْعُدُ	يَحُولِ اللَّهُ وَ قُوَّتِهِ أَقْوَمُ وَأَقْعُدُ

در لهجه آذری، معمولاً قاف را گاف تلفظ می کنند.
برای تصحیح این تلفظ باید تأکید کرد که قاف از ته گلو تلفظ می شود.

۲۲- فصاحت و تجوید حرف کاف

حرف کاف معمولاً درست خوانده می شود.
از نظر فصاحت و تجوید، باید کاف تیز و ظریف تلفظ شود و به چ مایل نگردد.

مانند : إِيَّاكَ مَالِكِ

البته خیلی تیز و شبیه گاف نیز مناسب نیست؛

مانند : رَبِّكَ مَالِكِ

کاف ساکن قلقله ندارد و تکان داده نمی شود.

مانند : أَكْبَرُ ذِكْرُ



فصاحت و تجوید حرف «لام»

درس ۱۰

۲۳- فصاحت و تجوید حرف لام

حرف لام معمولاً درست تلفظ می‌شود.

دقت شود در مواردی که چند لام پی در پی می‌آید، نباید لام به ر تبدیل شود.

مانند: رَسُوْلُ اللهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

از نظر فصاحت و تجوید، نباید لام را محکم، یا درشت تلفظ کرد؛ به‌ویژه لام مشدّد،

مانند: اَلَّذِيْنَ الصَّلَاةِ

لام «ال» نزد سیزده حرف مشدّد، ادغام و تبدیل به حرف بعد می‌شود؛ مانند:

التَّيْنِ	الثُّلُثِ	الَّذِيْنَ	الدَّهَبِ	الرَّحْمَنِ
الزَّيْتُونِ	السَّلَامِ	الشَّمْسِ	الصَّلَاةِ	الضَّالِّينَ
الطُّورِ	الظَّنِّ	النَّارِ		

در سایر موارد، لام ساکن فقط نزد راء ادغام و تبدیل به راء می‌شود.

مانند: قُلْ رَبِّيْ بَلْ رَبُّكُمْ

دقت کنید! به جز لام «ال» در سایر موارد، لام ساکن نزد نون ادغام نمی‌شود و نون بعد از آن مشدّد

نمی‌گردد؛ بلکه باید لام تلفظ شود.

مانند: اَنْزَلْنَاهُ جَعَلْنَاهُ

لام لفظ جلاله بعد از کسره (ـِ الله) ترقیق می‌شود.

مانند: اَعُوْذُ بِاللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِحَوْلِ اللّٰهِ عِبَادِ اللّٰهِ

ولی بعد از فتحه (ـَ الله) یا ضمه (ـُ الله) تفخیم می‌شود.

مانند: اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِلَّا اللّٰهُ هُوَ اللّٰهُ

رَسُوْلُ اللّٰهِ وَلِيُّ اللّٰهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ



فصاحت و تجوید حروف «میم» و «نون»

درس ۱۱

۲۶- فصاحت و تجوید حرف میم

معمولاً درست خوانده می‌شود.

از نظر فصاحت و تجوید، نباید میم به باء مایل شود، به ویژه وقتی این دو حرف در یک کلمه واقع شده، یا بینی گرفته است؛ مانند: بِسْمِ اللَّهِ

همچنین میم ساکن نزد واو نباید ادغام شود.

مانند: غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

میم مشدّد و میم ساکن نزد میم و باء، کشیده می‌شود.

مانند: ثُمَّ عَمَّ أَمْتُهُمْ مِنْ عَلَيْهِمْ مُؤَصَّدَةٌ أَمْ بِهِيَ عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ

در اصطلاح تجوید، به کشش میم و نون، غُنّه می‌گویند.

۲۷- فصاحت و تجوید حرف نون

معمولاً درست خوانده می‌شود.

نبايد نون به لام مایل شود، به ویژه وقتی این دو حرف در یک کلمه واقع شده، یا بینی گرفته است،

مانند: عَلَيْنَا نَعْلَمُ الَّذِينَ

از نظر فصاحت و تجوید، نون ساکن و تنوین، سه حالت دارد:

حالت اول: نون ساکن و تنوین، نزد شش حرف حلقی (أ ح خ ع غ هـ) به حالت معمولی

تلفظ می‌شود؛

مانند: أَنْعَمْتَ يَنْجِتُونَ مِنْ أَلْفٍ إِنْ هُوَ مِنْ خَافٍ

كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ هِيَ حَظٌّ عَظِيمٌ مِيثَاقًا غَلِيظًا

در اصطلاح تجوید، به این حالت معمولی، اظهار می‌گویند.

حالت دوم: نون ساکن و تنوین، نزد دو حرف «ر» و «ل» به حرف بعدی تبدیل می‌شود؛ یعنی نون ساکن

و تنوین نزد راء به راء، و نزد لام به لام، تبدیل می‌گردد؛ مانند:

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ هِيَ حَظٌّ عَظِيمٌ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَوْلٍ لِلْمُصَلِّينَ

أَلْحَقْ مِنْ رَبِّكَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

در اصطلاح تجوید، به این تبدیل، ادغام می‌گویند.

حالت سوم: نون ساکن و تنوین نزد بیست حرف بقیه، به حالت کشیده در حرف بعد تلفظ می‌شود؛ مانند:

مِنْ بَعْدِ أَنْتُمْ أَنْزَلْنَاهُ الْإِنْسَانَ مِنْ شَرِّ مِنْ كُلِّ
عَلِيًّا وَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَ خَيْرٍ مِنْ عَابِدٍ مَا قَوْلًا بَلِيغًا

در اصطلاح تجوید به این حالت «ادغام با غنّه، اخفاء با غنّه و قلب به میم غنوی» می‌گویند.

نون ساکن و تنوین نزد پنج حرف مفحّم (ص ض ط ظ قد) تفخیم می‌شود؛

مانند: يَنْصُرُ مَنْ ضَلَّ كَلِمَةً طَيِّبَةً يَنْظُرُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

نون مشدّد، کشیده و با غنّه تلفظ می‌شود.

مانند: إِنَّ إِنْآ هُنَّ

تذکر:

۱ در دو کلمه «الدُّنْيَا» و «بُنْيَانٌ» که نون ساکن نزد یاء، با هم در یک کلمه قرار گرفته، از قاعده مستثنا

بوده و به طور معمولی تلفظ می‌شود.

۲ در دو کلمه «صِنَوَانٌ» و «قِنَوَانٌ» نیز که نون ساکن نزد واو، با هم در یک کلمه قرار گرفته، از قاعده

مستثنا بوده و به طور معمولی تلفظ می‌شود.



فصاحت و تجوید حروف «واو»، «هَاء» و «یاء»

درس ۱۲

۲۸- فصاحت و تجوید حرف واو

حرف واو در فارسی از بین لب و دندان ادا می‌شود.

از نظر فصاحت و تجوید، باید از بین دو لب، نرم و بدون فشار تلفظ گردد؛ مانند:

يَوْمَ وَإِيَّاكَ هُوَ كُفُّوا أَفْوَاجًا وَحَدَّهِ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوتِهِ
در اصطلاح تجوید، به نرمی واو، لین می‌گویند.

۲۹- فصاحت و تجوید حرف هاء

حرف هاء معمولاً درست خوانده می‌شود.

از نظر فصاحت و تجوید، هاء با مقداری دمش در گلو تلفظ می‌شود.

با توجه به نفس‌پر بودن هاء، نباید برای صرفه‌جویی در نفس، آن را از بینی، یعنی تودماغی یا خیلی سست تلفظ کرد؛

مانند: اللَّهُ أَشْهَدُ إِلَهَ إِهْدِنَا عَلِيْهِمْ
در اصطلاح تجوید، به دمش هاء در گلو، هاوی می‌گویند.

همچنین نباید هاء خیلی محکم تلفظ شود؛

مانند: هُوَ لَهُ بِحَمْدِهِ حَمْدَهُ إِلَيْهِ

۳۰- فصاحت و تجوید حرف یاء

حرف یاء معمولاً درست خوانده می‌شود.

از نظر فصاحت و تجوید، نباید با فشار، محکم و مایل به ز تلفظ شود؛ به ویژه یاء مشدّد؛

مانند: عَلِيًّا وَلِيُّ حَيَّ إِيَّاكَ

در اصطلاح تجوید، به نرمی یاء نیز، لین می‌گویند.

خلاصه قواعد فصاحت و تجوید

ترکیب و مجاورت حروف و حرکات، موجب شکل‌گیری قواعد تجویدی می‌شود که موارد مربوط به هر حرف و حرکت توضیح داده شد، و اینک خلاصه آن‌ها:

اول — فصاحت حرکات

- ۱ کوتاهی و کشیدگی حرکات باید رعایت شود، تا معانی کلمات تغییر نکند.
- ۲ فصاحت حرکات باید رعایت شود، تا لحن به حالت عربی، زیبا و شیوا شود.
- ۳ از نظر صحت قرائت، سه حرکت کوتاه و سه حرکت کشیده است، ولی از نظر فصاحت و تجوید، چهار حرکت کوتاه و چهار حرکت کشیده است؛ زیرا هر یک از فتحه و الف مدّی، دو حالت نازک و درشت دارد.
- ۴ تلفظ فصیح چهار حرکت (فتحه با بیست حرف نازک، الف مدّی با هشت حرف درشت، یاء مدّی و واو مدّی) مانند فارسی است، ولی تلفظ فصیح چهار حرکت (فتحه با هشت حرف، کسره، ضمه و الف مدّی با بیست حرف) با حالت فارسی تفاوت دارد.

دوم — موارد تفخیم

- حروف و حرکاتی که درشت تلفظ می‌شوند و تفخیم می‌گردند؛ عبارت‌اند از:
- ۱ هفت حرف درشت؛ که چهار حرف (ص ض ط ظ) همواره درشت است، تا با (س ذ ت) اشتباه نشود؛ و سه حرف (خ غ ق) هرگاه مفتوح یا ساکن باشد، برای فصاحت تفخیم می‌شود.
 - ۲ فتحه با هشت حرف: خَ رَ صَ ضَ طَ ظَ غَ قَ
 - ۳ الف مدّی با هشت حرف فوق که معمولی خوانده می‌شود.
 - ۴ راء با حرکات: رَ رُ رَا رُو، یا راء ساکن بعد از حرکات: رَر رُر رَر رَر — رور
 - ۵ لام لفظ جلاله بعد از فتحه (لَ اللّٰه) یا بعد از ضمه (لُ اللّٰه)
 - ۶ نون ساکن و تنوین (ن نَ نِ نٌ) نزد پنج حرف درشت (ص ض ط ظ ق)

سوم — موارد ترفیق

حروف و حرکاتی که نازک تلفظ می‌شوند و ترفیق می‌گردند؛ عبارت‌اند از :

- ۱ بیست حرف مابقی که تقریباً به حالت معمولی و نازک تلفظ می‌شوند.
- ۲ فتحه با این بیست حرف که به حالت معمولی و نازک تلفظ می‌گردد.
- ۳ الف مدّی نازک با این بیست حرف که به صورت — ولی کشیده تلفظ می‌شود.
- ۴ راء با حرکات «رِ رِ رِ» یا راء ساکن بعد از کسره و یاء (یر - یر)
- ۵ لام لفظ جلاله بعد از کسره (الله)
- ۶ نون ساکن و تنوین (ن ن — —) (نزد پانزده حرف مرقق (ب ت ث ج د ذ ز س ش ف ک م ن و ی)

چهارم — قلقله

پنج حرف ساکن (ب ج د ط ق) با تکان کوچک و قلقله تلفظ می‌شود.

۲۳ حرف دیگر ساکن، قلقله ندارد و تکان داده نمی‌شود، به ویژه چهار حرف «أ ت ض ک»

پنجم — دمش‌های خاص حروف

دمش‌های خاصی که برخی حروف را از حروف مشابه خود متمایز می‌کند و در اصطلاح قرائت دارای

نام‌های زیر است :

- | | | |
|-------------------|---------|----------------------------|
| ۱ دمش‌تاء : | نَفْث | برای تفاوت آن با ذال |
| ۲ دمش‌حاء : | بَحْه | برای تفاوت آن با عین |
| ۳ دمش‌خاء : | خَروره | برای تفاوت آن با غین |
| ۴ دمش‌سین و صاد : | صَفیر | برای تفاوت آن‌ها با زاء |
| ۵ دمش‌شین : | تَقْشِی | برای تفاوت آن با سین |
| ۶ دمش‌فاء : | نَفخ | برای تفاوت آن با واو فارسی |
| ۷ دمش‌ه‌اء : | هاوی | برای تفاوت آن با الف همزه |

ششم — قواعد نون ساکن و تنوین

نون ساکن و تنوین، سه حالت دارد:

۱ نزد شش حرف حلقی (أ ح خ ع غ هـ) اظهار و معمولی تلفظ می‌شود.

۲ نزد دو حرف (ر ل) ادغام و به حرف بعدی تبدیل می‌شود.

۳ نزد بیست حرف مابقی، به صورت کشیده در حرف بعد تلفظ می‌شود.

هشتم — کشش غنه

غنه به معنای کشش نون و میم است و موارد آن عبارت‌اند از:

۱ نون ساکن و تنوین، نزد بیست حرف مابقی

۲ نون مشدّد و میم مشدّد

۳ میم ساکن نزد میم و باء

نهم — کشش مد

مد به معنای افزایش کشش حروف مدّی است و در مواردی که روی حروف مدّی، علامت مد باشد (ــاـ

ــوـ ــی) کشش حروف مدّی به میزان دو تا سه برابر افزایش می‌یابد.

دهم — فصاحت و تجوید حروف

بنابر آنچه گفته شد، تلفظ خاص هشت حرف عربی، معمولاً در فارسی استفاده نمی‌شود و دو حرف جابه‌جا می‌شود.

دبیر محترم طبق روال کتاب درسی هر یک از این حروف را در یک جلسه مستقل آموزش دهد؛ و نیز به عنوان جمع‌بندی و در مقام مقایسه می‌تواند از جداول صفحه بعد استفاده کند.

۱ جدول توضیح نحوه تلفظ حروف

ث	نوک زبانی ، زبان بین دندان
صاد	درشت و پراز گلو
ذال	نوک زبانی ، زبان بین دندان
ظا	نوک زبانی درشت
ضاد	نوک زبانی درشت و محکم
طا	درشت و پراز گلو
ح	غلیظ ، از ته گلو
عین	غلیظ ، از ته گلو
غین	نرم و قابل کشش
قاف	محکم و غیر قابل کشش از ته گلو

۲ جدول تفاوت تلفظ حروف

سین	معمولی	ث	نوک زبانی
سین	معمولی	صاد	درشت و پراز گلو
ث	نازک ، و زبان زیر دندان	صاد	درشت ، و زبان پشت دندان
هـ	معمولی	ح	غلیظ از ته گلو
أ	معمولی	عین	غلیظ از ته گلو
عین	بدون دمش	ح	با دمش (بُّحَه)

قاف	محکم و غیر قابل کشش	غین	نرم و قابل کشش
غین	بدون دمش	خ	با دَمِش (خروره)
ت	معمولی	طا	درشت و پراز گلو
ز	معمولی	ذال	نوک زبانی
ز	معمولی	ظا	نوک زبانی درشت
ز	معمولی	ضاد	نوک زبانی درشت و محکم
ز	بدون دمش	سین	با دمش (صغیر)
ذال	نازک	ظا	درشت
ذال	نازک و نرم	ضاد	درشت و محکم
ذال	بدون دمش	ث	با دمش (نفث)
ظا	نرم	ضاد	محکم

یازدهم — شیوه‌های تمرین فصاحت و تجوید حروف

هدف اصلی آموزش تلفظ حروف خاص، این است که عموم مردم، بتوانند به راحتی آن را یاد بگیرند و با روشی آسان، کاربردی و اثربخش و بدون تکلف و وسواس، همواره کلمات و آیات قرآن را به طور صحیح بخوانند.

ولی این مقدار از آموزش، به مهارت در خواندن نمی‌انجامد و دانش آموز نمی‌تواند همواره این حروف را درست تلفظ کند. از این رو، برای اثربخشی کامل این آموزش و رسیدن به مهارت لازم، در حدّی که تلفظ این حروف، جزئی از مهارت زبانی دانش آموز شود و در نتیجه بتواند در قرائت نماز و قرآن به راحتی آن‌ها را ادا کند، نیاز به تمرین فراوان دارد.

باید تلفظ درست این حروف به طور مستمر شنیده و تکرار شود. از طرفی تمرین‌های یکنواخت و تکراری، خسته کننده و کم اثر است. از این رو، نیاز به تمرین‌های متنوع و اثربخش به میزان کافی، بسیار جدّی است. بسیار مناسب است که تمرین‌ها در دو بخش انجام می‌شود :

۱ تلفظ هر حرف در حالت انفرادی

۲ تلفظ هر حرف در قالب کلمه و جمله در آیات مورد نظر

در این بخش چند نمونه تمرین پیشنهاد می‌گردد. معلم می‌تواند به تناسب مخاطب و وقت کلاس، این تمرین‌ها را اجرا نماید. باید بدانیم همواره، درس یک کلام است، ولی تکرار آن هزار بار. **اَلْدَّرْسُ حَرْفٌ، وَالتَّكْرَارُ اَلْفُ.**

الف) تمرین فصاحت و تجوید انفرادی حرف :

برای تمرین، حرف در حالت انفرادی، هشت مرحله زیر پیشنهاد می‌شود؛ و هر حرف با حرکات کوتاه، کشیده، تنوین، تشدید و ساکن توسط معلم خوانده می‌شود و دانش‌آموزان تکرار می‌کنند؛ به ترتیب زیر :

مرحله اول : تلفظ تک تک

تلفظ حرف با هر حرکت کوتاه، به صورت تک تک،
مانند :

ث	ث	ث	ث	ث	ث	ث	ث	ث
---	---	---	---	---	---	---	---	---

مرحله دوم : تلفظ سه تایی

تلفظ حرف با هر حرکت کوتاه، به صورت سه بار،
مانند :

ث ث ث	ث ث ث	ث ث ث	ث ث ث	ث ث ث	ث ث ث
-------	-------	-------	-------	-------	-------

مرحله سوم : تلفظ سه تایی پیوسته

تلفظ حرف با هر حرکت کوتاه، به صورت سه بار پیوسته،
مانند :

ثثث	ثثث	ثثث	ثثث	ثثث	ثثث
-----	-----	-----	-----	-----	-----

مرحله چهارم : سرود تک بخشی

هدف اصلی مرحله چهارم و پنجم، مهارت در تلفظ حرف مدّ نظر است.

و نیز دو هدف ضمنی دیگر را نیز در بر دارد :

۱ تمرین حرکات کوتاه، کشیده، تنوین و ساکن؛ و تقویت روخوانی

۲ تمرین صوت و لحن، و تنوع و زیبایی در تمرین

تلفظ حرف با حرکات کوتاه، کشیده، تنوین و ساکن، ابتدا با لحن ساده، سپس به صورت آهنگین و با لحن مناسب حالت سرود؛ مانند :

ثَیْثُ	ثَا ثِی ثُو	ثَا ثِ ثُ	أَثِ اِثْ اُثْ
--------	-------------	-----------	----------------

مرحله پنجم : سرود دو بخشی

تلفظ حرف با حرکات کوتاه، همراه با تشدید به شکل دو بار پیوسته؛ چون حرف مشدّد یک بار با حرف قبلش به حالت ساکن، و بار دیگر با حرکت خود خوانده می شود؛ لذا باید تشدید با مقداری مکث و کشش تلفظ گردد.

ترکیبات حرف مشدّد با حرکات کوتاه، با فاصله خوانده می شوند؛
مانند :

أَثْ	أَثْ	أَثْ	اِثْ	اِثْ	اِثْ	اِثْ	اِثْ
------	------	------	------	------	------	------	------

ترکیبات حرف مشدّد همراه با حرکات کشیده، به طور متصل به هم خوانده می شوند، تا کشیدگی منظور شود؛

مانند :

أَا	أَیْ	أَوْ	إَا	إَیْ	إَوْ	اُأَا	اُأَیْ	اُأَوْ
-----	------	------	-----	------	------	-------	--------	--------

ترکیبات حرف مشدّد همراه با تنوین نیز متصل به هم خوانده می شوند، ولی باید آخر تنوین کشیده شود، نه اوّلش که حرکت کوتاه است؛

مانند :

اَئَا	اَئْ	اِئَا	اِئْ	اُئَا	اُئْ
-------	------	-------	------	-------	------

همه این ترکیب‌ها نیز، ابتدا با لحن ساده، سپس به حالت آهنگین، با لحن مناسب حالت سرود تمرین می‌شوند.

مرحله ششم : مقایسه با حروف مشابه

تلفظ حرف با ضدش یعنی حرفی که با آن اشتباه می‌شود؛

مانند ث با س :

به صورت جدا	ثَ سَ	ثِ سِ	ثُ سُ
به صورت متصل	ثَسَ	ثِسِ	ثُسُ
متصل جابه‌جا	سَثَ	سِثِ	سُثُ

مرحله هفتم : ذکر مقایسه

تلفظ سه بار حرف مد نظر و سه بار حرف ضدش که با آن اشتباه می‌شود، به مقدار یک دوره تسبیح؛
مانند :

ثِثُ سِثُ ثِثُ سِثُ ثِثُ سِثُ ثِثُ سِثُ ثِثُ سِثُ ...

این تمرین حدود یک دقیقه وقت می‌برد و برای عادت کردن زبان به تلفظ مطلوب حرف مد نظر بسیار مؤثر است، تا در تلفظ حروف متضاد، اشتباه نشود.

مرحله هشتم : مسابقه

مسابقه بین افرادی که بیشترین تلفظ حرف مربوطه را با یک نفس می‌خوانند؛ به شرطی که اشتباه نخوانند، عجله نکنند و در حین تلفظ نفس نگیرند.

به عنوان مثال : شرکت کننده در مسابقه تلفظ ث، با یک نفس پشت سرهم می‌گوید :

ثِثُ ثِثُ ثِثُ ثِثُ ثِثُ ثِثُ ثِثُ ثِثُ ثِثُ ثِثُ ...

خلاصه مراحل تمرین فصاحت و تجوید حروف

مرحل	نوع تمرین	مثال
۱	تلفظ تک تک	تَ ثَ ثُ
۲	تلفظ سه تایی	تَ ثَ ثُ ثَ ثَ ثُ ثُ ثَ ثُ
۳	تلفظ سه تایی پیوسته	تَثُثُ ثُثُثُ ثُثُثُ
۴	سرود تک بخشی	تَثُثُ ثُثُثُ ثَا ثُ ثُ ثَا ثُ ثُ ثَا ثُ ثُ
۵	سرود دوبخشی	أَتَّ أَثَّ أَثُّ إَتَّ إَثَّ إَثُّ أُنَّا أَثَّ أَثُّ
		أَنَا أَثَّ أَثُّ إَنَا إَثَّ إَثُّ أُنَّا أَثَّ أَثُّ
		أَنَا أَثَّ أَثُّ إَنَا إَثَّ إَثُّ أُنَّا أَثَّ أَثُّ
۶	مقایسه با مشابه	تَ سَ ثَ سَ سُ ثُ
		تَسَ ثَسَ سُثُ
		تَسْ ثَسْ سُثُ
۷	ذکر مقایسه	تَثُثُ سَسِسُ ثُثُثُ سَسِسُ ثُثُثُ سَسِسُ
۸	مسابقه	تَثُثُ تَثُثُ تَثُثُ تَثُثُ تَثُثُ...
۹	اذکار نماز و قرآن	مِثْقَالٌ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

تمرین با این شگردها، علاوه بر ایجاد تنوع در روش تدریس معلم، زمینه کسب مهارت تلفظ صحیح و فصیح حرف را فراهم و تثبیت می‌کند؛ پس از این تمرین‌ها، وقتی دانش آموز به سراغ قرائت آیات قرآن می‌رود، راحت و روان تلفظ کند.

(ب) تمرین فصاحت و تجوید حرف در کلمه و جمله :

کلمات و عبارات قرآنی توسط معلم خوانده می‌شود و دانش آموزان تکرار می‌کنند؛
به ترتیب زیر :

- ۱ خواندن کلمه قرآنی دارای حرف مورد نظر، به حالت ساده
- ۲ خواندن جمله قرآنی دارای آن کلمه، با لحن و به حالت ترتیل

۳ ابتدا تمرین بر کلمات و عبارات نماز، سپس تمرین بر آیات درس

در آموزش تلفظ حروف، گاهی از صوت و لحن استفاده می‌شود؛

مانند : سرود تک‌بخشی، سرود دو بخشی، خواندن جملات قرآن با قرائت ترتیل.

شیوهٔ استماع و قرائت توسط شاگردان می‌تواند به شرح زیر باشد :

۱ استماع و خط بری

۲ همخوانی با استاد یا قرائت الگو (زمزمهٔ همزمان با قرائت الگو)

۳ گوش‌دادن و تکرار بعد از قرائت الگو

دیر در کلاس می‌تواند فردخوانی و جمع‌خوانی را به صورت جداگانه، یا تلفیقی اجرا کند. باید در طرح

درس، هم درس بدهیم و هم درس را تحویل بگیریم.

از این رو، الگوی زیر برای طرح درس قرائت پیشنهاد می‌شود :

۱ پیش‌خوانی در گروه؛ یعنی دانش‌آموزان برای یکدیگر بخوانند.

۲ استماع صوت تلاوت آیات یا قرائت مربی؛ و زمزمه کردن همزمان یا بعد از آن.

۳ فردخوانی هر جمله توسط دانش‌آموز و رفع اشکال هر یک توسط مربی.

برای آموزش تلفظ حروف و تمرین آن، باید دبیر قبل از رفتن به کلاس، وسایل آموزشی را آماده کند،

مانند : تابلو، صوت تلاوت آیات، پاورپوینت و ...

خوب است سه تمرین زیر همواره به دانش‌آموزان توصیه شود :

۱- استماع و اتباع : یعنی گوش‌دادن و پیروی از قرائت معتبر و الگو

۲- آینهٔ قرائت : یعنی ضبط کردن قرائت خود و گوش‌دادن به آن، تا خود فرد به اشکال خود پی ببرد.

۳- مباحثهٔ قرائت : یعنی دانش‌آموزان گروه‌بندی شده تا برای هم بخوانند و اشکالات یکدیگر را

تصحیح کنند. در گروه‌بندی بهتر است دانش‌آموز قوی با ضعیف هم‌گروه شود، تا شاگرد قوی به ضعیف

کمک کند.

تمرین قرائت :

۱ استماع و پیروی از قرائت الگو

۲ آینهٔ قرائت، ضبط و استماع قرائت خود

۳ مباحثهٔ قرائت، خواندن برای هم‌شاگردی

بخش دوم

علوم و معارف قرآنی

مقدمه

قرآن کریم، بهترین راهنمای زندگی انسان‌هاست و همه ما را به سوی سعادت حقیقی و بهشت برین الهی هدایت می‌کند. از این رو، شایسته است هر مسلمان در حدّ توان و شرایط، در پیشگاه این کتاب الهی حضور یافته و برنامه زندگی خود را از آن دریافت نماید. این مسئله برای دانش‌آموزان رشته علوم و معارف اسلامی، به دلیل اقتضائات خاص رشته و علائق ویژه دانش‌آموزان به انس با این کتاب آسمانی، به ویژه در این دوره زندگی (نوجوانی و جوانی) ضرورت دو چندان می‌یابد. امام صادق (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید :

«هر جوان مؤمنی که قرآن بخواند (و با آن انس بگیرد)، قرآن با گوشت و خونس درمی‌آمیزد و خداوند او را با فرشتگان بزرگواری که نویسندگان و حاملان قرآن‌اند هم‌نشین می‌کند. قرآن نیز در قیامت حافظ و نگهبان او خواهد بود»^۱.

دانش‌آموزان در طول تحصیل در رشته علوم و معارف اسلامی، دروس گوناگونی با محوریت قرآن مطالعه می‌کنند که در این میان، کتاب علوم و معارف قرآنی با ایجاد پیوند میان «علوم قرآن» و «معارف قرآن» از یک سو و تشویق دانش‌آموزان به فهم روش‌مند کتاب آسمانی دین اسلام بر مبنای دانش «علوم قرآن» از سوی دیگر، جایگاهی مهم به خود اختصاص می‌دهد.

تبیین اجمالی برنامه درسی علوم و معارف قرآن کریم؛ ویژه رشته علوم و معارف اسلامی

فصل اول

۱- موضوعات و مفاهیم اساسی برنامه

برنامه درسی «علوم و معارف قرآنی» در طول یک برنامه سه ساله، با رسالت انس بیشتر و عمیق تر دانش آموزان رشته با قرآن تدوین گردیده و اهداف زیر را در قالب یک جلسه دو ساعته در هفته، از سال دهم تا دوازدهم دنبال می کند:

- الف) آموزش مباحث فصاحت و تجوید قرآن
- ب) قرائت و تمرین مستمر روخوانی و روان خوانی قرآن
- ج) حفظ سوره های جزء سی ام قرآن کریم
- د) آموزش مباحث علوم قرآنی به عنوان زیربنای فهم
- هـ) آموزش معارف قرآنی با موضوع «انسان شناسی در قرآن»؛ مبتنی بر آرای تفسیری علامه طباطبائی
- و) تمرین تدبیر و فهم آیات قرآن مبتنی بر چهار اصل (لغت شناسی، ادبیات عرب، درک سیاق و تفسیر قرآن به قرآن)

۲- پراکندگی تقریبی موضوعات و مفاهیم در کتاب های سه پایه

پایه دوازدهم	پایه یازدهم	پایه دهم	سرفصل ها	
۵ درصد	۲۰ درصد	۷۰ درصد	آموزش مباحث تجوید و تمرین قرائت	الف
---	۱۰ درصد	۱۰ درصد	حفظ جزء سی ام	ب
---	۶۰ درصد	۲۰ درصد	آموزش علوم قرآنی	ج
۹۵ درصد	۱۰ درصد	---	آموزش معارف قرآنی و تمرین تدبیر و فهم آیات	د

۳- رویکرد کلی حاکم بر برنامه

در این برنامه سعی شده است محتوایی که به دانش‌آموزان ارائه می‌شود:

نخست، کاربردی باشد؛ به این معنا که در بیان مباحث مربوط به فصاحت و تجوید، از ارائه قواعد سنگین و پیچیده تجویدی اجتناب شده و تنها ناظر به خروجی مورد نظر از تجوید، مباحث ارائه شده‌اند و در بیان مباحث علوم قرآن، نیز آن دسته از علوم قرآن انتخاب شده‌اند که کاربرد آن‌ها در فهم آیات به صورت کاربردی برای دانش‌آموزان ملموس باشد. بر همین اساس، از بیان اختلاف نظرات علما پیرامون مسائل نیز اجتناب شده است.

دوم، قابل درک بوده و ایجاد شبهه ننماید؛ بدین منظور به عنوان نمونه، در ذیل مباحث علوم قرآن، آن دسته از علوم قرآنی انتخاب شده‌اند که بتوان آن‌ها را به زبان ساده برای دانش‌آموزان تبیین نمود و نیز بیان آن موضوعات، برای ایشان ایجاد شبهه ننماید. لذا طرح مباحثی چون تأویل، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و... از دستور کار خارج گردید.

سوم، علمی و مبتنی بر آرای صاحب‌نظران شناخته شده باشد؛ مباحث کتاب، هر چند با زبان ساده و قابل درک برای دانش‌آموزان مطرح شده است، اما این به معنای کاستن از دقت و علمیت در بیان محتوا نیست و محتوا مبتنی بر نظر بزرگانی چون آیت الله معرفت و علامه عسکری (در بخش علوم قرآنی) و علامه طباطبایی (در بخش معارف قرآنی) ارائه شده است. البته در این میان از درسنامه‌ها و سایر کتاب‌های موجود برای تبیین دقیق‌تر مسائل بهره برده شده است.

چهارم، به صورت کاملاً تعاملی میان دبیر و دانش‌آموزان ارائه گردد؛ با بررسی این کتاب‌ها می‌بینیم، بخش قابل توجهی از محتوا و اهداف دروس در قالب تمارین کلاسی با عنوان «فعالیت کلاسی» یا «تدبر قرآنی» به دانش‌آموزان منتقل می‌گردد. این فعالیت‌ها، بستر ورود مستقیم دانش‌آموزان به تبیین محتوای درس زیر نظر دبیر می‌باشد و محتوا را در قالب تعامل میان آن‌ها و دبیر منتقل می‌نماید. این امر نه تنها سطح مشارکت دانش‌آموزان را در کلاس افزایش می‌دهد؛ بلکه موجب می‌گردد ایشان خود کاربردی بودن مباحثی که آموخته‌اند را درک کنند.

۴- تدریس و ارزش‌یابی برنامه

با توجه به این که محتوای هر یک از این کتاب‌های سه پایه، با یکدیگر متفاوت بوده و هر کتاب، بیان مفاهیم و موضوعات خاصی را دنبال می‌کند، از این رو، روش تدریس و ارزش‌یابی کتاب‌ها با یکدیگر متفاوت است. مقدمه هر یک از این کتاب‌ها در قالب «سخنی با دبیر محترم»، نکاتی کلی جهت تدریس و نیز ارزش‌یابی محتوا جهت اطلاع همکاران و دانش‌آموزان ارائه می‌نماید. لازم به ذکر است از آن جایی که میان محتوا و مطالب این کتاب‌ها ارتباط و به هم پیوستگی خاصی وجود دارد، ضروری است، تا همکاران محترم به هنگام تدریس یک کتاب، نسبت به محتوای ارائه شده در کتاب‌های پیشین و پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان در این خصوص آگاهی کافی داشته باشند.

همچنین جهت صرفه‌جویی در وقت، بهتر است دانش‌آموزان را گروه‌بندی نمود، تا ایشان در قالب مشارکت و گفت‌وگوی گروهی به پاسخ برسند. فقط دو نکته در گروه‌بندی حائز اهمیت است:

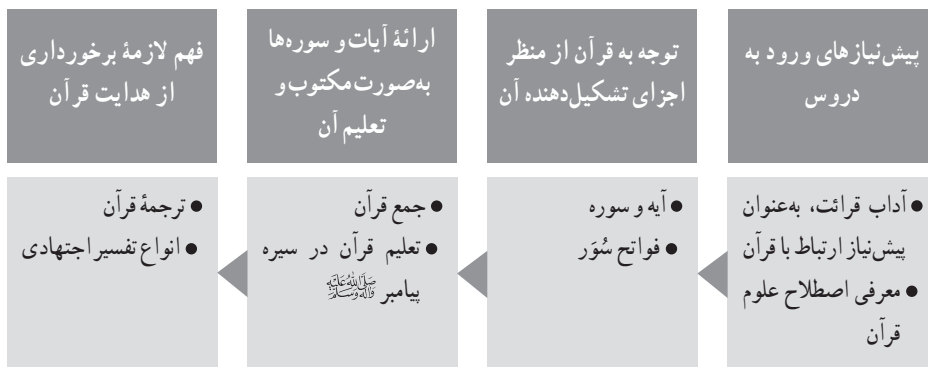
■ دانش‌آموزان قوی‌تر کنار دانش‌آموزان ضعیف‌تر قرار گیرند و توازن از این جهت رعایت گردد، تا در این فرایند دانش‌آموزان همگی رشد کنند.

■ در هر مرحله، به صورت چرخشی یکی از دانش‌آموزان سخنگوی گروه باشد و پاسخ‌ها را مطرح کند، تا توانایی بیان همه دانش‌آموزان رشد کند.

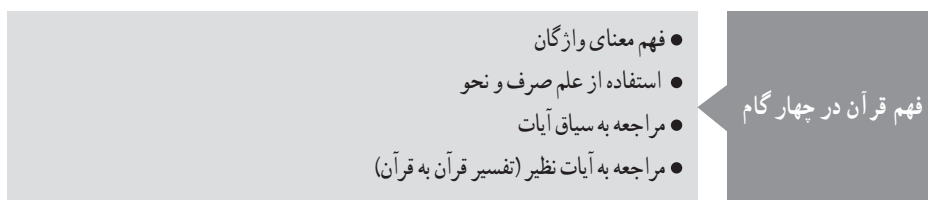
راهنمای تدریس بخش «آموزش علوم و معارف قرآنی» پایه یازدهم به صورت درس به درس

- سیر محتوای آموزش علوم قرآنی در کتاب علوم و معارف قرآنی (۲): پایه یازدهم متوسطه در کتاب علوم و معارف قرآنی پایه یازدهم، حجم بیشتری به بیان «علوم قرآنی» اختصاص یافته است و بخش قابل توجهی از محتوای مشهور علوم قرآنی در این کتاب به دانش‌آموزان ارائه شده است.
- اولین درس به بیان «آداب قرائت قرآن» می‌پردازد؛ چرا که پیش‌نیاز برقراری هر گونه ارتباط با این کتاب آسمانی – از جمله مراجعه برای فهم و تفسیر آن – آشنایی با این آداب و رعایت آن‌هاست. سپس با توجه به هدف کلی کتاب، اصطلاح «علوم قرآن و مصادیق گوناگون آن» تعریف و تبیین می‌گردند. پس از آن قرآن از منظر اجزای تشکیل‌دهنده آن مورد توجه قرار گرفته و دو درس «آیه و سوره» و «فواتح سور» این اجزا را به خوبی تبیین می‌نماید.
- در ادامه کیفیت و مراحل ارائه آیات و سوره‌های قرآن به صورت یک متن مکتوب، زیر نظر پیامبر ﷺ و اصحاب بزرگ ایشان در درس «جمع قرآن» مورد توجه قرار گرفته و چگونگی «تعلیم قرآن به مسلمانان توسط پیامبر ﷺ و اصحاب ایشان» به منظور بهره‌مندی همگان از هدایت این کتاب آسمانی، تبیین گشته است.
- پس از آن با تکیه بر جنبه هدایتی قرآن و ضرورت فهم آیات هدایت‌گران، شیوه‌ها و رویکردهای مختلف در فهم این کتاب آسمانی در دنیای معاصر، در دو درس «ترجمه قرآن» و «انواع تفسیر اجتهادی» مورد توجه قرار گرفته است و در پایان، در قالب چهار درس به صورت کارگاهی روش این فهم در سطح درک و فهم دانش‌آموزان مطرح شده است. این چهار درس، با رویکردی متفاوت نسبت به هشت درس پیشین آن تدوین شده است که از همین جهت با ارائه یک پیش‌گفتار از هشت درس پیشین مجزا شده است. در این چهار درس، دانش‌آموزان شیوه عملی فهم و تفسیر قرآن را از رهگذر «مراجعه به کتاب‌های لغت»، «استفاده از صرف و نحو عربی در فهم معنا»، «مراجعه به سیاق آیات» و «تمرین تفسیر قرآن به قرآن»، خود تجربه می‌نمایند. این سیر به دلیل اهمیت آن، در قالب نمودار صفحه بعد نشان داده شده است:

بخش اوّل



بخش دوم



ما و قرآن

درس ۱

(الف) اهداف درس

- ۱ آشنایی با آداب ظاهری و باطنی ارتباط با قرآن کریم؛ با استفاده از آیات و روایات
- ۲ تشویق دانش‌آموزان به رعایت این آداب ظاهری و باطنی

(ب) توضیحات درس

این درس، اولین درس از کتاب و نخستین درس از فصل اول کتاب است. این درس به عنوان سرآغاز کتاب علوم و معارف قرآنی، به بیان مهم‌ترین آداب تعامل و برقراری ارتباط با قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان در دو بخش آداب ظاهری و آداب باطنی می‌پردازد. آداب ظاهری، آدابی است که به جسم و ظاهر انسان مربوط می‌شود و آداب باطنی، آدابی است که به قلب و دل انسان مربوط می‌شود و قلب انسان با این کتاب آسمانی ارتباط می‌گیرد. این درس، دانش‌آموزان را با شش ادب ظاهری و سه ادب باطنی در مجموع آشنا می‌سازد.

(ج) پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز

این مسئله که خوب است برای خواندن قرآن، آدابی را از پیش رعایت کنیم؛ مثلاً با وضو باشیم، شمرده و با ترتیل قرآن بخوانیم، پیش از قرائت «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» بگوییم، در آیات تدبّر و تفکر داشته باشیم و مواردی از این قبیل را دانش‌آموزان پیش از این در کتاب‌های دینی و قرآن مطالعه نموده و با آن آشنایی دارند. این درس با توجه به این نکته سعی در تعمیق این دانسته‌ها، بیان آموزه‌ها مستند به سیره ائمه علیهم‌السلام و بیان آن‌ها در قالب یک دسته‌بندی جدید داشته و نیز به دنبال معرفی سایر آدابی است که کمتر برای دانش‌آموزان مطرح شده است.

د) تحلیل محتوا و پاسخ به فعالیت‌های کلاسی درس

چنان‌که در مباحث مقدماتی گذشت، کتاب علوم و معارف قرآن کریم، در پایه یازدهم به دنبال تبیین مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی به عنوان ابزارهایی برای فهم معنای آیات قرآن هستند. اولین مقدمه برای فهم آیات، مراجعه و برقراری ارتباط با آنهاست؛ لذا پیش از آن‌که ابزارهای فهم آیات را بشناسیم، آداب برقراری ارتباط با قرآن را باید شناخت. از این رو، اولین درس از کتاب به بیان اصول و آداب تعامل با قرآن اختصاص یافته است.

لازم به ذکر است که این آداب، هر چند عمده‌تاً آداب قرائت آیات می‌باشد، اما منحصر در آداب قرائت نبوده و بخشی از آنها، آداب ارتباط و تعامل با قرآن – صرف نظر از قرائت آن – می‌شود. ورودیهٔ درس (قبل از علامت ***)، ذهن دانش‌آموزان را برای بیان آداب آماده می‌کند و اساساً فلسفهٔ این‌که چرا برای ارتباط با قرآن باید آدابی رعایت گردد را بیان می‌کند. در این بخش، پس از بیان فلسفهٔ رعایت آداب (جایگاه رفیع قرآن به عنوان کلام خدا)، به فوائد رعایت این آداب جهت تشویق دانش‌آموزان به این امر اشاره شده است و در این میان، دو فایده مورد تأکید قرار گرفته است: ثواب فراوان‌تر و نیز بهره‌مندی بیشتر از هدایت قرآن.

در پایان نیز با تقسیم کلی این آداب به آداب واجب و مستحب، بیان آدابی که رعایت آنها به لحاظ فقهی واجب است، به عهدهٔ دانش‌آموزان گذارده شده و به صورت یک فعالیت کلاسی پیش دانسته‌های آنها در این خصوص مرور می‌گردد تا مقدمه‌ای برای ورود به مطالب اصلی درس و بیان آداب مستحب ارتباط با قرآن باشد.

پاسخ فعالیت کلاسی ص ۱۹ :

از میان احکام واجب ارتباط با قرآن می‌توان به این موارد اشاره نمود :

۱ وجوب وضو گرفتن برای مسّ ظاهری آیات قرآن

۲ حرمت رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارند از سوی فرد جُنُب.

در ادامهٔ مطلب، این موضوع مورد توجه قرار گرفته که حال منبع دریافت آداب ارتباط با قرآن چیست؟ و چگونه می‌توان از این آداب آگاه شد؟

همان‌گونه که اهل بیت علیهم‌السلام بهترین معلمان قرآن هستند، سیرهٔ گفتاری و رفتاری ایشان بهترین منبع برای آشنایی با آداب ارتباط با قرآن به شمار می‌رود. البته باید توجه نمود که رعایت این آداب فضیلت داشته و امری واجب به حساب نمی‌آید؛ لذا برای رفع سوء تفاهم در دانش‌آموزان تذکر داده شده است که رعایت آداب،

مستحب بوده و فواید فوق‌الذکر را به دنبال خواهد داشت، نه این که سختی رعایت این آداب، خود مانعی برای ارتباط با این کتاب آسمانی گردد. اصل ارتباط با قرآن برای هر مسلمان لازم و حتی بدون رعایت این آداب، پسندیده خواهد بود.

الف) آداب ظاهری ارتباط با قرآن کریم

در این بخش، چهار ادب ظاهری ارتباط با قرآن در متن و دو ادب در قالب فعالیت کلاسی معرفی شده که در مجموع شش ادب را تشکیل می‌دهد.

اولین مورد، «وضو و مسواک» است. این دو مورد از آن جهت که جنبه مقدماتی (پیش از مراجعه به کتاب قرآن) داشته و به حوزه پاکیزگی مربوط می‌شوند، با هم ذکر شده‌اند.

«نگاه به مصحف» به عنوان دومین مورد مطرح شده است؛ از این جهت که پس از مسواک و وضو، برای مراجعه و قرائت قرآن، می‌بایست در آیات نورانی قرآن نظر افکند.

با نگاه قاری به آیات قرآن، قرائت او آغاز می‌شود. ائمه علیهم‌السلام برای چگونگی قرائت قرآن نیز سفارشات را فرموده و «ترتیل در قرائت» را شایسته‌ترین نحوه قرائت معرفی نموده‌اند. ترتیل در این جا به استناد سخن امام صادق علیه‌السلام، با دو ویژگی معرفی شده است و فایده رعایت هر یک از این ویژگی‌ها بیان شده است؛ «قرائت همراه با مکث»، زمینه تدبّر و اندیشیدن در آیات را فراهم آورده و «قرائت با صوت زیبا»، باعث جاذبه آن و افزایش تأثیرگذاری بر دل‌ها می‌شود و البته تذکر داده شده که «قرائت با صوت زیبا»، به معنای «ترتیل» مصطلح در مسابقات نیست و شامل هر زمزمه آهنگین می‌شود.

هنگامی که قاری قرآن، ترتیل خود را آغاز می‌کند، خوب است، پیش یا پس از آن دعا کند؛ لذا به استناد روایات، «دعا هنگام قرائت قرآن»، به عنوان چهارمین مورد مطرح شده است که دعا در این هنگام به اجابت نزدیک‌تر است.

پس از بیان این موارد چهارگانه که تقریباً همگی مربوط به «قرائت قرآن» از سوی خود فرد بودند؛ در قالب فعالیت کلاسی، دو نمونه دیگر از آداب ظاهری معرفی می‌گردند که این دو مربوط به ادب ارتباط با قرآن کریم هنگام قرائت قرآن از سوی فرد دیگری است :

پاسخ فعالیت کلاسی ص ۲۳ :

در این آیه دو ادب «استماع آیات» و «انصات» هنگام قرائت قرآن معرفی شده است؛ «استماع» به معنای گوش فرا دادن با دقت و میل قلبی به سخن فرد مقابل است و «انصات» به معنای سکوتی است که همراه با توجه به گفتار طرف مقابل باشد.

ب) آداب باطنی ارتباط با قرآن کریم

در این بخش، سه ادب در حوزه ارتباط قلبی با قرآن کریم معرفی می‌گردد؛ ابتدا به ضرورت «اخلاص در قرائت» قرآن اشاره رفته که تنها قرائت مخلصانه می‌تواند انسان را به هدفی که از ارتباط با قرآن دنبال می‌کند (برخورداری از هدایت قرآن)، نزدیک کند. موضوع اخلاص از آن جهت که به «نیت» انسان مربوط می‌شود و نیت، مقدمه هر چیزی است – مانند نیت نماز که مقدمه نماز است – لذا به عنوان اولین مورد مطرح شده است.

با توجه به این که اخلاص، یک امر باطنی است و در ابتدای امر، ملموس نمی‌باشد، نیازمند به ارائه راهکارهایی برای تحقق و تقویت آن در قاری است. از این رو، دو راهکار قرآنی برای تقویت آن در ادامه بیان شده است. یکی «استعاذه»^۱ و دیگری «تسمیه»، که اولی موجب دل‌بردن از وسوسه‌های درونی و دومی موجب معطوف ساختن توجه کامل به سوی خداست.

اخلاص در قرائت، موجب برقراری ارتباط قلبی با آیات قرآن می‌شود و زمینه تدبر و تفکر قلبی انسان در این آیات را به منظور بهره‌مندی از هدایت موجود در آن‌ها فراهم می‌آورد؛ از این رو، دومین ادب باطنی، «تفکر و تدبر در آیات الهی» معرفی شده و اصلاً هدف از نزول قرآن را تدبر در آیاتش بیان می‌کند.

پاسخ فعالیت کلاسی ص ۲۵ :

در این فعالیت، دعایی از امام صادق (ع) آورده شده که تعدادی از آداب ظاهری و باطنی را در خود دارد؛ با توجه به این که، شاکله و صورت متن، دعایی است، ادب ظاهری «دعا هنگام قرائت» را می‌رساند. اما با توجه به محتوای آن، به آداب ظاهری و باطنی گوناگونی اشاره می‌کند که در این جدول تقسیم شده‌اند :

	فراز از دعا	ادب مربوط به آن
۱	اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً	نگاه به مصحف
۲	وَقِرَاءَتِي فِيهِ فِكْرًا وَ فِكْرِي فِيهِ اعْتِبَارًا	تفکر و تدبر در آیات الهی
۳	وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِيهَا بَلِ اجْعَلْنِي أَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ...	
۴	وَلَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً	اخلاص در قرائت (حضرت از خدا می‌خواهند، نظرشان غافلانه نباشد؛ بلکه ذاکرانه و مخلصانه برای خدا باشد)
۵	وَلَا قِرَاءَتِي هَدْرًا	ترتیل (قراستی همراه با مکث و نه شتاب)

۱- در متن نوشتن آیه استعاذه به دانش‌آموزان واگذار شده است : «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (سوره نحل، آیه ۹۸).

در پایان، ادب باطنی «خشوع دل» برای دانش آموزان مطرح شده است که نتیجه قرائت همراه با تدبر و تفکر است. رعایت این ادب باطنی چنان که در درس اشاره شده با مخاطب قرار دادن قلب و روح انسان نسبت به آیات قرآن و تأثیر پذیرفتن از محتوای آیات اتفاق می افتد و این زمانی حاصل می شود که قلب انسان به خوبی در آیات توقف و تفکر نموده باشد.

این خشوع قلبی، موجب کمال بهره مندی از هدایت قرآن نه تنها برای قاری، بلکه برای شنونده می شود و چنان که در درس اشاره شده حتی زندگی برخی مانند فضیل بن عیاض را متحول می سازد. با توجه به این که قرائت همراه با خشوع دل، ویژگی های خاصی دارد، در این جا به یکی از ویژگی های مهم آن «قرائت محزون» به استناد سیره امام کاظم علیه السلام اشاره شده است.

پاسخ فعالیت اندیشه و تحقیق ص ۲۷ :

شماره	روایت	ادب مربوط به آن
۱	روایت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	نگاه به مصحف
۲	روایت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	دعا هنگام قرائت قرآن
۳	روایت امام صادق <small>علیه السلام</small>	ترتیل (با توجه به قرائت با مکث) تفکر و تدبر (وقف برای تفکر) خشوع دل (وقوف و تأثیرپذیری از آیات و رجاء نسبت به آیات بهشت و خوف از آیات جهنم)

هـ) پرسش های احتمالی دانش آموزان

۱- معنای «آداب» چیست؟ آیا آداب برای اشاره به مستحبات به کار می رود، یا واجبات را نیز شامل می شود؟

پاسخ : واژه «آداب» جمع «ادب» بوده و رعایت آن ها نشان دهنده ادب فرد است. در تعریف آداب به طور کلی چنین گفته می شود که هر علمی می تواند صورت ها و شکل های مختلف به خود بگیرد، اما بهترین شکل انجام آن را ادب آن کار می نامند؛ و هر گاه آن فعل با چنین شکل و صورتی انجام شود، آن را مؤدبانه می نامند. از این رو، این واژه در اکثر موارد استعمال خود در مورد مستحبات به کار می رود که بهترین شکل انجام یک عمل اند.

۲- مگر «تسمیه» و «استعاذه» به زبان آوردن دو جمله قبل از قرائت نیست و نباید جزء آداب ظاهری باشد؟

پاسخ: هر چند تسمیه و استعاذه، به زبان آوردن عبارت «اعوذ بالله...» و «بسم الله...» است و از این جهت، می‌تواند جزء آداب ظاهری قرائت قرآن قرار گیرد؛ اما باید دانست که در بیان آداب قرائت قرآن، صرف به زبان آوردن این دو عبارت مورد توجه نبوده و این دو از جهت تأثیری که در نفس قاری دارند، مورد اهمیت و تأکیدند. قاری با به زبان آوردن آن‌ها می‌خواهد باطن خود را از وسوسه‌ها زدوده و تنها به خدا رو کند که از این جهت، می‌بایست آن‌ها را ذیل آداب باطنی قرائت، جای داد.

۳- آیا روایت «کانت قرائته حزناً» با معنایی که از «ترتیل» کردیم، سازگاری بیشتری ندارد؟

پاسخ: درست است که معنای این روایت، به آن‌چه در خصوص «ترتیل» گفتیم، نیز نزدیک است، اما باید توجه داشت، از آن‌جا که قرائت با صوت حزین موجبات خشوع دل را نیز فراهم آورده و نقش مهمی در شکل‌گیری آن دارد؛ از این رو، آن را ذیل «خشوع دل» آوردیم.

به‌طور کلی باید دانست که این آداب ظاهری و باطنی بیان شده با یکدیگر ارتباط داشته و این‌گونه نیست که کاملاً از یکدیگر مجزا باشند و اصلاً دستور به رعایت آداب ظاهری از جهت تأثیری است که می‌تواند در باطن و دل قاری ایجاد نماید؛ لذا قرائت قرآن به صورت ترتیل، زمینه بیشتری برای خشوع دل قاری ایجاد می‌کند و از این جهت، این دو ادب قرائت با یکدیگر مرتبط‌اند و روایت «قرائت حزن» می‌تواند ناظر به هر دو باشد.

۴- خشوع دل بیشتر در نتیجه «تفکر و تدبر» حاصل می‌شود؛ پس چرا به عنوان یک ادب باطنی، مجزا شده است؟

پاسخ: درست است که خشوع دل، خود می‌تواند در نتیجه تفکر و تدبر در آیات حاصل شود، اما به لحاظ مفهومی، معنایی متفاوت از «تفکر و تدبر» دارد. تدبر در آیات، به این معناست که با سرعت از آیات عبور نکرده و در معنای آن‌ها تفکر نماییم تا بیش از گذشته به مفاهیم متعالی قرآن دست یافته و از جنبه‌های هدایتی آن بهره‌مند شویم که البته این امر می‌تواند موجب خشوع دل قاری گردد.

اما خشوع دل، به معنای تحت تأثیر قرار دادن قلب قاری است به نحوی که دانش به وجود آمده برای او حاصل از تفکر در آیات، زمینه خشوع قلبی او را ایجاد نماید که از این جهت معنایی متفاوت از تفکر و تدبر دارد.

(و) دانستنی‌های مهم

- ۱ فعالیت‌های کلاسی درس می‌تواند به صورت گروهی از سوی دانش‌آموزان انجام شود، تا هم بیشتر دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌ها شرکت داشته و تدریس نیز با سرعت بیشتری انجام گیرد. البته توجه داشته باشید که هر بار یکی از دانش‌آموزان گروه، به عنوان سرگروه و ارائه‌دهنده بحث انتخاب شوند تا قدرت بیان و ارائه همه دانش‌آموزان به مرور در کلاس تقویت گردد.
- ۲ ترجمه آیات و روایات درس تا حد ممکن به عهده دانش‌آموزان گذاشته شده تا تدریس روند پویاتری را داشته باشد. از این رو، با توقف کافی در آیات و روایات، ترجمه آن‌ها را از دانش‌آموزان بخواهید و خود در ابتدای امر از ترجمه آن‌ها خودداری نمایید.
- ۳ چنان‌که بیان شد، آداب ظاهری و باطنی قرائت قرآن با یکدیگر ارتباط داشته و کاملاً از یکدیگر مجزا نیستند و اصلاً دستور به رعایت آداب ظاهری از جهت تأثیری است که می‌تواند در باطن و دل قاری ایجاد نماید. از این رو، ممکن است در آداب بیان شده هم پوشانی وجود داشته باشد؛ یا یکی اثر و نتیجه دیگری باشد، چنان‌که نمونه‌های آن در بخش قبلی در همین نوشتار بیان شد.
- ۴ هر چند آداب باطنی قرآن، به ظاهر اهمیت بیشتری دارد، اما این مسئله نباید موجب غفلت از آداب ظاهری شود. رعایت آداب ظاهری از آن جهت که خود، موجب و پیش‌زمینه رعایت آداب باطنی می‌شود، اهمیت فراوان دارد. چنان‌که گذشت، نگاه به مصحف، زمینه بیشتر تدبیر را فراهم می‌آورد؛ ترتیل، زمینه خشوع دل و دعا توفیق الهی در رسیدن به هدایت قرآن را به دنبال دارد.
- ۵ با مراجعه به کتاب‌های علوم قرآن یا آموزش فصاحت و تجوید، با تعاریف مختلفی از «ترتیل» روبه‌رو می‌شویم؛ که در این جا تنها به این تعریف ساده، مبتنی بر روایت امام صادق علیه السلام اکتفا می‌کنیم. لطفاً از بیان سایر تعاریف در کلاس اجتناب کنید تا ذهن دانش‌آموزان در مقام یادگیری مطلب، تمرکز بیشتری داشته باشد.
- ۶ چنان‌که در درس نیز مورد تأکید قرار گرفته، در تدریس خود توجه داشته باشید که هر چند رعایت این آداب مهم است، اما نباید خودش حجاب شده و مانع برقراری ارتباط با قرآن شود. آنچه مهم است، اصل ارتباط با قرآن و قرائت ساده آن حتی بدون رعایت این آداب است. این آداب، تنها فضیلت است و لذا تلاش برای رعایت آن‌ها نباید اصل ارتباط با قرآن را خدشه‌دار سازد؛ لذا نگذارید برای دانش‌آموزان این ذهنیت ایجاد شود که قرائت بدون رعایت آداب آن، سودبخش نیست.

علوم قرآن

درس ۲

الف) اهداف درس

- ۱) آشنایی با اصطلاح «علوم قرآن» به عنوان یک علم و تفاوت آن با اصطلاح «معارف قرآن»
- ۲) آشنایی با تعریف علوم قرآن و معرفی برخی دانش‌های مطرح شده در آن
- ۳) آشنایی با تأثیر آگاهی از علوم قرآن در فهم دقیق تر آیات و تمرین آن از سوی دانش‌آموزان

ب) توضیحات درس

هدف از تدوین این کتاب، ارائه علوم و معارف قرآنی به زبان ساده برای دانش‌آموزان است. در این درس برای اولین بار، اصطلاح «علوم قرآن» تعریف شده و نسبت آن با «معارف قرآن» برای دانش‌آموزان تبیین می‌شود و به این ترتیب، ایشان با تبیین دقیق عنوان کتاب، یعنی «علوم و معارف قرآنی» آشنا شده و وجه تسمیه کتاب را درمی‌یابند.

ج) پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز

- ۱) دانش‌آموزان پیش از این با «تفسیر» و این نکته که مفسر با کسب «علوم مورد نیاز» نسبت به تفسیر آیات اقدام می‌کند، آشنا شده‌اند. در این جا این موضوع تازه مطرح می‌شود که این علوم مورد نیاز در رشته‌ای علمی با عنوان «علوم قرآن» مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.
- ۲) در جدول صفحه ۳۶ که علوم قرآن متناسب با جنبه‌های گوناگون طبقه‌بندی شده‌اند، نام تعدادی از علوم مشاهده می‌شود که دانش‌آموزان در پایه دهم با آن‌ها و تأثیرشان در فهم قرآن آشنا شدند. از جمله تمثیلات قرآن، تجوید، کیفیت نزول قرآن، اسباب النزول و مکی و مدنی.
- ۳) در صفحه ۳۸، سخن از «تفسیر موضوعی» به میان آمده است. دانش‌آموزان در آخرین درس از کتاب پایه دهم با این اصطلاح آشنا شده و لذا با استفاده از آن، مفهوم «معارف قرآن» را بهتر و دقیق تر درک می‌نمایند.

د) ارتباط با درس قبل

علوم قرآن، دانش‌های مورد نیاز برای تفسیر و ابزارهای فهم قرآن به شمار می‌آیند. برای فهم آیات قرآن، ابتدا می‌بایست با قرآن انس و ارتباط گرفت تا به دنبال آن، با استفاده از ابزارهای فهم، معانی آیات کشف گردند. درس قبل آداب این انس و ارتباط با قرآن را بیان می‌نمود، تا با رعایت آن‌ها زمینه فهم و درک معانی آیات، بیش از گذشته فراهم آید.

هـ) تحلیل محتوا و پاسخ به فعالیت‌های کلاسی درس

این درس به دنبال آن است تا پیش از ورود تفصیلی دانش‌آموزان به علوم قرآنی – که هر درس از کتاب به بیان یکی از این علوم و دانش‌ها اختصاص دارد – تبیین دقیقی از این اصطلاح برای دانش‌آموزان ارائه نموده و نقشه نسبتاً جامعی از این علوم را برای ایشان ترسیم نماید.

ورودیۀ درس (قبل از علامت ***)، با اشاره به آیه ۹ سورۀ اسراء، قرآن را وسیله هدایت بیان نموده و «تفسیر» را بستری برای فهم و دریافت هدایت قرآن معرفی می‌کند. سپس با یادآوری این نکته که مفسر برای فهم آیات، نیازمند به تحصیل علوم و دانش‌هایی می‌باشد، ذهن دانش‌آموزان را برای دریافت هدف اصلی درس آماده می‌سازد. تا این‌جا پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان برای ایشان مرور گردید، تا این نکته را برساند که اصطلاح «علوم قرآن»، اصطلاح ناشناخته‌ای نبوده و دانش‌آموزان پیش از این، با آن تحت عنوان «علوم مورد نیاز مفسر» آشنا شده‌اند.

حال که ذهن دانش‌آموزان آماده گردید، این علوم مورد نیاز به صورت یک رشته علمی و با عنوان کلی «علوم قرآن» معرفی می‌گردند. مراد از «رشته علمی» این است که «علوم قرآن» به عنوان یک رشته علمی، مبادی خاصی شامل تعریف، موضوع، فایده و... را دارا بوده و هم‌اکنون به صورت رشته‌ای آکادمیک در مراکز علمی به آن پرداخته می‌شود.

در ادامه پس از آشنایی با تعریف «علوم قرآن»، برای آن‌که دانش‌آموزان نسبت به اطراف و حدود این علم آگاهی لازم را کسب نمایند، دانش‌هایی که ذیل عنوان کلی «علوم قرآن» قرار می‌گیرند، در قالب یک چارچوب مشخص دسته‌بندی می‌گردند.

از آن جا که قرآن از جنبه‌های گوناگون قابل شناخت و بررسی است، دانش‌هایی که به منظور فهم آن مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز ناظر به همین جنبه‌ها تعریف می‌شوند. از این رو، ابتدا قرآن از جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار می‌گیرد:

- قرآن از آن جهت که متن و به صورت کتاب است، پس یک جنبه «مکتوب» دارد؛
 - اما از آن جهت که متنی خواندنی است و بر خواندن آن بسیار تأکید شده، پس یک جنبه «مقروء» دارد؛
 - همچنین از آن جهت که این متن از سوی خدا نازل شده است، نه این که یک بشر آن را نوشته باشد، یک جنبه «نازل شده» دارد.
 - و از این جهت که نزول آن هدف مشخصی را دنبال می‌کند و آن هدایت بشر از طریق فهم آیات نورانی آن است، یک جنبه «هدایت‌گری» دارد.
- قرآن از جنبه‌های دیگری نیز قابل بررسی است که همین مقدار برای دانش‌آموزان دوره متوسطه کافی است و نیاز به طرح جنبه‌های دیگر نیست تا سطح مطلب سنگین نشود.
- پس از بیان این جنبه‌ها، نوبت به معرفی دانش‌هایی است که ناظر به هر یک از این جنبه‌ها تعریف می‌شوند و به نوعی در فهم و درک از آیات قرآن مؤثر واقع می‌شوند. این دانش‌ها چنان که گذشت، تحت عنوان کلی «علوم قرآن» قرار می‌گیرند.
- برای این که دانش‌آموزان این دانش‌ها متناسب با هر یک از این جنبه‌ها را بهتر درک کنند، عناوین و توضیح برخی از آن‌ها در قالب یک نمودار (در صفحه ۳۶) ارائه شده است.
- برخی از عناوین موجود در جدول، موضوعاتی هستند که دانش‌آموزان پیش از این، با آن‌ها آشنا شده‌اند و برخی از عناوین نیز در همین جدول تعریف شده‌اند، سایر موارد موجود در جدول تنها برای آشنایی دانش‌آموزان مطرح شده و نیاز به تعریف کردن آن برای دانش‌آموزان نیست. برخی اصطلاحات مانند «ناسخ و منسوخ»، «محکم و متشابه» و «رسم الخط قرآن» اصطلاحاتی هستند که تعریف آن‌ها برای دانش‌آموزان سنگین و متناسب با سطح دوره متوسطه نمی‌باشد.

پاسخ به فعالیت کلاسی صفحه ۳۷:

موضوع «کتابت قرآن»، همان گونه که از نامش مشخص است، به قرآن از جنبه مکتوب شدن آن توجه می‌نماید و موضوع «شأن نزول»، با توجه به این که آیات را از جهت صدور و دلیل نزول آن مورد توجه قرار می‌دهد، به قرآن از جنبه نازل شده آن می‌پردازد.

در ادامه درس، برای آن که دانش‌آموزان با تأثیر آگاهی از این علوم در فهم قرآن به صورت ملموس آشنا شوند، یک نمونه جالب توجه برای ایشان مطرح می‌شود. بیشتر مفسران و لغویان، ریشه «حضض» را به معنای

«تشویق کردن» گرفته‌اند، در حالی که معنای دقیق آن چیز دیگری است. این که یک لغوی چه فرایندی را طی نموده است، تا به معنای دقیق از این ریشه برسد، فراتر از سطح کلاس و درک آن برای دانش‌آموزان دشوار است، فقط برای آگاهی شما دبیر محترم خوب است بدانید که لغویان علاوه بر مراجعه به کتب لغت گوناگون برای درک معنای یک واژه، وضعیت اشتقاق واژه و ارتباط آن با سایر واژگان مشابه را نیز در نظر می‌گیرند.

در خصوص این واژه، نه تنها برخی مفسران آن را به معنای عدم اطعام مسکین از سوی خود فرد می‌دانند، چنان‌که به عنوان نمونه، در تفسیر قمی – که از جمله تفاسیر متقدم است – می‌خوانیم: «وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ أَيْ لَا يَرْغَبُ فِي إِطْعَامِ الْمَسْكِينِ» (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۴، نیز ر. ک: مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۸۳۴)

بلکه وضعیت اشتقاق واژه را نیز مؤید این معنا می‌دانند. ریشه «حضض» با بررسی نوع و سیر تاریخی اشتقاق آن (که توضیح آن در این جا نمی‌گنجد) معلوم می‌شود که ارتباط معنایی وثیقی با ریشه «خصص» دارد، چنان‌که ریشه «خصص» به معنای تخصیص یک چیز است، ریشه «حضض» نیز معنایی مشابه با آن را می‌یابد.

پاسخ به فعالیت کلاسی صفحه ۳۸:

با یادآوری نمونه‌ای که دانش‌آموزان در پایه دهم، در خصوص تفسیر آیه ۱۵۸ سوره بقره با استفاده از شأن نزول آن خوانده‌اند، می‌توان تأثیر آگاهی از اسباب النزول را در فهم آیه توضیح داد. سپس در انتهای درس حال که دانش‌آموزان با مفهوم «علوم قرآن» و انواع دانش‌های آن آشنا شدند، لازم است تا تفاوت آن با مفهوم «معارف قرآن» مطرح شود. دو واژه «علوم» و «معارف» ارتباط معنایی نزدیکی با هم دارند، که وقتی به «قرآن» اضافه می‌شوند، تبدیل به دو اصطلاح شده و معنای کاملاً متفاوتی را افاده می‌کنند. آگاهی از این تفاوت به دانش‌آموزان کمک می‌کند، تا اولاً حیطه این دو علم را از یکدیگر بشناسند و ثانیاً با وجه تسمیه کتاب به صورت دقیق‌تر آشنا شوند.

پاسخ فعالیت اندیشه و تحقیق صفحه ۳۹:

عنوان کتاب	رویکرد
تفسیر و مفسران	علوم قرآن
آشنایی با قرآن، جلد ۱	بخشی از کتاب، رویکرد علوم قرآن و بخشی رویکرد معارف قرآن دارد
آشنایی با قرآن، جلد ۸	معارف قرآن
قرآن شناسی	علوم قرآن

(و) پرسش‌های احتمالی دانش آموزان

۱- اکثر مترجمان و مفسران، عبارت «و لایُحْضُ» را به صورت «تشویق نمی‌کند» ترجمه نموده‌اند. آیا باید قبول کنیم که این اکثر، به خطا رفته‌اند؟!

ما در این جا به دنبال بیان صحیح یا غلط بودن ترجمه‌ها و تفاسیر موجود از آیه نیستیم. هر مفسر با توجه به دلایل، مستندات و قرائتی که برای خود او حجت دارد، یک معنا را از میان معانی متعدد انتخاب می‌کند. تعداد لغت‌شناسان و کتاب‌های لغت که در طول سال‌ها مورد استناد و مراجعه مفسران بودند، زیادند و بالتبع اختلاف نظرانی میان این افراد وجود دارد و از این رو، ممکن است برخی نیز اشتباه کرده باشند. در این جا تلاش شده معنایی که ارائه می‌شود، مستند به دقیق‌ترین نظرات موجود ارائه گردد.

۲- تفسیر ترتیبی از قرآن جزء معارف قرآن به شمار می‌آید یا جزء علوم قرآن قرار می‌گیرد؟ تفسیر ترتیبی از آن جا که معارف موجود در آیات را برای مخاطب شرح می‌دهد و به دنبال معرفی ابزارهای فهم قرآن نیست، جزء «معارف قرآن» قرار می‌گیرد.

(ز) دانستنی‌های مهم

۱ فعالیت‌های کلاسی درس می‌تواند به صورت گروهی از سوی دانش‌آموزان انجام شود، تا هم بیشتر دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌ها شرکت داشته و تدریس نیز با سرعت بیشتری انجام گیرد. البته توجه داشته باشید که هر بار یکی از دانش‌آموزان گروه، به عنوان سرگروه و ارائه‌دهنده بحث انتخاب شوند تا قدرت بیان و ارائه همه دانش‌آموزان به مرور در کلاس تقویت گردد.

۲ ترجمه آیات و روایات درس تا حد ممکن به عهده دانش‌آموزان گذاشته شده تا تدریس روند پویاتری را داشته باشد، از این رو، با توقف کافی در آیات و روایات، ترجمه آن‌ها را از دانش‌آموزان بخواهید و خود در ابتدای امر از ترجمه آن‌ها خودداری نمایید.

۳ تعریف «علوم قرآن» به «علوم مورد نیاز برای تفسیر قرآن»، تعریف غالبی است، به این معنا که اکثر دانش‌هایی که ذیل «علوم قرآن» قرار می‌گیرند، دانش‌های مورد نیاز برای تفسیر و فهم آیات هستند. در این میان، دانش‌هایی نیز ذیل «علوم قرآن» هستند که به طور مستقیم در فهم آیات تأثیر ندارند و تنها پیرامون قرآن مطرح می‌شوند و جنبه‌ای از آن را با نگاه علمی واکاوی می‌نمایند. از جمله این دانش‌ها می‌توان به «رسم الخط قرآن»، «تجوید» و... اشاره نمود.

۲ موضوعات علوم قرآنی که در پایه دهم و نیز در این پایه برای دانش‌آموزان انتخاب شده است، معمولاً با دو معیار گلچین شده‌اند:

الف) قابل فهم بودن برای دانش‌آموزان و عدم ایجاد شبهه برای ایشان
 ب) کاربردی بودن برای استفاده در فهم از سوی دانش‌آموزان

البته نام برخی از موضوعات و دانش‌های علوم قرآنی، به دلیل شهرتی که دارند در جدول صفحه ۳۶ آمده است که به دلیل سنگین بودن و ایجاد شبهه برای دانش‌آموزان، در خلال کتاب تبیین نشده و تنها به ذکر نام آن‌ها در جدول بسنده شده است. شما نیز از توضیح این مباحث خودداری کنید تا سؤالات و شبهاتی در ذهن دانش‌آموزان شکل نگیرد. مباحثی چون «محکم و متشابه» و «ناسخ و منسوخ» از این دست هستند. بر این اساس، جدول صفحه ۳۶، تنها به منظور ارائه یک تصویر هوایی از موضوعات و دانش‌های علوم قرآنی ارائه شده و در آموزش نیاز نیست – و حتی نباید – به تبیین و توضیح جزء جزء آن پرداخت.

آیه و سوره

درس ۳

الف) اهداف درس

- ۱ آشنایی با تعریف دو واحد قرآنی: «آیه» و «سوره»، در ادبیات علوم قرآنی
- ۲ آشنایی با مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی پیرامون آیات و سوره‌های قرآن کریم؛ از جمله:
 - ترتیب توقیفی آیات در سوره‌ها
 - انسجام و هماهنگی آیات در یک سوره
 - آیات نامدار قرآن
 - وجه تسمیه سوره‌ها در مصحف‌های امروزی

ب) توضیحات درس

قرآن کریم به عنوان یک کل یک‌پارچه، خود از اجرایی تشکیل شده است، که این اجزا از جهات گوناگون قابل مشاهده و طبقه‌بندی است. قرآن از جهت حجم به جزء و حزب تقسیم می‌شود که برای سهولت در قرائت، کل قرآن به ۳۰ قسمت (جزء) و ۱۲۰ حزب تقسیم شده است. در این میان، یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های قرآن، تقسیم آن از جهت پرداختن به موضوعات و معارف گوناگون است که از این جهت به ۱۱۴ سوره و هزاران آیه تقسیم می‌شود. تقسیم قرآن به «آیه» و «سوره»، یکی از مهم‌ترین و جزء اولین موضوعاتی است که دغدغه مفسران بوده و مباحث علمی بسیاری در خصوص آن مطرح کرده‌اند. این درس با تعریف این دو موضوع، ذیل مباحث «علوم قرآنی»، به تبیین و تشریح آن دو می‌پردازد.

ج) پیش‌دانسته‌های دانش آموز

- ۱ دو مفهوم «آیه» و «سوره»، مفاهیمی هستند که دانش‌آموزان از همان دوره ابتدایی و حتی پیش از آن، با آن‌ها آشنایی داشته و بارها دیده و شنیده‌اند. این درس با استفاده از ذهنیت پیشین دانش‌آموزان نسبت به این دو موضوع، با نگاه دقیق علمی به تبیین آن‌ها می‌پردازد.
- ۲ در خصوص آیات نامدار، دانش‌آموزان پیش از این با «آیه الکرسی» به عنوان یکی از آیات نامدار آشنا هستند. البته ایشان با محتوای برخی آیات مانند آیه ولایت و تطهیر نیز آشنا هستند، اما آن‌ها را تحت این نام نمی‌شناسند که در این جا با نام مصطلح این آیات نیز آشنا خواهند شد.

د) ارتباط با درس قبل

در درس قبل خواندیم که موضوعات و دانش‌های علوم قرآنی، قرآن را از جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار می‌دهد و به طرح مباحث خود می‌پردازد. یکی از این جنبه‌ها، جنبهٔ مکتوب قرآن است. وقتی کتاب قرآن را می‌گشاییم، اولین چیزی که خودنمایی می‌کند، تقسیم عبارات آن در قالب آیات و سوره‌های گوناگون است. این درس، موضوع «آیات و سوره‌ها» را با نگاهی علمی از منظر دانشمندان علوم قرآن مورد واکاوی قرار می‌دهد.

ه) تحلیل محتوا و پاسخ به فعالیت‌های کلاسی درس

این درس قرآن را از جهت اجزای تشکیل‌دهندهٔ آن، یعنی «آیه و سوره» مورد بررسی قرار می‌دهد. آیات و سوره‌های قرآن، اجزایی هستند که در قرآن به شکل مکتوب خود، نمایان می‌شوند؛ از این رو، در ورودیهٔ درس (قبل از علامت $\times \times \times$)، به قرآن از جهت «کتاب» بودن آن اشاره شده که با گشودن این کتاب می‌بینیم از اجزا و طبقه‌بندی خاصی برخوردار است. سپس سؤالاتی به منظور ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای دنبال نمودن مباحث کتاب مطرح می‌شود و تأکید می‌گردد که «علوم قرآن» با پرداختن به طور خاص به این موضوع، عهده‌دار پاسخ‌گویی به این سؤالات است.

درس از دو جزء کلی تشکیل شده است: بخشی به مبحث «آیه» و بخش دیگر به مبحث «سوره» می‌پردازد. مطالبی که در بخش «آیه» مطرح شده است، به دو قسمت تقسیم می‌شود:

● **تعریف آیه و بیان وجه تسمیهٔ آن:** ابتدا آیه تعریف می‌شود. در این تعریف، بر نکته‌ای تأکید شده و آن دقت پیامبر در مشخص نمودن محدودهٔ آیات از یکدیگر برای کاتبان وحی است؛ به گونه‌ای که ایشان اجازهٔ اجتهاد در این زمینه را نداشتند. در ادامه، به این مطلب تحت عنوان «توقیفی بودن ترتیب آیات» اشاره شده است. «توقیفی» نقطهٔ مقابل «اجتهادی» می‌باشد.

در کنار تعریف اصطلاحی، برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با این مفهوم، وجه تسمیه واژهٔ «آیه» با استفاده از معنای لغوی آن (نشانهٔ آشکار) بیان شده و خاستگاه تبدیل شدن آن به اصطلاح را با استناد به آیه ۲۹ سورهٔ «ص»، خود قرآن معرفی می‌کند.

■ **آیات نامدار:** برخی آیات به دلیل اهمیت موضوعی که در آن‌ها مطرح شده است، زیاد مورد اشاره و استناد علما و دانشمندان قرار می‌گرفتند. این کثرت استفاده موجب گردید، هر یک از این آیات، به نامی مشهور شوند و با این نام در مباحث علمی مطرح گردند. این آیات، را «آیات نامدار یا صاحب‌عنوان» نامیده‌اند. تعداد این آیات به بیش از ۱۷۰ عنوان می‌رسد که در این جا تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها معرفی می‌شود.

و اما مباحثی که در خصوص «سوره» بیان شده است، به سه قسمت تقسیم می‌گردد:

■ **تعریف سوره:** در این جا نیز مانند بخش قبل، ابتدا سوره تعریف می‌شود و سپس به «توقیفی» بودن آن و خاستگاه اسمی آن اشاره می‌شود.

در تعریف سوره، تشبیهی به کار رفته است و آن، این است که سوره مانند دیوار، دور آیات را گرفته است. این تشبیه برآمده از معنای لغوی واژه «سوره» است. «سور» به معنای «حصار و دروازه شهر» است که دور تا دور شهر را پوشانده است؛ سوره نیز مانند یک حصار دور تا دور آیات را می‌پوشاند.

سپس به توقیفی بودن ترتیب آیات در سوره‌ها اشاره شده و مهم‌ترین شاهد بر این امر را عدم وجود اختلاف در قرآن‌ها و مصحف‌های امروزی ذکر می‌کند که این مصاحف با وجود اختلاف جزئی در قرائت، در ترتیب آیات آن‌ها هیچ اختلافی با هم ندارند.

در ادامه، خاستگاه تبدیل شدن سوره به اصطلاح را با استناد به آیه ۱ سوره «نور»، خود قرآن معرفی می‌کند.

■ **ارتباط و هماهنگی میان آیات هر سوره؛** در ابتدای بحث، نکته‌ای مورد توجه قرار گرفته و آن این که: آن چه موجب ارتباط و هماهنگی میان اجزای یک چیز می‌شود، هدف واحدی است که آن چیز دنبال می‌کند و همه اجزا برای رسیدن به آن هدف با یکدیگر هماهنگ می‌شوند. سوره‌های قرآن نیز از آن جا که اهداف تربیتی مشخصی را دنبال می‌کنند، این هدف مشخص موجب ارتباط و هماهنگی میان اجزای سوره می‌شود.

این هماهنگی، چنان که در متن اشاره شده است، در خصوص آیات گوناگون، به دو صورت خود را نشان می‌دهد.

در این جا خوب است بدانیم برخی مفسران همچون علامه طباطبایی مبتنی بر این شیوه به تفسیر آیات می‌پردازند؛ یعنی ابتدا غرض کلی سوره را بیان می‌کنند، سپس یا تقسیم آیات به دسته‌های کوچک‌تر، به تفسیر آیات هر دسته به صورت جداگانه در راستای رسیدن به آن هدف و غرض کلی می‌پردازند.

ملاک تقسیم آیات به دسته‌های کوچک‌تر، چنان که در درس نیز اشاره شده است، موضوعی است که هر یک از این دسته‌ها در راستای رسیدن به آن هدف کلی دنبال می‌کنند.

در ادامه این توضیحات، نمونه‌ای عملی در خصوص تقسیم آیات سوره جمعه به دو دسته و تبیین آیات هر دسته در راستای رسیدن به هدف کلی از سوره، ارائه می‌شود.

پاسخ فعالیت کلاسی صفحه ۵۰؛

آیات سوره مطففین در یک نگاه کلی به دو یا سه بخش قابل تقسیم است؛
 بخش اول، آیات اول تا ششم سوره است که به بیان حال کم فروشان و انداز آن‌ها از عذاب قیامت می‌پردازد.
 بخش دوم، آیات هفتم تا هفدهم سوره است که بیان حال بدکارانی چون ایشان در قیامت و عذابشان است؛
 البته می‌توان این بخش را در ادامه بخش پیشین قرار داد و به عنوان بخشی مجزا آن را جدا نمود؛ از
 این رو، در ابتدا گفته شد که آیات به دو یا سه بخش کلی تقسیم می‌شوند.
 بخش سوم، آیات هجدهم تا انتهای سوره است که در نقطه مقابل، حال ابرار و نیکان در قیامت و عطایای
 ایشان را تشریح می‌نماید.

توضیحی درباره نام سوره‌های قرآن

مانند بخش قبل که توضیحی درباره نام آیات ارائه گردید، در این جا نیز به تناسب، توضیحی درباره نام
 سوره‌ها ارائه شده است، نکته مهم در این جا اینکه درباره توقیفی بودن یا اجتهادی بودن نام سور، در میان
 مفسران و دانشمندان علوم قرآنی اختلاف نظر فراوانی وجود دارد، از آن جا که ما در این مقام به دنبال
 ارزش گذاری میان نظرات موجود نیستیم، وارد این بحث نشده و در متن اشاره‌ای به توقیفی یا اجتهادی
 بودن نام سوره‌ها نکردیم. فارغ از این که نام سور، توقیفی یا اجتهادی باشد، آن چه برای دانش آموزان
 دانستن آن کافی است، وجه تسمیه سوره‌های قرآن است که متناسب با مطالب بیان شده در هر سوره، این نام
 (از سوی معصوم یا غیر ایشان) برای سوره قرار داده شده است.

پاسخ فعالیت کلاسی صفحه ۵۱؛

نام سوره	علت نام گذاری
هود	داستان حضرت هود پیامبر و گفت و گوی ایشان با قومش در آن آمده است.
مؤمنون	در آیات ابتدایی درس، اوصاف مؤمنان بیان شده است.
فتح	ابتدای درس به ماجرای فتح مکه اشاره شده است.
تکویر	اولین آیه به تکویر خورشید، یعنی درهم پیچیده شدن آن در آستانه قیامت اشاره می‌کند.

نام مجموعه سور	سوره‌های این مجموعه
حامدات	«فاتحه الكتاب»، «انعام»، «کهف»، «سبأ» و «فاطر»
عزائم	«سجده»، «فضلت»، «نجم» و «علق»
مستحاث	«اسراء»، «حدید»، «حشر»، «صف»، «جمعه»، «تغابن» و «اعلی»
معوذتین	«ناس» و «فلق»

(و) پرسش‌های احتمالی دانش آموزان

۱- آیا سایر دسته‌بندی‌های قرآن مانند تقسیم به جزء و حزب نیز به دستور پیامبر صورت گرفته است؟

به عقیده بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی، تقسیم قرآن به سی جزء و هر جزء به چهار حزب، سال‌ها بعد از حیات پیامبر و به منظور تسهیل در امر تدریس و فراگیری قرآن از سوی مسلمانان انجام گرفت. زرکشی در این باره می‌گوید: «اشتہار تقسیم قرآن به سی جزء، مانند اشتہار تقسیم هر حزب به ربع‌ها از طریق مدارس علمی بوده است.» (البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۹).

۲- چگونه می‌توانیم سایر آیات نامدار را بشناسیم؟ آیا همه این آیات در منبعی یک‌جا معرفی شده‌اند؟

تعداد آیات نامدار را تا ۱۷۵ عنوان شمرده‌اند؛ که این نام‌ها عموماً از سوی مفسران، متکلمان و فقها برای این آیات انتخاب شده‌اند. کتاب خوبی در این زمینه وجود دارد که به معرفی کلیه آیات نامدار پرداخته است: عنوان کتاب: «آیه‌های نامدار»، نویسنده: علی خراسانی و سید محمود دشتی، نشر جمال، قم، ۱۳۸۶.

۳- نظم و ترتیب قرار گرفتن سوره‌ها در قرآن، توقیفی است یا اجتهادی؟

در خصوص این که آیا ترتیب قرار گرفتن سوره‌ها در قرآن به دستور پیامبر بوده و امری توقیفی است یا بعدها به دست صحابه صورت گرفته و امری اجتهادی است، اختلاف نظر بسیاری میان دانشمندان علوم قرآنی وجود دارد. در این رابطه سه نظریه وجود دارد: برخی معتقدند قرآن در زمان پیامبر به طور کامل جمع شده و این ترتیب سوره‌ها به دستور پیامبر اتفاق افتاده و امری توقیفی است؛ از سوی دیگر عده‌ای معتقدند که قرآن در زمان عثمان به صورت کامل ارائه گردید که از این جهت، ترتیب سوره‌ها توسط صحابه اتفاق افتاده و

امری اجتهادی است. عده‌ای نیز نظری میانه دارند و معتقدند ترتیب برخی سوره‌ها به دستور پیامبر مشخص شده و پاره‌ای از سوره‌ها را صحابه کنار هم قرار داده‌اند که در نتیجه، ترتیب برخی سُور توقیفی و بعضی سُور اجتهادی است.

این اختلاف نظر از دیرباز میان دانشمندان علوم قرآنی وجود داشته و دارد که بحث تفصیلی آن و ادله هر یک را بعدها علاقه‌مندان ورود به حوزه یا رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه مطالعه خواهند نمود.

(ز) دانستنی‌های مهم

۱ فعالیت‌های کلاسی درس می‌تواند به صورت گروهی از سوی دانش‌آموزان انجام شود، تا هم بیشتر دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌ها شرکت داشته و تدریس نیز با سرعت بیشتری انجام گیرد. البته توجه داشته باشید که هر بار یکی از دانش‌آموزان گروه، به عنوان سرگروه و ارائه دهنده بحث انتخاب شوند تا قدرت بیان و ارائه همه دانش‌آموزان به مرور در کلاس تقویت گردد.

۲ چنان‌که در متن اشاره شده، دو نوع هماهنگی میان آیات یک سوره مشاهده می‌شود: ارتباط میان دسته‌ای از آیات یک سوره و ارتباط میان مجموع آیات سوره

عده‌ای از مفسران بر اساس تقسیم آیات هر سوره به اجزایی با هدف معین، به تفسیر سور می‌پردازند و این، روش ثابت آن‌ها در تفسیر است، از جمله علامه طباطبایی در المیزان، آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، علامه طبرسی در مجمع البیان و...؛ البته هر یک ممکن است بر اساس اجتهاد خود، دسته‌ای از آیات را دارای هدف خاص تشخیص داده و در تقسیم آیات سوره به اجزای کوچک‌تر با یکدیگر اختلافاتی داشته باشند، اما بر این اساس کلی به تفسیر آیات می‌پردازند.

تقسیم آیات سوره به اجزایی کوچک‌تر که هر جزء به موضوعی خاص می‌پردازد، فقط منحصر در تفسیر قرآن نبوده و گاه دانشمندان علوم قرآنی تحت عنوان تعیین «رکوعات قرآنی» به آن پرداخته‌اند. تقسیم قرآن به رکوعات، یکی دیگر از تقسیمات قرآن است که در آن هر رکوع متشکل از چند آیه است که درباره یک موضوع سخن می‌گوید.

فواتح سور

درس ۴

الف) اهداف درس

- ۱) آشنایی با «فواتح سور» به عنوان یکی از موضوعات علوم قرآن
- ۲) آشنایی با تعدادی از مهم‌ترین دسته‌های «فواتح سور» از قبیل مقطعات، مقسمات، مسبحات و خطابات
- ۳) آشنایی با برخی کارکردهای فواتح سور (کارکردهای تربیتی و تفسیری)

ب) توضیحات درس

این درس، به تبیین یکی از موضوعات پر کاربرد علوم قرآنی برای تفسیر سوره‌ها، با عنوان «فواتح سور» می‌پردازد. فواتح سور، از دو واژه «فواتح» و «سور» تشکیل شده است. «فواتح»، جمع «فاتحه» به معنای «ابتدا و آغاز یک چیز» و «سور» نیز جمع «سوره» است که به این ترتیب، «فواتح سور» به معنای «آغازین سوره‌ها» می‌باشد. در این مبحث، عبارات آغازین سوره‌های قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد و کارکردهای مختلف آن‌ها در فهم آیات، نظم آهنگ و بلاغت سوره‌ها، تأثیرات تربیتی آن‌ها و... تبیین و تحلیل می‌گردد. در این درس، دانش‌آموزان با شش عنوان از فواتح سور آشنا می‌شوند: حروف مقطعه، قسم‌ها، حمد خدا، تسبیح پروردگار، خطابات و پرشش‌ها.

ج) پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز

به دانش‌آموزان تاکنون در این خصوص، محتوایی ارائه نشده است.

د) ارتباط با درس قبل

در درس قبل، قرآن از منظر اجزای تشکیل دهنده آن مورد بررسی قرار گرفت و دو واحد «آیه» و «سوره» به عنوان اجزای شکل دهنده قرآن تعریف شدند. در این درس، واحدی که با عنوان «سوره» معرفی شده بود، از منظر آیات آغازین آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا نقش و کارکرد این عبارات آغازین برای دانش‌آموزان تبیین شود.

هـ) تحلیل محتوا و پاسخ به فعالیت‌های کلاسی درس

ورودیۀ درس (قبل از علامت ***)، با استفاده از یک اصل که همه دانش‌آموزان آن را قبول دارند، در ایشان نسبت به پی‌گیری موضوع درس ایجاد انگیزه می‌کند. این که همواره نحوه آغاز نمودن کلام از سوی یک سخن‌گوی حکیم از اهمیت بسیاری برخوردار است و نقش مهمی در همراه شدن مخاطبان ایفا می‌کند و نیز این نحوه آغاز دلیل و منطق مشخصی دارد، اصلی است که همه دانش‌آموزان آن را قبول دارند و از این رو، قرآن که سخن حکیم‌ترین سخنوران است، نمی‌تواند از این اصل استثنا باشد.

بر این اساس، یکی از موضوعات مهم علوم قرآنی، موضوع «فواتح سور» معرفی می‌شود که در این علم، سوره‌های قرآن از منظر آیات ابتدایی آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

سوره‌های قرآن از جهت آیات آغازین آن‌ها، گاه مشابهت‌هایی با یکدیگر دارند که می‌توان آن‌ها را در گروه‌های مشخصی طبقه‌بندی نمود. در ادامه درس، برخی از مهم‌ترین این گروه‌ها برای دانش‌آموزان معرفی می‌گردند:

۱- حروف مقطعه

در این قسمت، ابتدا به وجه تسمیه و نام‌گذاری حروف مقطعه اشاره شده است و سپس نظرات رایج مفسران درباره این حروف گزارش شده است؛ اولین نظر، علاوه بر کارکرد تفسیری به کارکرد تربیتی این حروف اشاره می‌کند و آن‌ها را محملی برای تحدی می‌داند تا حقانیت قرآن را اثبات نماید.

دومین نظر، به یک کارکرد تفسیری مهم این حروف اشاره می‌کند، که برای اولین بار مفسر شهیر، علامۀ طباطبایی این نظر را بیان فرموده‌اند.

سومین نظر نیز از لحاظ لغوی به حروف مقطعه پرداخته است که با توجه به این که معنای مشخصی در زبان عربی ندارند، آن‌ها را راز و رمزی میان رسول و خدا می‌داند.

پاسخ فعالیت کلاسی، صفحه ۶۰:

دانش‌آموزان با عنوان «سوره‌های حوامیم» در درس قبل آشنا شده‌اند. با مراجعه به سوره‌های حوامیم (غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جائیه و احقاف)، می‌بینیم که بلافاصله پس از حروف مقطعه از مفاهیمی چون قرآن و وحی سخن به میان آمده است.

۲- قسم‌ها

در این بخش ابتدا به کارکرد «قسم» به عنوان ابزار تأکید و ایجاد اطمینان در مخاطب اشاره شده که استفاده از آن به عنوان یکی از اسلوب‌های بیانی در همه زبان‌ها و ملل، رواج دارد. از این رو، قرآن نیز که به زبان عربی نازل شده است، از اسلوب‌های رایج زبانی (که یکی از آن‌ها قسم می‌باشد) استفاده نموده است.

سپس به اهمیت و ضرورت پرداختن به این مسئله در قرآن و ذیل «علوم قرآنی» اشاره شده است و به دو نمونه از کارکردهای این موضوع در تفسیر اشاره رفته است؛ یکی همان کارکرد تأکید و ایجاد اطمینان در مخاطب که قلب شنونده را نرم می‌کند و دیگری اشاره به عظمت و اهمیت اموری که به آن‌ها قسم یاد شده است که با تفکر در آن‌ها، انسان را با حقایق نهفته در آن‌ها آشنا می‌کند.

پاسخ فعالیت کلاسی صفحه ۶۱:

سوره‌ها	مقسم به
سورة شمس	اجرام آسمانی
سورة بلد	برخی مکان‌ها
سورة لیل	برخی زمان‌ها
سورة ضحی	
سورة تین	برخی میوه‌ها

۳- حمد و تسبیح خداوند

سوره‌های حامدات و مسبحات نیز سوره‌هایی هستند که به تناسب آیات آغازین آن، به این نام‌ها مشهور شده‌اند. البته «حمد» با «تسبیح» به لحاظ معنایی با یکدیگر تفاوت دارند که به این تفاوت در متن اشاره شده و نمونه‌هایی از هر یک ارائه شده است.

پاسخ فعالیت کلاسی صفحه ۶۲:

این دو سوره با عبارت «تبارک...» آغاز شده‌اند:

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (فرقان/۱)
تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (ملک/۱)

«مبارک بودن خداوند» به معنای کثرت صدور خیرات و برکات از جانب اوست که این عبارت نیز به نوعی ثنا و ستایش پروردگار می‌باشد.

۴- خطاب یا پرسش

در این بخش، به دو کارکرد خطاب و پرسش اشاره شده است. خطاب و پرسش از آن‌جا که کارکردهای تقریباً یکسانی دارند، در کنار هم و ذیل یک شماره مطرح شده‌اند. اولین کارکرد این دو، جلب توجه مخاطبان نسبت به موضوعی است که پس از خطاب یا در پرسش، مطرح شده است تا مخاطب با دقت بیشتری به موضوع توجه کند. دومین کارکرد آن‌ها نیز تأکید بر مسئله‌ای است که پس از خطاب یا در پرسش مطرح شده است، تا تأثیر بیشتری را بر مخاطب بر جای گذارد. و سپس نمونه‌هایی از هر یک مطرح شده است.

پاسخ فعالیت «اندیشه و تحقیق»، صفحه ۶۳ :

عبارت «قُلْ» از آن‌جا که امر است، زمانی معنادار است که کسی خطاب قرار گرفته باشد و چیزی به او امر شود؛ از این رو، سوره‌های «چهار قل»، در دسته خطاب‌های قرآن جا می‌گیرند.

(و) پرسش‌های احتمالی دانش آموزان

۱- آیا در میان مباحث علوم قرآنی، در کنار «فواتح سور»، بحث «خواتم سور»؛ یعنی آنچه سوره با آن به پایان می‌رسد را نیز داریم؟

در کنار «فواتح سور»، پایان سوره‌های قرآن نیز مورد توجه دانشمندان علوم قرآنی قرار گرفته است که با عنوان «خواتم سور» یا «خواتیم سور» مشهور شده است. به طور کلی خواتم سوره‌های قرآن شامل مباحثی همچون ادعیه، وصایا، مواعظ، وعد و وعید و... است که در کتاب‌های علوم قرآن همچون «التمهید فی علوم القرآن» و «الاتقان فی علوم القرآن» به آن‌ها پرداخته شده است. از آن‌جا که بیان این مباحث در اهداف درس نبود، به آن اشاره‌ای نشد، فقط در پاورقی صفحه ۵۸ کتابی در این باره معرفی شده است: «الاعجاز القرآنی فی فواتح السور و خواتمها»

۲- مخاطب قرآن که حق را نمی‌پذیرد و اصلاً قرآن را قبول ندارد، قسم خوردن برای او چه فایده‌ای دارد؟

چنان‌که در متن کتاب و نیز بخش تحلیل محتوای درس اشاره شده است، «قسم» کارکردهایی دارد که یکی از آن‌ها ابزار تأکید و ایجاد اطمینان در مخاطب شمرده شده است.

در پاسخ به این سؤال به دو نکته باید توجه نمود:
الف) قسم، یک «اسلوب بیانی» است که گوینده برای تأکید بر مطلب خود از آن استفاده می‌کند، قرآن نیز که از اسلوب‌های بیانی گوناگون برای بیان مطالب خود استفاده نموده است، از این ابزار نیز به عنوان یکی از اسلوب‌های بیان، بهره برده است.

ب) مخاطب قرآن فقط منکران قرآن نیستند تا بگوییم استفاده از قسم برای آن‌ها بی‌فایده است (هر چند برای آن‌ها نیز بهره‌هایی دارد)؛ بلکه مؤمنان با درجات ایمان متفاوت، نیز مخاطبان قرآن – و حتی می‌توان گفت مخاطبان اصلی قرآن – هستند، استفاده از قسم آن‌هم از سوی خدا که به او ایمان دارند، موجب ایجاد انگیزه در آن‌ها و افزایش تأثیر پذیری ایشان از مطلب می‌شود.

ز) دانستنی‌های مهم

۱ چنان‌که در متن اشاره شده است، در بسیاری از مواقع بلافاصله پس از حروف مقطعه به مفهوم «وحي» و «قرآن» اشاره شده است؛ نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از:

سورة بقره: الم (۱) ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲)
سورة رعد: المر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ... (۱)
سورة ق: ق وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (۱)

البته باید توجه داشته باشیم که این نکته عمومیت نداشته و در پاره‌ای از موارد، چنین نیست و پس از حروف مقطعه از قرآن سخنی به میان نیامده است؛ مانند این آیه: سورة قلم: ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ
۲ جهت مطالعه در خصوص کارکرد تفسیری «حروف مقطعه»، مطالعه این مقاله توصیه می‌شود:
«حوزه معنایی حروف مقطعه در قرآن کریم»؛ سید مهدی لطفی، دوفصلنامه علمی – پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.

آغاز به پرسش در سیره ائمه نیز بسیار بوده و حتی به عنوان یک روش تربیتی نگریسته می‌شده است. در علم روان‌شناسی تربیتی دلایل شناختی بسیاری برای روش سؤالی در آموزش برشمرده‌اند. از این میان می‌توان به برانگیختن علاقه و کنجکاوی درباره موضوع مورد نظر، متمرکز نمودن توجه مخاطبان بر مفهوم یا موضوع خاص، اتخاذ رویکردی فعال در آموزش، فراهم‌سازی موقعیتی مناسب برای متریان جهت درونی‌سازی اطلاعات ارائه شده و اندیشیدن درباره آن‌ها اشاره نمود.

اهل بیت علیهم السلام گاه با طرح یک پرسش از مخاطب دست کم در این حد که آیا مایل است، مطلبی برای وی بیان شود، توجه او را به خود جلب می نمودند. به عنوان نمونه، در روایتی از امام سجاد علیه السلام، ایشان با طرح این پرسش که آیا مخاطبان از سخن اشقیا با اطرافیان خود پس از مرگ آگاهی دارند، توجه مخاطبان را جلب نموده و آنان را از این که روزی در آن مقام قرار گیرند، بر حذر می دارد: «آیا می دانید دشمن خداوند هنگامی که بر تابوت قرار دارد، چه می گوید؟ گفتند: خیر. فرمود: به افرادی که او را حمل می کنند می گوید: آیا سخن مرا نمی شنوید؟... شکایت می کنم از برادرانی که با آن ها برادری نمودم، اما مرا خوار کردند؛ شکایت می کنم...» (الکافی، ج ۳، ص ۲۳۴).

ایشان گاهی نیز مسائل را به گونه ای ابهام آلود برای مخاطبان مطرح می کردند تا با طرح پرسش در ذهن مخاطبان، توجه آنان را بیش از گذشته به موضوع جلب نمایند. به عنوان نمونه، در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ایشان با تعبیر مرگ به «هادم اللذات»، توجه مخاطبان را با طرحی پرسشی از سوی آن ها به مطلب مورد نظر جلب می نماید: «از نابودکننده لذت ها زیاد یاد کنید. از ایشان سؤال شد: ای رسول خدا! نابودکننده لذت ها چیست؟ حضرت فرمودند: مرگ...» (بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۶۷).

۲۳ فواتح سور منحصر در این چهارتا نیستند و موارد دیگری نیز هستند که در کتب علوم قرآنی بدان پرداخته شده است؛ مانند «جملات خبری»، «صیغه امر»، «دعا و نفرین» و... البته با توجه به این که طرح این مسائل ممکن است برای دانش آموزان سنگین باشد و شما را از اهداف اصلی درس دور کند، از طرح این مباحث در کلاس خودداری نمایید.

جمع قرآن

درس ۵

الف) اهداف درس

- ۱) آشنایی با اصطلاح «جمع قرآن» و تعریف آن به عنوان یک اصطلاح علوم قرآنی
- ۲) آشنایی با مهم ترین مراحل و ادوار تدوین سوره های قرآن
- ۳) معرفی مهم ترین نوشت افزارهای موجود در عصر نزول، از زبان قرآن

ب) توضیحات درس

درس «جمع قرآن» به منظور تبیین مراحل جمع و تدوین آیات و سوره های قرآن زیر نظر پیامبر تا تبدیل شدن به مصحفی واحد در کلیه بلاد اسلامی در تاریخ اسلام، تدوین شده است. محتوای درس در چهار بخش ارائه شده است:

ورودیۀ درس، سؤالی را در قالب یک شبهه مطرح می کند، که کل درس، از یک منظر پاسخ به این شبهه مشهور می باشد و از این رو، برای دانش آموزان نسبت به مطالعه درس ایجاد انگیزه می کند؛ چنان که در مقدمه کتاب یازدهم آمده است، ورودیه در هر درس با علامت سه ستاره از بخش اصلی مجزا شده است که پیش انگیزه ای برای دانش آموزان برای ورود به محتوا و هدف درس است.

بخش دوم، یادآوری پیش دانسته های دانش آموزان درباره محتوای درس می باشد که بخشی از محتوای لازم برای بیان اهداف درس را که در کتاب سال گذشته ارائه شده بود را یادآوری می نماید.

بخش سوم، به معرفی مهم ترین نوشت افزارها در عصر پیامبر که برای نوشتن آیات قرآن از آن ها استفاده می شد، پرداخته که خود از جمله اهداف مورد توجه در درس بوده است.

و بخش چهارم، مراحل و ادوار سه گانه گردآوری آیات و سوره های قرآن — از جمع آوری به روی صحیفه ها در عصر پیامبر تا تبدیل شدن به مصحفی واحد در امت اسلامی در زمان خلافت عثمان — را بیان می کند.

ج) پیش‌دانسته‌های دانش آموز

دانش‌آموزان پایه دهم رشته معارف، در درسی با عنوان «کتابت قرآن» (درس ششم)، با اصطلاحاتی چون «کتابت قرآن» و «کاتبان وحی» و نیز اهتمام پیامبر و اصحاب ایشان نسبت به ثبت و ضبط دقیق آیات قرآن تحت مدیریت شخص پیامبر آشنا شده‌اند. همچنین مشابه این مطلب - اهتمام بر ثبت آیات - در کتاب اصول عقائد پایه یازدهم نیز انعکاس یافته است که زمینه لازم برای ورود دانش‌آموزان به مطلب را فراهم می‌آورند.

د) ارتباط با درس قبل

پس از آن‌که در درس‌های سوم و چهارم، قرآن از منظر اجزای تشکیل‌دهنده آن مورد توجه قرار گرفته و مبحث «آیه» و «سوره» به عنوان اجزای تشکیل‌دهنده قرآن بررسی و تبیین گردید و «توقیفی بودن» سوره‌های قرآن مورد تأکید قرار گرفت؛ به این معنا که پیامبر اسلام، با نزول آیات، علاوه بر ترتیب آیات، محدوده هر سوره را نیز تعیین می‌کردند؛ آن‌گاه در این درس با تفصیل بیشتری به کیفیت این امر اشاره شده و نوشت افزارهایی که در این ثبت و ضبط مورد استفاده قرار می‌گرفت، معرفی می‌شوند.

در ادامه سیر تبدیل شدن این آیات و سوره‌ها از صحیفه‌ها به صورت یک مصحف کامل و در سال‌های بعد به صورت یک مصحف کامل و واحد در امت اسلامی مورد توجه و تبیین قرار گرفته است.

هـ) تحلیل محتوای درس

سؤالی در ورودیه درس مطرح شده است که :

چه شواهدی ثابت می‌کند، قرآنی که امروز در دست ماست، همان قرآنی است که بر پیامبر نازل شده است؟ پاسخ به این سؤال ابعاد گوناگونی دارد؛ یعنی شواهد گوناگونی بر این مطلب وجود دارد؛ عده‌ای با نگاه نقلی به موضوع می‌پردازند و از استدلالات موجود در قرآن (مثلاً آیات «۹/حجر» و «۴۱-۴۲/فصلت») و پاره‌ای از روایات، مبتنی بر عدم تحریف قرآن برای اثبات مطلب استفاده می‌کنند؛ عده‌ای دیگر با استفاده از براهین عقلی و عده‌ای نیز مبتنی بر شواهد تاریخی نسبت به موضوع استدلال می‌کنند.

درس حاضر با استفاده از شواهد مسلم تاریخی، مراحل تدوین قرآن از جمع‌آوری روی صحیفه‌ها تا تبدیل شدن به یک مصحف واحد در امت اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهد، تا عدم امکان تحریف در این کتاب آسمانی را از این منظر اثبات نماید.

این موضوع به دلیل فایده‌های کلامی و تأثیر آن در دفاع از حقانیت قرآن، مورد توجه دانشمندان علوم قرآنی قرار گرفته و ذیل سرفصلی با عنوان «جمع قرآن» یا «تاریخ قرآن» در کتاب‌های علوم قرآنی بدان پرداخته‌اند.

پس از ورودیه و یادآوری موضوع «کتابت قرآن» از سال گذشته برای دانش‌آموزان، اصطلاح «جمع قرآن» تعریف می‌شود:

گردآوری و تدوین آیات قرآن از روی این دو منبع (نسخه‌های متعدد مکتوب آن، با بهره‌مندی از حافظه حافظان قرآن) و ارائه آن به صورت یک کتاب کامل، «جمع قرآن» نامیده می‌شود در این تعریف، سه نکته اساسی وجود دارد:

۱ گردآوری آیات قرآن، مبتنی بر منبع و سندی مشخص انجام می‌شده است؛ این سند یا متن مکتوب نوشته شده از سوی کاتبان وحی بوده، یا حافظه حافظان بسیاری که با نزول قرآن، به تشویق پیامبر آیات قرآن را حفظ می‌کردند. همراهی و معاضدت این دو سند مکتوب و شفاهی، احتمال هرگونه خطا را از میان می‌برد.

۲ وجود نسخه‌های متعدد مکتوب زمانی امکان عملی می‌یافت که نوشت‌افزارهای کافی نزد مخاطبان قرآن وجود داشته باشد و گر نه در صورت عدم وجود این نوشت‌افزارها نمی‌توان از مکتوب شدن همه آیات قرآن اطمینان حاصل نمود. جالب است بدانیم برخی مستشرقان و معاندان برای القای شبهه در خصوص تحریف قرآن، این مطلب را عنوان می‌کنند که در عصر نزول، در شبه جزیره عربستان، ابزار نگارش به صورت بسیار محدود وجود داشته و امکان ثبت همه آیات وجود نداشت.

بخش دوم درس با هدف القای این شبهه، به معرفی تعدادی از نوشت‌افزارها می‌پردازد که خود قرآن به آن اشاره نموده و اشاره قرآن نشان می‌دهد این نوشت‌افزارها برای مردم شناخته شده بوده و در شبه جزیره که مهد نزول قرآن است، رواج داشته است.

۳ ارائه قرآن به صورت یک کتاب کامل، فرایند چند مرحله‌ای است که از گردآوری آیات از منابع آن آغاز شده و به کتاب شدن آن انجام می‌پذیرد. این مراحل که مراحل سه‌گانه جمع قرآن می‌باشند، در ادامه درس مورد تبیین و تفصیل قرار می‌گیرند.

پس از این تعریف، با توجه به سیری که بیان شد، نوشت‌افزارها در عصر نزول معرفی می‌شوند. این نوشت‌افزارها در قالب یک فعالیت با مراجعه دانش‌آموزان به قرآن‌های مترجم انجام می‌گیرد که تأثیر بیشتری در فراگیری مطلب دارد؛ از همکاران محترم درخواست می‌شود که پاسخ را مستقیم برای دانش‌آموزان مطرح ننموده تا خود با مراجعه و فحوص در آیه به پاسخ برسند. این فعالیت به صورت ضمنی این مطلب را القاء می‌کند که قرآن، خود موثق‌ترین منبعی است که می‌تواند به نوشت‌افزارهای عصر نزول که یکی از کارکردهای آن‌ها برای ثبت و ضبط همین آیات بوده است، اشاره نماید. پاسخ این فعالیت برای اطلاع شما همکاران محترم تقدیم می‌گردد:

نام نوشت افزار	ترجمه فارسی
قلم	قلم (قطعه نی یا چیزی شبیه به آن)
مداد	مرکب
صُحف	جمع صحیفه (هر چیزی که بر آن می نویسند)
قرطاس	کاغذ، صفحه
کتاب	نامه، کتاب، متنی مکتوب
رِق	ورق، صفحه، طومار

در ادامه مراحل سه گانه جمع قرآن که تعریف آن گذشت، تفصیل می یابد؛ هر یک از این مراحل متناسب با خروجی آن از مرحله قبل تفکیک می گردد؛ این مراحل در نمودار زیر در یک نگاه نشان داده شده است :

گردآوری سوره ها در عصر پیامبر

از آن جا که تا زمان حیات رسول خدا هنوز احتمال نزول آیات وجود داشت، قرآن به صورت ارائه نشده و بر صحیفه ها (ورق های کاغذی، پوستی و...) وجود داشت.

گردآوری سوره ها به صورت یک مصحف پس از رحلت رسول خدا ﷺ

همت صحابه مختلف در مرتب نمودن سوره های قرآن (به میزان دانش و شایستگی خود) موجب اختلاف در ترتیب سوره ها و اختلاف در نحوه قرائت برخی عبارات گردید.

توحید مصاحف در عصر خلافت عثمان

مصحف های موجود با مشورت اصحاب بزرگ پیامبر یکسان و قرآن در قالب یک مصحف مورد پذیرش همگان تنظیم و به بلاد ارسال شد.

در پایان این قسمت، ممکن است این پرسش برای دانش‌آموزان به وجود بیاید که اگر قرآن در زمان عثمان و با مشورت بزرگان صحابه تنظیم شده باشد، از آن‌جا که مدیریت کار در اختیار امام علی (ع) نبود، از کجا معلوم می‌شود که ایشان و ائمه (ع) پس از ایشان نسبت به توحید مصاحف رضایت کامل داشته و همین قرآن را به عنوان قرآن نازل شده از سوی خدا پذیرفته‌اند؟

پاسخ به این سؤال، در بخش «اندیشه و تحقیق» بی‌گیری می‌شود. چنان‌که در مقدمه کتاب نیز آمده است، این بخش در منزل توسط دانش‌آموزان انجام می‌پذیرد. در این بخش، دانش‌آموزان با این سیره کلی در زندگی اهل بیت آشنا می‌شوند که ایشان همواره شیعیان را به قرآنی که در میان مردم رایج است و نسل در نسل آن را فرا گرفته‌اند، ارجاع می‌داده‌اند؛ همین امر نشان از تأیید قرآنی است که حاصل از توحید مصاحف می‌باشد؛ اگر در آیات و سوره‌های قرآن تحریفی صورت گرفته بود، هیچ‌گاه ایشان ساکت نمی‌نشستند و به ضلالت امت اسلامی رضایت نمی‌دادند.

(و) دانستنی‌های ضروری

۱ در تدریس این درس، محتوا را مطابق با آنچه در کتاب آمده است، تدریس نمایید و از ارائه اطلاعات اضافی که ممکن است برای دانش‌آموزان ایجاد شبهه نماید، اجتناب کنید؛ مثلاً، در بیان مراحل تدوین قرآن، اشاره به برخی نقل‌های تاریخی مبنی بر این‌که امام علی (ع) سوره‌های قرآن را بر اساس ترتیب نزول جمع‌آوری نموده و به همراه تأویل برخی آیات آماده و به خلیفه اول ارائه نموده و دستگاه خلافت آن را پذیرفته است، ممکن است شبهاتی برای دانش‌آموزان ایجاد نماید که اگر چنین است، پس قرآن واقعی آن قرآن بوده که شخصی مانند امام علی (ع) جمع‌آوری نموده و ممکن است در این قرآن رایج که حاصل توحید مصاحف در زمان عثمان است، تحریفاتی رخ داده باشد.

۲ درباره مراحل گردآوری آیات قرآن اختلافاتی در میان مفسران و دانشمندان علوم قرآنی وجود دارد که به هیچ وجه نیاز به طرح این اختلافات در کلاس نیست و حتی اگر دانش‌آموزانی بر اساس مطالعات شخصی از این اختلاف نظرها پرسش نمودند، به دلیل ضیق وقت در تدریس همین محتوا، ضرورتی برای پرداختن به این مسائل وجود ندارد. اختلاف نظر میان دانشمندان به دلیل اعتماد عده‌ای از ایشان به برخی نقل‌های تاریخی و تضعیف همین نقل‌ها از سوی عده‌ای دیگر رخ می‌دهد.

درس ۶

تعلیم قرآن در سیره پیامبر ﷺ

الف) اهداف درس

- ۱ آشنایی با روش «اقرء» در آموزش قرآن به عنوان روش تعلیمی پیامبر اسلام
- ۲ معرفی ویژگی‌های «اقرء» در سیره پیامبر اسلام ﷺ
- ۳ اشاره به آموزش مستقیم و غیرمستقیم قرآن (از طریق شاگردان) در سیره نبوی

ب) توضیحات درس

این درس، دانش‌آموزان را با برنامه و شیوه پیامبر اسلام در تعلیم قرآن آشنا می‌نماید. محتوای درس در چهار بخش ارائه شده است:

ورودیۀ درس، با استناد به آیه ۱۶۴ سوره آل عمران، آموزش قرآن را به عنوان وظیفه‌ای الهی برای پیامبر اسلام ﷺ مطرح نموده و در ادامه، اهتمام پیامبر اسلام در رساندن آیات روح بخش قرآن به گوش رهگذران و مخاطبان خود برای ایجاد انگیزه و جذب ایشان به سوی این کتاب آسمانی مورد تأکید قرار می‌گیرد. بخش دوم «اقرء» را به عنوان روش آموزشی پیامبر اسلام معرفی نموده و کیفیت آن را تبیین می‌نماید. بخش سوم با تفصیل بیشتری به تبیین روش «اقرء» پرداخته و سه اصل مهم در این روش را تحت عنوان «ویژگی‌های اقرء در سیره پیامبر» توضیح می‌دهد.

بخش چهارم با اشاره به افزایش روز افزون تعداد مسلمانان، به تدبیر پیامبر برای آموزش قرآن به مسلمانان دور و نزدیک از طریق تربیت شاگردانی برای این خصوص اشاره می‌کند. بخش‌های دوم تا چهارم، هر یک به یکی از اهداف اصلی درس اشاره نموده و ناظر به آن نگاشته شده است.

ج) پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز

دانش‌آموزان تاکنون مطلبی در خصوص شیوه آموزشی پیامبر در تعلیم قرآن در درس‌های قبلی نداشتند.

د) ارتباط با درس قبل

از آن جا که دانش آموزان در درس پیش، با کیفیت و مراحل تنظیم آیات و سوره های قرآن به صورت مکتوب زیر نظر پیامبر اسلام آشنا شدند، و اهتمام پیامبر در حفظ و نگه داری آیات این کتاب آسمانی را دریافتند، در این درس با تلاشی دیگر از سوی پیامبر برای توسعه و ترویج آیات قرآن آشنا می شوند تا با اهتمام بر تعلیم قرآن، آیات آن در دسترس همگان قرار گرفته و با فراگیری آن، در سینه ها محفوظ گردد و همگان از هدایت آیات نورانی قرآن بهره مند گردند.

ه) تحلیل محتوای درس

ورودیۀ درس با استناد به یکی از آیات مشهور که بیشتر دانش آموزان آن را شنیده اند، تعلیم قرآن را به عنوان یکی از مهم ترین وظایف رسول خدا مطرح نموده و با ایجاد مسئله نسبت به چگونگی این تعلیم، ذهن ها را برای ورود به موضوع اصلی درس آماده می سازد.

از آن جایی که هر برنامه تعلیمی، نیاز به انگیزش مخاطب و جلب انگیزه ایشان نسبت به یادگیری محتوا دارد، در ادامه درس برنامه انگیزشی پیامبر اسلام برای جلب توجه مسلمانان و اطرافیان خود و حتی رهگذران و مسافران نسبت به آیات نورانی قرآن مورد توجه و اشاره قرار گرفته است. پیامبر اسلام متناسب با وضعیت مخاطبان خود، به این امر همت می گماشتند. عده ای را با تشویق زبانی و عده ای را نیز از طریق رساندن آیات روح بخش قرآن به گوش آن ها.

پس از ایجاد انگیزۀ لازم در مخاطب، برنامه تعلیمی پیامبر که در درس با عنوان «اقرء» معرفی شده است، اجرا می گردید. بخش بعدی درس، این روش را تعریف و کیفیت آن را در قالب بیان ویژگی های سه گانه «اقرء» تفصیل می دهد. ویژگی اول «قرائت آرام همراه با مکث»، بخش روان خوانی آیات را برای مخاطب تقویت نموده، ویژگی دوم «قرائت همراه با توجه و تدبّر»، بخش فهم معانی آیات را برای مخاطب به دنبال داشته تا در مجموع، دو گام مهم انس با قرآن که پیش از این با آن آشنا شدیم، تحقق یابد. ویژگی سوم نیز ناظر به اصل تدریج در آموزش می باشد که تأکید می نماید برای ارتقای یادگیری (چه یادگیری قرائت و چه فهم معانی آیات)، تعلیم باید به تدریج و در چند مرحله اتفاق بیفتد.

پاسخ فعالیت کلاسی، صفحه ۸۷ :

بر اساس روایت، حق تلاوت، توقف در آیات شمرده شده است که این توقف، زمینه توجه و تدبّر در آیات را بیش از پیش فراهم می آورد که این مسئله در حدیث پایانی صفحه ۸۶ نیز تأکید شده است.

در پایان درس نیز شبکهٔ تعلیم قرآن در عصر پیامبر مبتنی بر شیوهٔ آموزشی «اقرء» معرفی می‌گردد. پس از اقرء پیامبر، اصحاب و شاگردانی که استعداد و توانایی بیشتری داشتند، آیاتی که از پیامبر فراگرفته بودند را با استفاده از همین شیوه به دیگر مسلمانان دور و نزدیک آموزش می‌دادند.

پاسخ فعالیت کلاسی، صفحهٔ ۸۹ :

دانش‌آموزان با پرداختن به پرسش دوم، خود به صورت عملی پاسخ سؤال اول را دریافت می‌کنند. اگر الگوی اقرء نبود و آموزش مبتنی بر متن اتفاق می‌افتاد، هر کس ممکن بود در خواندن آیات اشتباه عمل کند و حتی معنا در نادرست خواندن اعراب عوض شود. اتفاقاً وقتی فرد از طریق استماع آیات، نحوهٔ قرائت آیات را می‌آموزد، هنگامی که با متن بدون اعراب و نقطه روبه‌رو می‌شود، با دقت بیشتر و فعال‌تری با متن روبه‌رو شده و متن ماندگاری ذهنی بیشتری برای او خواهد داشت.

(و) دانستنی‌های مهم

۱ با توجه به این که در ورودیهٔ درس با اشاره به موضوع «آموزش قرآن» از کلاس درس و برنامهٔ آموزشی سخن به میان آمده است و در مقابل آن، نحوهٔ آموزش قرآن در عصر پیامبر قرار گرفته است، نباید این تلقی ایجاد شود که آموزش قرآن در عصر پیامبر بدون نظم و برنامهٔ خاصی انجام می‌گرفته و سازمان‌مند نبوده است؛ بلکه چنان که در ادامهٔ درس می‌آید، مبتنی بر روایات تاریخی، این آموزش ساختار و کیفیت دقیق و مشخصی داشته است.

۲ چنان که در اوایل آمده است، پیامبر اسلام ﷺ ابتدا با تشویق یاران خود و نیز با رساندن آیات زیبا و پر معنای آیات قرآن به گوش رهگذران و مسافران، در آن‌ها تشنگی لازم برای فراگیری کلام الهی را ایجاد و سپس الگوی آموزشی خود «اقرء» را اجرا می‌نمودند؛ ایجاد انگیزه برای مخاطب قبل از آموزش، یک اصل اساسی است که همواره در سیرهٔ اهل بیت مورد توجه بوده است. برای مطالعهٔ بیشتر در این خصوص می‌توانید به این منبع مراجعه نمایید :

کتاب «نگرشی بر آموزش»، اثر سیدعلی حسینی‌زاده، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۳ یک مربی تربیتی می‌بایست متناسب با وضعیت مخاطبان خود، در هر یک دغدغه‌های لازم برای حضور در محضر تعلیم را ایجاد نماید؛ چنان که پیامبر اسلام، مسلمانانی که ایشان را به پیامبری پذیرفته بودند و قول او را قول خدا و عمل به فرمان خدا می‌دانستند، از طریق سخنان تشویقی و انگیزشی (مانند روایت : خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ) و نیز افرادی که او را به عنوان پیامبر نمی‌شناختند را از طریق رساندن آیات پر مغز قرآن به گوش ایشان — تا با درک فصاحت و بلاغت کلام، خود مجذوب کلام گردند — به سوی قرآن جذب می‌کردند.

۴ یکی دیگر از مهم‌ترین اصول تربیتی، استفاده از فرصت‌های پیش آمده برای تربیت است؛ شاید برای شما پیش آمده باشد که در موقعیتی قرار بگیرید که پیشامدی رخ می‌دهد و شما از آن پیشامد برای بیان یک نکته تربیتی به دانش‌آموزان استفاده می‌کنید، شما از قبل این پیشامد را پیش‌بینی نمی‌کردید و اصلاً شاید در صدد بیان نکته تربیتی نبودید، اما با رخداد آن، از فرصت به دست آمده برای بیان مطلب تربیتی مورد نظر خود استفاده کرده‌اید و اتفاقاً بیشترین تأثیر را روی دانش‌آموزان داشته است.

به عنوان نمونه، یک معلم علوم را تصور کنید که در حال توضیح نظم و ارتباط دقیق میان اعضای بدن با استفاده از اصطلاحات علمی است، که وقتی شگفتی دانش‌آموزان یا دانشجویان را می‌بیند، مطلب را به قدرت خدا در خلق یک چنین شگفتی پیوند می‌زند.

این اصل به عنوان «اصل استفاده از فرصت‌ها» در تربیت مطرح می‌گردد که مربی را به استفاده از فرصت‌ها با خلق فرصت‌های جدید فرا می‌خواند. پیامبر اسلام نیز از هر فرصتی برای جذب مخاطبان خود استفاده می‌نمودند. چنان‌که در متن اشاره شده، ایشان در کنار خانه خدا می‌نشستند و قرآن تلاوت می‌نمودند تا این چنین از فرصت ایجاد شده از حضور مسافران برای جذب ایشان به قرآن استفاده کنند.

۵ مفهوم «اِقرأ» ریشه قرآنی نیز دارد؛ اما این واژه در قرآن، با معنایی تا حدودی متفاوت از معنای ارائه شده در درس کاربرد یافته است. در آیه ششم سورة اعلی می‌خوانیم: «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَى»؛ ما (قرآن را) بر تو خواهیم خواند و تو هرگز آن را فراموش نمی‌کنی.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌نویسد: «اِقرأ در این آیه، به معنای اِقرأ معمول نیست که استاد گوش بدهد و غلط‌های شاگرد را تصحیح کند، یا جایی که خوب نخوانده خوب خواندن را به او بیاموزد؛ چرا که چنین چیزی از رسول خدا ﷺ سابقه نداشته و معهود نیست که چیزی از قرآن را خوانده باشد و چون به علت فراموشی خوب نخوانده، یا به غلط خوانده، خدای تعالی فرموده باشد تو بخوان و من گوش می‌دهم، تا درست خواندن را به تو یاد دهم؛ بلکه منظور از اِقرأ در این جا این است که ما چنین قدرتی به تو می‌دهیم که درست بخوانی و خوب بخوانی و آن طور که نازل شده و بدون کم و کاست و غلط بخوانی و خلاصه آن چه را که نازل شده فراموش نکنی».^۱

بر این اساس، علامه عسکری در کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» که منبع اصلی تدوین این درس نیز می‌باشد، اقراء را بر سه نوع می‌داند :

الف) اقراء خداوند برای پیامبر ﷺ

ب) اقراء پیامبر ﷺ برای مردم

ج) اقراء مؤمنان نسبت به یکدیگر

علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه بیشتر به این کتاب مراجعه نمایند.

۶) برآیند ویژگی‌های سه‌گانه‌ای که برای روش آموزشی «اقراء» بیان شد، نشان می‌دهد که در این روش، هر دو بخش روان‌خوانی و فهم معانی مورد توجه است و هیچ‌کدام فدای دیگری نمی‌گردد؛ هم تلاوت حروف و کلمات به صورت واضح و روشن مورد اهمیت است و هم تدبیر در آیاتی که تلاوت می‌گردد، تأکید شده است. همان‌گونه که در درس نیز اشاره شده است، پیامبر در مقام آموزش قرآن، آیات را با توجه قلبی به مضامین آن‌ها تلاوت می‌نمودند و این حالت را نیز به مخاطب منتقل می‌نمودند؛ تا افراد تحت تأثیر سیره عملی و الگویی ایشان، آیات را این‌گونه قرائت نمایند.

۷) روش آموزشی «اقراء»، یک روش تعاملی بوده و چنان‌که در درس نیز اشاره شده است، پس از اقراء استاد، شاگرد آموخته‌های خود را بر استاد عرضه می‌نماید تا أحياناً اگر خطایی وجود داشته اصلاح کند؛ بنابراین، اگر استاد به صورت یک‌طرفه، آیات را بر شاگرد بخواند، «اقراء» نیست.

ترجمه قرآن

درس ۷

الف) اهداف درس

- ۱ آشنایی با موضوع «ترجمه قرآن» و تعریف آن؛ به عنوان یکی از موضوعات علوم قرآن
- ۲ بیان ضرورت ترجمه قرآن برای انتقال معنا و مفهوم یک متن برای غیر عرب‌زبانان
- ۳ آشنایی اجمالی با ادله موافقان و مخالفان ترجمه قرآن
- ۴ معرفی انواع سه‌گانه ترجمه قرآن (تحت‌اللفظی، روان و تفسیری)
- ۵ معرفی شرایط یک مترجم قرآن (یا معیارهای ترجمه صحیح)

ب) توضیحات درس

این درس و درس بعد دانش‌آموزان را با قالب‌هایی که فهم یک فرد از قرآن در آن قالب‌ها برای دیگران بیان می‌شود، آشنا می‌سازد. ترجمه، یکی از این قالب‌هاست که فرد برای بیان فهم خود از آیه برای دیگران استفاده می‌کند. در این درس، ابتدا دانش‌آموزان با تعریف ترجمه و ضرورت عقلی آن برای انتقال معنا و مفهوم از یک زبان به زبان دوم آشنا می‌شوند.

سپس این موضوع در خصوص قرآن که معانی عمیق و دقیقی دارد، به چالش کشیده می‌شود و این سؤال مطرح می‌شود: آیات قرآن معانی عمیق و فراوانی را در خود جای داده که در ترجمه، این معانی عمیق قابل انتقال نیست؛ آیا ترجمه قرآن کاری پسندیده است، یا باید از آن اجتناب نمود؟ در ادامه، ادله موافقان و مخالفان ترجمه مطرح گشته، تا پاسخ به سؤال بالا روشن گردد.

سپس انواع سه‌گانه ترجمه قرآن و کیفیت و ویژگی‌های هر یک برای دانش‌آموزان تبیین شده، تا دانش‌آموزان با مهم‌ترین رویکردهای موجود در این زمینه آشنا شوند. در پایان نیز برای آن که دانش‌آموزان تا حدودی با معیارهای یک ترجمه صحیح آشنا شوند، شرایط سه‌گانه یک مترجم که می‌تواند ترجمه صحیحی از قرآن ارائه نماید، تبیین شده است.

ج) پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز

۱ ورودیۀ درس (قبل از علامت ***)، برگرفته از مطالب درس نهم کتاب علوم و معارف قرآن کریم، پایه دهم می‌باشد که در آن، دانش‌آموزان فهم معنای ظاهری آیات قرآن را به عنوان یکی از مراحل اساسی انس با قرآن پذیرفته‌اند. در ادامه، در راستای رسیدن به این هدف، ترجمه به عنوان ابزار و قالبی برای بیان معانی ظاهر قرآن معرفی می‌گردد و این درحالی است که دانش‌آموزان پیش از این، ترجمه را به عنوان ابزار و قالبی برای بیان مفاهیم آیات قرآن به زبان فارسی شناخته‌اند و در درس‌های گوناگون برای خواندن مفهوم یک آیه، ترجمۀ آن را مطالعه نموده‌اند و از این جهت، با ضرورت مقوله‌ای مانند ترجمه تا اندازه‌ای آگاه هستند و چنان‌که در درس نیز اشاره شده است، استفاده از ترجمه را برای بیان یک مفهوم به غیر اهل آن زبان، به طور پیش‌فرض بدیهی می‌شمارند. از این رو، با توجه به این پیش‌فرض ذهنی دانش‌آموزان، تدریس بخش‌های اول درس (مربوط به اهداف اول تا سوم) و پذیرش استدلال‌های مطرح شده در ادله موافقان ترجمه از سوی دانش‌آموزان، دشواری خاصی نخواهد داشت.

۲ در تدریس این درس، لازم است توجه داشته باشیم که مقدمۀ بحث از ترجمۀ قرآن، پذیرش این مطلب است که «قرآن قابل فهم است»؛ چرا که اگر قابل فهم نباشد، انتقال معنای آن به زبان مقصد غیر ممکن می‌شود (چیزی نفهمیدیم تا آن را به زبان دیگر بیان کنیم). در خصوص قابل فهم بودن قرآن، بحث مفصلی در درس هشتم کتاب سال گذشته مطرح شد که برای مطالعه بیشتر می‌توان به آن مراجعه نمود.

۳ در خصوص قسمت «انواع ترجمۀ قرآن» لازم به ذکر است، نمونه‌هایی که دانش‌آموزان تاکنون در این کتاب و سایر کتاب‌های درسی از ترجمۀ آیات مطالعه نموده‌اند، نوع دوم ترجمه یعنی ترجمۀ روان می‌باشد. به بیان دیگر، به هنگام ترجمۀ یک آیه در کتاب‌های درسی، از ترجمۀ روان استفاده شده است و از این جهت دانش‌آموزان با این نوع ترجمه، انس بیشتری دارند و دو نوع دیگر برای ایشان جدید می‌باشد.

۴ در پایان درس، برای انجام فعالیت کلاسی (مقایسه سختی ترجمه یا تفسیر)، دانش‌آموزان شرایط مورد نیاز یک مفسر برای تفسیر را در درس دهم کتاب سال گذشته خوانده‌اند که بر آن اساس می‌توانند به این فعالیت پاسخ‌گو باشند.

د) ارتباط با درس قبل

پس از آن که در درس قبل، چگونگی «تعلیم قرآن به مسلمانان توسط پیامبر و اصحاب ایشان» به منظور بهره‌مندی همگان از هدایت این کتاب آسمانی، تبیین گردید، در این درس بر این مسئله تأکید می‌گردد که لازمه بهره‌مندی همگان از هدایت این کتاب آسمانی، فهم معانی آیات آن است تا این فهم، مقدمه عمل به دستورات قرآن قرار گیرد.

یکی از راه‌هایی که برای فهم قرآن وجود دارد، «مراجعة به ترجمه قرآن» برای افرادی است که با زبان عربی آشنایی کافی ندارند. این درس ضرورت این مراجعه و انواع ترجمه‌های موجود به زبان فارسی را برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان به تفصیل توضیح می‌دهد و تأکید می‌نماید که به خاطر همین ضرورت، موضوع «ترجمه» از جمله دغدغه دانشمندان علوم قرآنی قرار گرفته است که در کتاب‌های خود فصلی را به آن اختصاص داده‌اند.

ه) تحلیل محتوای درس

از درس هفتم که اولین درس از نیمه دوم کتاب به شمار می‌آید، فضای جدیدی برای دانش‌آموزان ایجاد می‌شود و سنخ مباحث کتاب تا حدودی متفاوت می‌شود. از این درس به بعد، دروس کتاب به هدف اصلی از ارائه مباحث علوم قرآن، یعنی «فهم آیات» پرداخته و در این راستا، موضوع «ترجمه» و «تفسیر» به عنوان قالب‌هایی برای ارائه فهم از قرآن کریم و انتقال فهم به دیگران تبیین می‌گردند. سپس دانش‌آموزان در چهار درس پایانی کتاب به صورت عملیاتی و کارگاهی، به فهم قرآن ورود پیدا کرده و خود با استفاده از ابزارهایی که فراگرفته‌اند، فهم از قرآن را تجربه می‌کنند.

ورودیۀ این درس، چنان که گذشت، از یکی از پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان برای بیان ضرورت فهم معانی آیات قرآن جهت بهره‌مندی از هدایت قرآن استفاده می‌کند و در ادامه یکی از راه‌های فهم معانی آیات را مراجعه به ترجمه‌های موجود معرفی می‌نماید.

سپس به مناسبت موضوع و هدف درس، اصطلاح «ترجمه» تعریف و به ضرورت آن به عنوان مسیر انتقال دانش اشاره می‌گردد.

تا این‌جا بحث از ترجمه به صورت عمومی و صرف نظر از این‌که متن مبدأ چه باشد، مطرح شد تا دانش‌آموزان با ضرورت عقلی ترجمه آشنا گردند. در ادامه، موضوع ترجمه ناظر به قرآن به عنوان متن مبدأ مطرح شده و بر ضرورت ترجمه قرآن به دلیل ضرورت بهره‌مندی همه مسلمانان از کشورها با زبان‌های گوناگون از هدایت این کتاب آسمانی تأکید شده است.

حال که از ترجمه قرآن به عنوان یک کتاب آسمانی سخن به میان آمد، این سؤال اساسی پیش از ورود به مباحث خودنمایی می کند :

قرآن معجزه الهی و دربردارنده معانی بسیار عمیقی است. آیا اصلاً بیان معانی و پیام های قرآن به زبان دیگر امکان پذیر است؟ آیا ترجمه، معانی عمیق آیات را ناقص و نارسا منتقل نخواهد کرد؟

این پرسش همواره میان مفسران و دانشمندان علوم قرآنی مطرح بوده و در ابتدای درس با رنگ سبز مشخص شده است. برای پاسخ به آن، ادله مخالفان ترجمه قرآن مطرح و در نقطه مقابل آن، ادله موافقان ترجمه مطرح می گردد. در این جا دانش آموزان با توجه به نکاتی که در ضرورت اصل ترجمه خوانده اند و نیز مقایسه میان ادله مخالفان و موافقان خود مسیر صحیح را می یابند.

هر یک از ادله موافقان پاسخ به یکی از ادله مخالفان است که ایجاد ارتباط میان این دو در فعالیت کلاسی صفحه ۱۰۰ به عهده دانش آموزان گذاشته شده تا با تمرین آن، مبحث پراشان روشن تر شود. پاسخ فعالیت به این صورت است :

چالش اول	پاسخ اول ناظر به این چالش مطرح شده است
چالش دوم	پاسخ سوم ناظر به این چالش مطرح شده است
چالش سوم	پاسخ دوم ناظر به این چالش مطرح شده است

حال که ضرورت و نیز امکان ترجمه قرآن برای دانش آموزان روشن شد، در ادامه درس به صورت تخصصی وارد موضوع ترجمه قرآن شده و مهم ترین انواع آن در کتاب های علوم قرآنی برای ایشان تبیین می گردد. انواع بیان شده با توجه به رویکرد هر یک از مترجمان با یکدیگر تفاوت دارند. برخی در ترجمه به صورت تحت اللفظی عمل می کنند (ترجمه تحت اللفظی)، برخی هر جمله از عبارات عربی قرآن را به صورت یک جمله با ادبیات روان در زبان مقصد ترجمه می کنند (ترجمه روان) و برخی نیز برای آشنایی بیشتر خواننده با معنا، تفسیر اجمالی و مختصر از عبارات قرآن نیز ارائه می نمایند (ترجمه تفسیری).

این انواع سه گانه به همراه نمونه ای از هر کدام و معرفی یکی از مترجمانی که به این صورت قرآن را ترجمه کرده است در درس ارائه شده است و در ذیل هر قسمت، نقطه قوت آن ترجمه نیز ذکر شده است؛ در ترجمه تحت اللفظی، مخاطب با معانی الفاظ قرآن به صورت دقیق آشنا می شود. در ترجمه روان، مخاطب معنای جملات قرآن را به صورت جملاتی روان مطالعه می کند و در ترجمه تفسیری، مخاطب با تفسیر مختصری از آیات نیز آشنا می شود.

پس از پایان این بخش، فعالیتی با هدف مقایسه میان این انواع سه گانه و درک تفاوت‌های آن‌ها طراحی شده است. روشن است که اگر در یک جمله استعاره یا مجاز به کار رفته باشد، برای درک معنای آن استعاره یا مجاز، ترجمه تحت‌اللفظی مناسب نیست و باید به ترجمه‌های روان یا تفسیری مراجعه نمود. عبارات دارای استعاره و مجاز در معنای تحت‌اللفظی خود به کار نرفته و مفهوم دیگری از مجموع آن اراده شده است که از این رو، ترجمه تحت‌اللفظی برای رساندن معنای آن مناسب نخواهد بود. نمونه‌ای از استعاره در آیه ۲۹ سوره اسراء ذیل بخش «ترجمه روان» ارائه شده است که می‌بینیم ترجمه تحت‌اللفظی آقای محمد کاظم معزی، از عبارت «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ»، معنا و مفهوم آن را به خوبی نشان نمی‌دهد: «و نگردان دستت را بسته به گردنت»؛ در این گونه موارد تنها ترجمه روان یا تفسیری است که معنا را می‌رساند؛ عبارت فوق استعاره از ترک انفاق و بخشش است.

پس از آن که دانش‌آموزان موضوع ترجمه و انواع رایج آن را شناختند، در ادامه درس کسی که می‌خواهد این ترجمه را انجام بدهد مورد توجه قرار گرفته و شرایط و ویژگی‌های یک «مترجم قرآن» بررسی می‌گردد. از آن جایی که ترجمه، انتقال معنا از زبان مبدأ به زبان مقصد است؛ لذا بدیهی است که مترجم باید بر زبان مبدأ (عربی) و زبان مقصد (فارسی یا...) مسلط باشد (ویژگی‌های اول و دوم در درس).

در خصوص قرآن، از آن جا که برای فهم دقیق معنا ابزارها و شرایط دیگری نیز مورد نیاز است – که دانش‌آموزان با تعدادی از آن‌ها مانند مکی و مدنی، اسباب‌النزول، طهارت باطنی و... در سال گذشته آشنا شدند – لذا یک مترجم پیش از آن که مترجم باشد، باید مفسر باشد و با بینشی تفسیری به سراغ فهم آیات برود (ویژگی سوم در درس).

دانش‌آموزان ابزارها و شرایط مورد نیاز یک مفسر را در درس دوازدهم کتاب سال قبل خوانده‌اند (طهارت باطنی و کسب علوم مورد نیاز مانند لغت، اسباب‌النزول و...) که این موارد در فعالیت پایانی درس مرور می‌گردند.

بر اساس این اطلاعات، حال دانش‌آموزان می‌توانند میان ترجمه و تفسیر مقایسه کنند که کدام یک سخت‌ترند؟ در نگاه اول به نظر می‌رسد تفسیر به دلیل حجم بیشتر سخت‌تر باشد، اما با نگاهی دقیق‌تر می‌بینیم که یک مترجم نه تنها برای فهم دقیق آیات، باید شرایط یک مفسر را دارا باشد؛ بلکه باید بتواند مفاهیم عمیق آیات را در عبارات کوتاه بیان کند؛ این محدودیت برای مترجم، محدودیتی است که یک مفسر آن را ندارد؛ و لذا شاید بتوان گفت کار مترجم از جهاتی نسبت به کار مفسر سخت‌تر است.

۱ بحث از «ضرورت ترجمه قرآن» یا «اصل ترجمه‌پذیری قرآن» که در ابتدای درس مطرح شده است، خیلی دغدغه دانش‌آموزان نیست و بعید است کسی با ترجمه شدن قرآن، یا حتی ضرورت آن مشکلی داشته باشد؛ بلکه این بحث از این جهت مطرح شده است که یکی از مباحث مهم در علوم قرآن است و در کتب علوم قرآن همواره این بحث‌ها معرکه آراء دانشمندان و مفسران بوده است، لازم است دانش‌آموزان اطلاعاتی در این خصوص داشته باشند تا بتوانند پاسخ‌گوی شبهات احتمالی در این زمینه باشند، اما از آن جایی که بحث، چندان کاربردی و دغدغه دانش‌آموزان نیست، لازم نیست روی آن خیلی مانور داده شود.

۲ در تعریف «ترجمه» آمده است: «انتقال معنا از یک زبان... به گونه‌ای که مخاطب همان پیام و اثری را دریافت کند که در زبان مبدأ وجود دارد».

ممکن دانش‌آموزان این اشکال را مطرح نمایند که متن عربی قرآن، جذبه روحی و نظم آهنگی دارد که به هیچ وجه در متن ترجمه شده فارسی یا هر زبان دیگری مشاهده نمی‌شود، پس اثری که در زبان عربی قرآن وجود دارد، هیچ‌گاه به مخاطب منتقل نمی‌شود.

این اشکال – که البته مخالفان ترجمه قرآن نیز آن را مطرح نموده‌اند – در جای خودش صحیح است، اما باید توجه داشت که در این تعریف، ما حالت ایده‌آل را مطرح نمودیم که ترجمه هر چه در انتقال تأثیر موجود در زبان مبدأ به زبان مقصد موفق تر باشد، ترجمه دقیق‌تری است و مترجم باید تلاش کند که این تأثیر را تا حد ممکن منتقل نماید؛ اما می‌دانیم که انتقال بخشی از این تأثیر در هر حال غیر ممکن است. از این رو، تأکید می‌شود که ترجمه همواره در کنار متن عربی قرآن ارائه گردد تا مخاطب از عبارات عربی قرآن نیز بهره‌مند گردد.

این سخن در خصوص انتقال معنای زبان مبدأ (قرآن) به زبان مقصد (مثلاً فارسی) نیز صادق است. ترجمه هر چه در انتقال دقیق‌تر معنا موفق‌تر عمل کند، ترجمه دقیق‌تری است.

۳ با توجه به آنچه گذشت، ارائه یا انتشار ترجمه قرآن به صورت مستقل – بدون عبارت عربی قرآن – صحیح نیست و حتی مفسده به دنبال خواهد داشت.

شبهه‌ای که ممکن است برای برخی پیش بیاید این است که چه نیازی به قرائت عربی قرآن است، در حالی که معنای آیات را نمی‌فهمیم؛ در پاسخ به صورت اجمالی باید خاطر نشان شد که دقت در آیات و روایات نشان می‌دهد که آیات عربی قرآن – و نه ترجمه به هر زبانی – نور دانسته شده و این نور است که زندگی انسان را دچار تحوّل می‌کند و زمانی که به دلیل تقدّس قرآن، طهارت و وضو شرط ارتباط با این کتاب آسمانی مطرح می‌شود، این موضوع برای خود آیات است، نه ترجمه آن.

همواره علما و مراجع تقلید با انتشار ترجمه منهای قرآن مخالف بوده‌اند و مجوزی برای انتشار آن صادر نخواهد شد. آیت‌الله العظمی بهجت (ره) در این باره می‌فرمودند: «ترجمه بدون متن عربی قرآن، کار صحیح و جایزی نیست و این حربه‌ای است از ناحیه دشمنان اسلام برای از بین بردن قرآن که در چند صد سال پیش در کتاب‌ها و دستوراتشان آن را ذکر کرده‌اند.^۱ بنابراین، به هیچ وجه این کار اجازه نباید داده شود».

همچنین آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در این باره فرموده‌اند: «همان گونه که در گذشته نیز گفته‌ایم: این، کار صحیحی نیست و ممکن است توطئه‌ای برای حذف متن قرآن از زندگی مردم باشد».^۲

۴ در بخش انواع ترجمه‌های قرآن، لازم به تذکر است که هدف، مقایسه میان این ترجمه‌ها و ارزش‌گذاری از جهت صحیح یا غلط بودن آن‌ها نیست و حتی قرار نیست دانش‌آموزان با مقایسه میان آن‌ها نوع بهتر را از سایر انواع تشخیص دهند، بلکه صرفاً سه رویکرد غالب در ترجمه‌های موجود، جهت آشنایی بیشتر دانش‌آموزان ارائه شده است، تا اگر با مراجعه به قرآن‌های ترجمه‌دار، با آن‌ها روبه‌رو شد، تفاوت آن‌ها را بدانند.

۵ چنان‌که در متن درس اشاره شده است، یک تفاوت میان «ترجمه تفسیری» و «تفسیر اجمالی از آیه» وجود دارد و آن این است که در ترجمه تفسیری، عبارات اضافه شده از سوی مترجم در تفسیر آیه در پراکنش قرار می‌گیرد تا معلوم شود از سوی مترجم اضافه شده است، در حالی که در تفسیر چنین نیست و مفسر معنای اجمالی یک جمله را مثلاً در یک یا دو پاراگراف بیان می‌کند.

۶ خوب است بدانیم که به دلیل اهمیت موضوع ترجمه، در سال ۱۳۷۳، «مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی» از سوی سازمان اوقاف و امور خیریه تأسیس گردید. این مرکز برای آگاهی و اشراف بر کارهای انجام شده، ابتدا آرشیوی از ترجمه‌های قرآن به زبان‌های خارجی را تهیه نمود که تعداد آن‌ها تاکنون به حدود ۱۷۰۰ جلد می‌رسد که توسط ۵۴۶ مترجم به ۷۸ زبان^۳ ترجمه شده است.^۴

۷ در بخش «اندیشه و تحقیق» انتهای درس، پرسشی مطرح شده تا دانش‌آموزان دیگر انواع ترجمه (جز این موارد سه‌گانه) را یافته و در کلاس گزارش نمایند. پاسخ به این پرسش تا حدودی برای دانش‌آموزان سنگین است و می‌تواند مصداق آن دسته از فعالیت‌ها باشد که طبق توضیح مقدمه کتاب

۱- ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود می‌فرمایند:

«سیصد سال پیش در پیمان‌نامه یکی از سردمداران فرقه‌های اسلامی آمده است: باید مصحف، نقص شود و به غیر عربی ترجمه گردد. مقصود ارائه ترجمه بدون متن عربی قرآن است. قرار است حکومت دولت‌های اسلامی به‌دست خود مسلمانان باشند و کفار به‌واسطه دست‌نشانده‌های خود بر ما سیطره داشته باشند؛ زیرا روشن است که ترجمه قرآن، دیگر قرآن نیست. مقصودشان این است که قرآن در دست مسلمانان نباشد تا بر آن‌ها حکومت کنند؛ یعنی قرآن نظیر همین تورات و انجیل فعلی باشد که به زبان فارسی هم ترجمه و چاپ شده است» (در محضر بهجت، ج ۱، ص ۳).

۲- نقل قول‌ها از: پایگاه «مرکز طبع و نشر قرآن کریم».

۳- این اطلاعات برای انجام بخش «اندیشه و تحقیق» انتهای درس مفید خواهد بود.

۴- منبع مطلب: فصلنامه پژوهش، شماره ۸؛ پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه علمیه قم.

(صفحه ۱۱) برای آن نمره اضافی در نظر گرفته شود. شما می‌توانید انجام این فعالیت خاص (معرفی سایر انواع ترجمه) را به دلیل سنگین و زمان‌بر بودن آن، اختیاری و با مثلاً یک نمره اضافی اعلام کنید.

برای آگاهی شما همکاران، دو نمونه دیگر از انواع ترجمه‌ها – جز آن‌چه در کتاب ارائه شده – معرفی می‌گردد:

● ترجمه لغوی

در این نوع ترجمه، کلمات و گاه عبارات آیه، جدا جدا معنا می‌شوند تا مخاطب خود معنای کلی آیه را برداشت کند. این نوع ترجمه تنها برای گروه خاصی از مردم مفید است؛ کسانی که تا حدودی به زبان عربی آشنایی دارند و می‌توانند پس از فهمیدن معنای واژه، خود مفهوم جمله را درک کنند. برای نمونه، ترجمه سورة اخلاص از لسان التنزیل، چنین است:

«هو: وی؛ احد: یکی؛ الصمد: پناه نیازمندان؛ لم یلد: نژاد کسی را؛ ولم یولد: و نه زاد شد از کسی؛ لم یکن: نبود و نباشد؛ له: مر او را؛ کفواً: همتایی؛ احد: هیچ‌کس».

یا ترجمه این آیه (۳۰/بقره) از خواجه عبدالله انصاری:

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً قَالُوْۤا اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَ یَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ؛

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ نِیْوَسْ تَا گویم ای محمد! آن‌گه که گفت خداوند تو فرشتگان را، اِنِّیْ جَاعِلٌ من کردگار و آفریدگارم فِی الْاَرْضِ اندر زمین خَلِیْفَةً از پس شما در رسیده قَالُوْۤا گفتند اَتَجْعَلُ فِیْهَا می‌خواهی آفرید در زمین مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا کسی را که در آن تباهکاری کند، وَ یَسْفِكُ الدِّمَآءَ و خون‌ها ریزد، وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ و ما بستایش تو تو را می‌ستاییم وَ نُقَدِّسُ لَكَ و به آفرین‌های نیکو تو را یاد می‌کنیم.

ترجمه آزاد

در این نوع ترجمه مترجم، خود را مقید به انتقال دقیق محتوای متن مورد نظر نمی‌داند؛ بلکه به تناسب اهدافی که دارد، محتوا را کم یا زیاد کرده، یا شرح و توضیحی بر آن می‌افزاید، هر چند روح مورد نظر در مجموع ترجمه محفوظ است، اما به سختی بتوان نام ترجمه را بر آن نهاد^۱.

مثلاً، آیه بالا در ترجمه آقای حجتی، این چنین ترجمه شده است:

ای پیامبر، ما چگونگی آفرینش آدم را بر تو وحی می‌کنیم. آن زمان که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من می‌خواهم در روی زمین جانشین و حاکمی قرار دهم. فرشتگان گفتند: اگر هدف تو از آفرینش انسان عبادت است که ما تو را تسبیح گفته و حمد تو را به جا می‌آوریم. پس چرا می‌خواهی کسی را در زمین قرار دهی که به فساد و خونریزی دست زده و زمین را تباه نماید؟ خداوند فرمود: من از آفرینش انسان، حقایقی را می‌دانم که شما از آن بی‌خبرید.

ترجمه‌های منظوم از قرآن نیز تقریباً در این نوع قرار می‌گیرند. مثلاً، همین آیه در ترجمه منظوم آقای تشکری چنین آمده است:

با ملائک خدای گفت چنین	می‌نهم من خلیفه‌ای به زمین
جمله گفتند آفرینی چون	در زمین مفسدی که ریزد خون
[ما بری از گناه و تلبیسیم]	اهل تسبیح و اهل تقدیسیم
گفت [هر چند اهل ایمانید]	آنچه دانم شما نمی‌دانید

تأکید می‌گردد که سایر انواع ترجمه تنها برای آگاهی شما همکاران محترم قرار داده شده و نیازی به طرح آن‌ها در کلاس نیست.

۱- برای مطالعه بیشتر در این خصوص می‌توانید به مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم» در مجله پژوهش‌های قرآنی (دوره ۱۱، پاییز ۸۴) مراجعه کنید.

تفسیر اجتهادی

درس ۸

الف) اهداف درس

- ۱ آشنایی با دسته‌بندی و تعریف انواع تفسیر از نظر محتوا (تفسیر مأثور و اجتهادی)
- ۲ آشنایی با انگیزه‌ها و ضرورت‌های تدوین تفسیر اجتهادی
- ۳ معرفی مهم‌ترین رویکردهای مفسران در تفسیر اجتهادی (ادبی، فقهی، کلامی و تربیتی - اجتماعی)

ب) توضیحات درس

این درس، مهم‌ترین رویکردهای گوناگون در تدوین تفسیر اجتهادی را در سطح فهم دانش‌آموزان معرفی می‌نماید. ابتدای درس «تفسیر اجتهادی» را به عنوان یکی از انواع تفسیر قرآن، در مقابل نوع دیگر آن یعنی «تفسیر مأثور» قرار داده و در این تقابل، آن را تعریف می‌کند. سپس ضرورت پرداختن به آن در طول قرن‌های مختلف از سوی مفسران گوناگون تبیین می‌گردد و با این مقدمه، مهم‌ترین رویکردهای موجود در تفاسیر اجتهادی معرفی می‌گردند. چهار رویکرد ادبی، فقهی، کلامی و تربیتی - اجتماعی، مهم‌ترین و پرکاربردترین رویکردهایی‌اند که در این درس با ارائه نمونه از هر یک برای دانش‌آموزان معرفی می‌شوند. در پایان، تفاسیری که همه رویکردها را مورد توجه قرار داده و رویکرد خاصی در آن‌ها، رنگ و بوی بیشتری نیافته باشد، به عنوان «تفاسیر جامع» معرفی شده و رویکرد آن تفاسیر تبیین شده است.

ج) پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز

- ۱ دانش‌آموزان در درس دوازدهم سال گذشته - با عنوان «تفسیر قرآن» - با تعریف تفسیر، تفاوت آن با ترجمه، انواع آن از حیث شکل و قالب (به دو نوع تربیتی و موضوعی) و نیز شرایط و توانمندی‌های مورد نیاز یک مفسر آشنا شدند. حتماً توصیه می‌شود تا همکاری که کتاب دهم را تدریس ننموده‌اند، این درس از کتاب دهم را قبل از تدریس درس حاضر مطالعه نموده تا دانسته‌های دانش‌آموزان در این حوزه را مرور نمایند.
- ۲ همه آن‌چه تاکنون به عنوان علوم و دانش‌های مورد نیاز یک مفسر - تحت عنوان «علوم قرآن» - معرفی شده‌اند، دانش‌هایی‌اند که یک مفسر با آگاهی از این دانش‌ها و با استفاده از آن‌ها قرار است برای فهم قرآن اجتهاد کند و این علوم مقدمه تفسیر اجتهادی محسوب می‌گردند.

(د) ارتباط با درس قبل

چنان که پیش از این گذشت، در درس ششم، چگونگی «تعلیم قرآن به مسلمانان توسط پیامبر و اصحاب ایشان» به منظور بهره‌مندی همگان از هدایت این کتاب آسمانی تبیین گردید. سپس در درس هفتم، این مسئله مورد تأکید قرار گرفت که لازمه بهره‌مندی همگان از هدایت این کتاب آسمانی، فهم معانی آیات آن است تا این فهم، مقدمه عمل به دستورات قرآن قرار گیرد. در درس هفتم، «مراجعة به ترجمه قرآن» یکی از راه‌های فهم قرآن معرفی شد.

حال در این درس، دومین راه فهم قرآن و آگاهی از معانی آیات یعنی «مراجعة به تفسیر» مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجا که تفسیر قرآن، به صورت‌ها و انواع گوناگونی انجام می‌شود، در این درس، انواع تفسیر از حیث محتوا (تفسیر مآثور و تفسیر اجتهدی) معرفی می‌شوند. سپس با محور قرار دادن تفسیر اجتهدی، با توجه به این که بسیاری از مفسران در اجتهد خود برای فهم قرآن، متناسب با علاقه و تخصص خود، رویکرد خاصی را در تفسیر آیات برمی‌گزینند، تعدادی از مهم‌ترین این رویکردها برای آگاهی دانش‌آموزان معرفی می‌گردند.

(ه) تحلیل محتوای درس

چنان که گذشت، از درس هفتم که اولین درس از نیمه دوم کتاب به شمار می‌آید، فضای جدیدی برای دانش‌آموزان ایجاد شده و سنخ مباحث کتاب تا حدودی متفاوت گشته است. از درس هفتم به بعد، دروس کتاب به هدف اصلی از ارائه مباحث علوم قرآن، یعنی «فهم آیات» پرداخته و در این راستا، ابتدا موضوع «ترجمه» (در درس هفتم) و سپس «تفسیر» (در این درس) به عنوان قالب‌هایی برای ارائه فهم از قرآن کریم و انتقال فهم به دیگران معرفی می‌شوند. سپس دانش‌آموزان در چهار درس پایانی کتاب به صورت عملیاتی و کارگاهی، به فهم قرآن ورود پیدا کرده و خود با استفاده از ابزارهایی که فراگرفته‌اند، فهم از قرآن را تجربه می‌کنند.

ورودیۀ درس (قبل از علامت سه‌ستاره) با یادآوری تعریف «تفسیر» از درس دوازدهم کتاب سال قبل، توجه دانش‌آموزان را به این نکته جلب می‌کند که از قرن‌ها قبل تا امروز صدها عنوان تفسیر تدوین و تألیف شده و این نکته، این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که دلیل این حجم بسیار از تفاسیر چیست؟ این سؤال در واقع برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای دنبال نمودن محتوای درس مطرح شده است. شاید این مسئله که چرا از قرن‌ها پیش تاکنون جریان تفسیرنویسی ادامه داشته، دارد و خواهد داشت، برای دانش‌آموزان جالب توجه باشد.

این درس در واقع به دنبال پاسخ‌گویی به همین پرسش است. در صفحه ۱۱۳ کتاب، دو مورد «الف» و «ب» (دانش و توانایی متفاوت مفسران و پاسخ‌گویی به مسائل و نیازهای جدید از قرآن)، در کنار رویکردهای گوناگون و متنوعی که مفسران در نوشتن تفسیر اتخاذ نموده‌اند، دلیل این حجم بسیار از تفاسیر است. البته تدوین تفاسیر گوناگون، مربوط به نوع خاصی از تفسیر است که به عنوان «تفسیر اجتهادی» شناخته می‌شود؛ به بیان دیگر، این حجم بسیار از تفاسیر ذیل نوع خاصی از تفسیر طبقه‌بندی می‌گردند که به «تفسیر اجتهادی» مشهور شده است.

لاجرم برای این که تعریف تفسیر اجتهادی و جایگاه آن در میان انواع تفاسیر مشخص شود، انواع کلی تفسیر برای دانش‌آموزان مطرح می‌شود. دانش‌آموزان تاکنون تفسیر را بر دو نوع می‌شناختند: تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی.

در این جا انواع تفسیر از جهت دیگری برای دانش‌آموزان تبیین می‌شود که «تفسیر اجتهادی» یکی از انواع آن محسوب می‌شود. دسته‌بندی سال گذشته، انواع تفسیر را از نظر شکل و قالب به ترتیبی و موضوعی تقسیم نموده بود و این جا تفسیر از نظر محتوای آن به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف) «تفسیر مأثور»؛ که نقطه مقابل تفسیر اجتهادی است و اجتهاد مفسر در آن نقشی ندارد؛ بلکه تنها روایات، تنها منبع فهم از قرآن محسوب می‌گردند.

ب) «تفسیر اجتهادی»؛ که بر اساس اجتهاد مفسر از قرآن و مراجعه به منابع متعدد لغوی، تاریخی، بلاغی و... تدوین می‌گردند.

حال که دانش‌آموزان با تعریف تفسیر اجتهادی آشنا شدند، از انگیزه‌ها و دلایل تألیف این نوع تفاسیر سخن به میان آمده و تدوین آن‌ها در طول قرن‌ها به عنوان یک ضرورت مطرح می‌گردد و به این گونه، پرسشی که در ورودیه درس مطرح شده بود، پاسخ خود را می‌یابد؛ دانش و توانایی متفاوت مفسران در فهم و دریافت از قرآن و پاسخ‌گویی به مسائل و نیازهای جدید با استفاده از آیات قرآن دو دلیل عمده تدوین تفاسیر اجتهادی به حساب می‌آیند. دانش‌آموزان تا این جا با تعریف تفسیر اجتهادی، دلایل و ضرورت تدوین آن و نیز کثرت تدوین آن در طول قرن‌ها آشنا شده‌اند. حال ممکن است این سؤال به وجود بیاید که آیا تفاسیر اجتهادی با این همه کثرت، همه به یک شیوه و با رویکرد واحدی تألیف می‌شده‌اند، یا تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد؟

ادامه درس تا انتها، به این پرسش پاسخ می‌دهد و ملاک و معیار تمایز میان تفاسیر اجتهادی گوناگون را معرفی می‌کند:

«مطالعه این تفاسیر نشان می‌دهد که هر مفسر متناسب با علاقه و تخصص خود، با رویکرد و روشی خاص به تفسیر قرآن پرداخته است».

این رویکردها که در ادامه درس معرفی شده‌اند (ادبی، فقهی، کلامی و...) این حجم بسیار از تفاسیر را از یکدیگر متمایز می‌سازد و به عنوان ملاک و معیاری برای طبقه‌بندی تفاسیر می‌توانند لحاظ گردند. البته نکته‌ای مهم در این جا قابل توجه است که وقتی سخن از رویکرد خاص یک تفسیر به میان می‌آید، مراد رویکرد غالب آن تفسیر است، نه این که آن تفسیر فقط ناظر به آن رویکرد نوشته شده باشد؛ مثلاً چنان که در درس نیز اشاره شده، یک مفسر با تخصص و رویکرد ادبی، ممکن است در تفسیر قرآن به تناسب وارد مباحث فقهی و تربیتی نیز شده باشد، اما بحث‌های ادبی و بلاغی رنگ و بوی اصلی و بیشتری در تفسیر او دارد.

دیگر نکته‌ای که در این قسمت ممکن است ایجاد سؤال کند، این است که چرا رویکردهای متنوع در تولید تفسیر – که خود می‌تواند باعث کثرت تفاسیر شده باشد – به عنوان مورد سوم (ج) مطرح نشده است؟ در پاسخ باید توجه نمود که رویکردهای تفسیری به خودی خود موجب کثرت تفاسیر نمی‌شوند یا تأثیر آن‌ها در کثرت تفاسیر چندان قابل ملاحظه نمی‌باشد، چرا که ما حداکثر هفت یا هشت رویکرد غالب تفسیری بیشتر نداریم که تعداد آن‌ها قابل ملاحظه نیست؛ بلکه آنچه موجب این کثرت شده، همان دو موردی هستند که بیان شد. دانش و تخصص مفسران متفاوت است و هر مفسر با دانش و تخصص بیشتر سعی در ارائه تفسیر دقیق‌تری نموده است؛ حال ممکن است این مفسر با رویکرد ادبی تفسیر دقیق‌تر و علمی‌تری بنویسد، یا با رویکرد فقهی استنباط دقیق‌تری از آیات بنماید و تفسیر جدیدی تولید نماید.

پاسخ‌گویی به مسائل و نیازهای جدید نیز دیگر انگیزه تولید تفسیر بوده است؛ حال ممکن است مسئله کلامی جدیدی به وجود بیاید و تفسیر کلامی از آیات صورت گیرد، یا با به وجود آمدن مسئله‌ای اجتماعی، روش هدایتی جدیدی برای رویارویی با آن در تفسیر تربیتی – اجتماعی از قرآن تولید و ارائه گردد. پس از آشنایی دانش‌آموزان با این انگیزه‌ها و معیار طبقه‌بندی تفاسیر مبتنی بر رویکرد خاص آن، در ادامه، چهار مورد از مهم‌ترین رویکردهای مفسران در تدوین تفسیر اجتماعی معرفی می‌شود. در هر مورد سعی شده است تا:

نخست، رویکرد با زبان ساده معرفی شود؛

دوم، نمونه‌ای عینی از این رویکرد خاص تفسیری بیان شود؛

سوم، یک تفسیر و مفسر شاخص در این رویکرد جهت آگاهی دانش‌آموزان معرفی شود؛

چنان که پیش از این تأکید شد، شرط ورود مفسر به هر یک از این رویکردها تخصص و توانمندی لازم است؛ لذا در خصوص رویکرد ادبی، مفسر می‌بایست تسلط و تبحر کافی در ادبیات عرب را داشته باشد، در رویکرد فقهی، مفسر در درجه اول باید فقیه باشد، در رویکرد کلامی، مفسر می‌بایست از تبحر کافی در علم کلام برخوردار باشد و در رویکرد تربیتی – اجتماعی، مفسر باید با شناخت مسائل دنیای امروز، توان دریافت نکات تربیتی و راه کارهای هدایتی قرآن را برای پاسخ‌گویی به این مسائل و رشد فرد و جامعه داشته باشد.

در این میان، در خصوص تفاسیری که با رویکرد فقهی نوشته شده‌اند؛ از آن‌جا که مفسر، خود فقیه بوده و با هدف بیان احکام فقهی خود، به تدبیر در قرآن می‌پردازد، این تفاسیر «احکام القرآن» نام گرفته‌اند و در نام خود، تفاوت قابل ملاحظه‌ای با سایر تفاسیر دارند.

در پایان این بخش، حال که دانش‌آموزان با رویکردهای گوناگون در تفسیر اجتهادی آشنا شدند، این نکته مهم، قابل توجه قرار گرفته است که برخی از تفاسیر اجتهادی هستند و رویکرد خاصی در آن‌ها غالب نبوده و مفسران از بیشتر رویکردهای مطرح شده، بهره برده‌اند و تفسیری نسبتاً جامع از آیات ارائه نموده‌اند؛ این تفاسیر به عنوان تفاسیر جامع شناخته می‌شوند که به عنوان نمونه، «المیزان فی تفسیر القرآن»؛ اثر علامه طباطبائی، نمونه‌ای از آن است. در این‌جا باید دقت نمود که «تفسیر جامع»، خود رویکرد خاصی محسوب نشده و از جمع رویکردهای مطرح شده به وجود می‌آید؛ لذا در کتاب به عنوان رویکرد پنجم مطرح نگردیده و به صورت مستقل به آن پرداخته شده است.

نکته: با توجه به این که هدف از بیان رویکردهای گوناگون و نیز تفسیر جامع، فهم دانش‌آموزان نسبت به محتوای این رویکردها و تفاوت آن‌ها با یکدیگر است، لطفاً از پرسش نام تفاسیر و مفسرانی که به این رویکردها پرداخته‌اند در آزمون اجتناب گردد. این تفاسیر و مفسران از این رو معرفی شده‌اند، تا دانش‌آموزان در هر رویکرد تفسیری، یک تفسیر یا مفسر شاخص را نیز بشناسند و در صورت نیاز یا علاقه شخصی، بتوانند برای مطالعه بیشتر در خصوص آن رویکرد، به آن تفاسیر مراجعه نمایند.

دو فعالیت کلاسی و یک فعالیت اندیشه و تحقیق در این قسمت برای تمرین مطالب توسط دانش‌آموزان طراحی شده است که پاسخ آن برای آگاهی شما همکاران محترم ارائه می‌گردد:

فعالیت کلاسی صفحه ۱۱۵:

رویکرد ادبی در تفسیر آیه، در شناخت علم لغت و علم نحو خود را نشان می‌دهد. امام باقر (ع) در خصوص آیه «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»، می‌فرماید: «أَنَّ الْمَسْحَ يَعْضُ الرَّأْسَ لِمَكَانِ الْبَاءِ»؛ در علم لغت، معانی حروف نیز را بیان می‌کنند. «باء» به تصریح بسیاری از لغت‌شناسان به معنای «تبعيض» آمده است؛ یعنی در کلمه «رُءُوسِكُمْ»، بعضی از سر باید مسح شود، نه همه آن.

امام سپس ادامه می‌دهند: «ثُمَّ وَصَلَ الرَّجُلَيْنِ بِالرَّأْسِ كَمَا وَصَلَ الْيَدَيْنِ بِالْوَجْهِ»؛ به این معنا که سپس در آیه، «پا» به «سر» عطف شده همان‌طور که در قبل از آن «دست» به «صورت» عطف شده بود؛ و در علم نحو می‌خوانیم که در عطف، «معطوف» احکام واژه‌ای که به آن عطف شده را می‌گیرد؛ یعنی بعضی از «پا» و نه همه آن باید مسح گردند.

جالب است بدانید، که امام در متن روایت توضیحات بیشتری به سؤال کننده (زُرارَه) می‌دهند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: فَأَغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ؛ فَعَرَفْنَا أَنَّ الْوَجْهَ كُلُّهُ يَنْبَغِي أَنْ يُغْسَلَ ثُمَّ قَالَ: وَأَيِّدِيكُمْ إِلَى الْمِرَافِقِ؛ ثُمَّ فَصَّلَ بَيْنَ الْكَلَامِ فَقَالَ: وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ؛ فَعَرَفْنَا حِينَ قَالَ بِرُءُوسِكُمْ أَنَّ الْمَسْحَ يَبْغِضُ الرَّأْسَ لِمَكَانِ الْبَاءِ ثُمَّ وَصَلَ الرَّجُلَيْنِ بِالرَّأْسِ كَمَا وَصَلَ الْيَدَيْنِ بِالْوَجْهِ فَقَالَ وَارْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ فَعَرَفْنَا حِينَ وَصَلَهَا بِالرَّأْسِ أَنَّ الْمَسْحَ عَلَى بَعْضِهَا»؛

یعنی خداوند می‌فرماید: «صورت‌های خود را بشوید». از این عبارت دانستیم که تمام صورت باید شسته شود. بعد از آن گفت: «دست‌های خود را تا آرنج بشوید»؛ آن‌گاه فصل تازه‌ای گشود و گفت: «و به سرهای خود مسح بکشید». و از آن‌جا که گفت: «به سرهای خود»، به خاطر همین «ب»، دانستیم که مسح کردن قسمتی از سر کافی است و همان‌طور که قبلاً، دست‌ها را به صورت عطف کرده بود، در این‌جا پاها را به سر عطف کرد و گفت: «و به پاهاى خود تا برآمدگی پاها مسح بکشید»؛ لذا دانستیم که مسح کردن قسمتی از پاها کفایت می‌کند.

فعالیت کلاسی صفحه ۱۱۸:

در آیه ۶۴ سوره نحل می‌خوانیم:

«وَمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم، مگر برای این‌که آن‌چه را در آن اختلاف دارند، برای آن‌ها روشن کنی و (این قرآن) مایهٔ هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند.

این فعالیت به نحوی دو پهلوی و اگر است؛ با توضیحی که دانش‌آموزان می‌دهند، پاسخ می‌تواند رویکرد کلامی یا تربیتی – اجتماعی باشد.

البته آن‌چه بیشتر به معنای آیه نزدیک است، رویکرد «تربیتی – اجتماعی» است، چرا که در آیه، قرآن خود را هدایت و مایهٔ رحمت معرفی می‌کند و چنان‌که در درس خواندیم، رویکرد تربیتی – اجتماعی به دنبال آن است، تا جنبهٔ هدایتی قرآن را آشکار نماید و راهکارهای هدایتی قرآن را برای رشد و سعادت جامعه ارائه نماید.

اما با این حال، ابتدای آیه که می‌فرماید: «تا آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آن‌ها روشن کنی»، می‌تواند ناظر به رویکرد کلامی نیز باشد؛ چرا که در رویکرد کلامی، اعتقادات و گزاره‌های دینی و اعتقادی بیان شده و از آن‌ها در مقابل نظرات مخالف دفاع می‌شود، تا با اثبات اعتقاد صحیح، زمینه بیان اعتقادات نادرست و اختلاف میان افراد از بین برود. پاره‌ای از اختلافاتی که میان مخاطبان پیامبر وجود داشت، بر سر مسائل اعتقادی بود که با نزول قرآن، اعتقادات صحیح به‌طور مستند بیان می‌گشت.

اندیشه و تحقیق صفحه ۱۱۸؛

با مراجعه به هر یک از این تفاسیر، می‌بینیم هر کدام در این رویکرد تفسیری قرار می‌گیرند:

تفسیر تسنیم	شامل همه رویکردها - تفسیر جامع
احکام القرآن	رویکرد فقهی
المیزان فی تفسیر القرآن	شامل همه رویکردها - تفسیر جامع
مفاتیح الغیب	رویکرد کلامی

در خصوص بخش دوم نیز با مراجعه به برخی تفاسیر در ذیل آیه، پاسخ قابل ارائه است. در تفسیر نمونه ذیل آیه، (ج ۲۵، ص ۱۲۵)، با استناد به کتاب حدیثی وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۲۵۳ می‌خوانیم:

«در حدیث معروفی از امام جواد علیه السلام نقل شده است که معتصم عباسی در مجلسی که از فقهای اهل سنت در آن جمع بودند سؤال کرد که دست دزد را از کدام قسمت باید برید؟ بعضی گفتند: از مچ، و به آیه تیمم استدلال کردند، بعضی دیگر گفتند: از مرفق و به آیه وضو استدلال کردند، «معتصم» از آن حضرت علیه السلام در این باره توضیح خواست، حضرت علیه السلام نخست از او درخواست نمود که از سؤال خود صرف‌نظر کند و چون اصرار کرد، فرمود: آن‌چه آن‌ها گفتند همه خطاست، تنها باید چهار انگشت از مفصل انگشتان بریده شود، و کف دست و انگشت شست باقی بماند، هنگامی که معتصم جویای دلیل شد، امام به کلام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که سجود باید بر هفت عضو باشد؛ پیشانی و دو دست و دو سر زانو و پاها استدلال کرد و سپس افزود اگر از مچ یا مرفق بریده شود دستی برای او باقی نمی‌ماند که سجده کند، در حالی که خداوند فرموده: وَ أَلَّا الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ؛ یعنی این اعضای هفت‌گانه مخصوص خداست و آن‌چه مخصوص خدا است نباید قطع کرد، این سخن اعجاب معتصم را برانگیخت و دستور داد بر طبق حکم آن حضرت دست دزد را از مفصل چهار انگشت ببرند».

(و) پرسش‌های دانش‌آموزان

۱- آیا در تفاسیر اجتهادی دیگر از روایات تفسیری یا همان تفسیر نقلی استفاده نمی‌شود؟ اگر این‌گونه باشد، منبع غنی سخنان معصومین در تفسیر قرآن از دست می‌رود!

پاسخ: چنان‌که در درس اشاره شده است، تفسیر اجتهادی عبارت است از استفاده از نیروی عقل و اندیشه برای تدبیر در آیات که در مقابل تفسیر مآثور قرار می‌گیرد. هر چند تفسیر اجتهادی و مآثور نقطه مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، اما این به معنای عدم استفاده از روایات در تفسیر اجتهادی نیست. مفسر در تفسیر اجتهادی قرار است از قدرت اندیشه خود برای استنباط استفاده کند، اما برای هر اندیشه و تفکر نیاز به یک سری داده در ذهن است که با تفکر در آن‌ها، جمع‌بندی نهایی صورت گیرد. مثلاً مفسر می‌بایست با استفاده از علم لغت، معنای الفاظ را به دست بیاورد، با استفاده از علم صرف و نحو، ارتباط واژگان و جملات را با یکدیگر کشف کند و... همین‌طور با استفاده از روایات، مصادیق و مفاهیمی که معصومان - معلمان واقعی قرآن - پیرامون آیات بیان نموده‌اند را بیابد و سپس با عقل و اندیشه خود میان آن‌ها جمع‌بندی نماید. یک مفسر حتی ممکن است از روایات در تأیید نظر اجتهادی خود یا تفصیل و تبیین بیشتر آن استفاده کند.

استفاده از روایات در بسیاری از تفاسیر اجتهادی به صورت آشکار قابل مشاهده است. به عنوان نمونه، مفسر بزرگ، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان - که یکی از مشهورترین و مهم‌ترین تفاسیر اجتهادی است - همواره در تفسیر آیات، ذیل یک تبتیر با عنوان «بحث روایی»، روایات معصومین در تفسیر آیه را بررسی و از آن استفاده می‌نماید.

۲- کدام یک از انواع تفسیر بهترند؟ آیا تفسیر مآثور چون قول معصوم است، دقیق‌تر نیست؟ در تفسیر اجتهادی ممکن است، اجتهاد مفسر به خطا رود و تفسیر غلطی از آیه ارائه شود.

پاسخ: در تفسیر مآثور، تنها منبع مفسر برای تفسیر، روایات هستند و مفسر از عقل و اندیشه خود بهره زیادی نمی‌برد، در حالی که در تفسیر اجتهادی - چنان‌که توضیح آن گذشت - روایات در کنار سایر منابع، مبادی فهم مفسر را تشکیل می‌دهد و از این رو، تفسیر کامل و جامع‌تری ارائه خواهد شد.

این نکته که در تفسیر اجتهادی، ممکن است اجتهاد مفسر به خطا برود، سر جایش درست است؛ اما دلیلی برای ناکارآمدی تفسیر اجتهادی نیست. یک مفسر در تفسیر اجتهادی، اگر دانش‌ها و شرایط مورد نیاز را - که قبلاً با آن‌ها آشنا شدیم - در خود محقق نسازد، احتمال این‌که در اجتهاد خود به خطا رود، بسیار بالاست، در حالی که به میزان فراهم ساختن شرایط و لوازم مورد نیاز، از خطا و اشتباه نیز مصون خواهد بود.

۳- در درس گفته شده است که: «به مرور زمان، نیازها و مسائل متفاوتی برای مسلمانان پیش می‌آمد که آن‌ها با مراجعه به قرآن و ارائه تفسیر اجتهادی در جهت رفع آن نیازها می‌کوشیدند». منظور از «نیازها و مسائل جدید» چیست؟ مثالی می‌توانید بزنید.

پاسخ: چنان که در درس آمده، دو انگیزه مهم باعث تدوین و تألیف تفاسیر اجتهادی گوناگون شده است: یکی رشد دانش و توانایی مفسران؛ به این معنا که یک مفسر بر اساس دانش و توانایی خود می‌پند نکاتی از آیات برداشت می‌کند که مفسران قبلی برداشت نکرده بودند. به عنوان نمونه، علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان که یکی از علمی‌ترین و دقیق‌ترین تفاسیر اجتهادی را به رشته تحریر درآورده است، مبتنی بر علم و طهارت باطنی خود به روشی نو در فهم آیات - تفسیر قرآن به قرآن^۱ - دست یافت که با استفاده از این روش، به استخراج نکاتی از قرآن پرداخت که مفسران قبلی آن نکات را برداشت نکرده بودند.

دیگر انگیزه در تفسیر اجتهادی، ایجاد نیازهای جدید برای مسلمانان معرفی شده است؛ به عنوان نمونه، پس از پیروزی انقلاب و اقبال فراوان قشرهای مختلف مردم به قرآن - خصوصاً جوانان و نوجوانان - نیاز به تدوین تفاسیری با زبان ساده احساس می‌شد که قابل استفاده برای عموم مردم باشد. تفاسیری که به دور از بیان اصطلاحات و پیچیدگی‌های علمی و بلاغی، با ارائه زبانی ساده، قابل فهم برای همگان باشد. تفسیر نمونه، اثر آیت الله مکارم شیرازی و تفسیر نور، اثر حجت الاسلام قرائتی، از این دست تفاسیر محسوب می‌شوند.

(ز) دانستنی‌های مهم

۱ با توجه به این که از درس هفتم کتاب (درس قبل)، سنخ مباحث کتاب تا حدودی متفاوت گشته و فضای جدیدی برای دانش‌آموزان ایجاد شده - که توضیح آن پیش از این گذشت - شاید بتوان این درس را نسبت به سایر دروسی که دانش‌آموزان تاکنون خوانده‌اند، دشوارتر و با حجم بیشتری دانست.

۱- درباره این روش تفسیری، در درس دوازدهم این کتاب تا حدودی صحبت خواهیم کرد.

دشوار بودن مباحث به دلیل آن است که دانش‌آموزان تاکنون هیچ‌گونه اطلاعات قبلی و پیش‌فرض نسبت به محتوای ارائه شده نداشته و برای اولین بار با آن روبه‌رو می‌شوند. همچنین سنخ این مباحث (معرفی رویکردهای تفسیری) به‌گونه‌ای است که توضیح و تبیین هر یک و ارائه مصداق قابل درک از آن برای مخاطب دانش‌آموز کمی دشوار است. از این رو، همکاران محترم، در صورتی که احساس نیاز می‌کنند می‌توانند محتوای این درس را در سه جلسه تدریس نمایند^۱ تا برای دانش‌آموزان مطالب جا بیفتد. همچنین بیشتر روی جنبه‌های مفهومی درس تأکید نمایند؛ همین‌که دانش‌آموزان مفهوم هر یک از رویکردهای تفسیری و تفاوت آن با سایر رویکردها را متوجه شوند، کافی است. مثال‌هایی که از هر یک از انواع رویکردها در درس بیان شده، به خوبی تفاوت رویکردها را نشان می‌دهد.

۲ در این درس، چهار رویکرد در تفسیر اجتهادی معرفی شده است. خوب است بدانیم تعداد رویکردهای تفسیر اجتهادی، بیش از این‌هاست و رویکردهای دیگری نیز از جمله علمی^۲، عرفانی، اشاری و... نیز وجود دارد، که مباحث آن تا حدودی دشوار و حتی برای دانش‌آموزان شبیه‌افکن خواهد بود؛ لذا از طرح این مباحث در کلاس خودداری کنید و دانش‌آموزان علاقه‌مند را به مطالعه منابع خارج از کلاس رهنمون شوید.

یکی از منابعی که دانش‌آموزان می‌توانند برای مطالعه بیشتر در این خصوص به آن مراجعه نمایند، کتاب «روش‌های تفسیر قرآن» اثر دکتر سیدرضا مؤدب است.

۳ در این درس، ما با معرفی رویکردهای مختلف تفسیر اجتهادی، به دنبال ارزش‌گذاری روی آن‌ها نیستیم تا مثلاً کارآمدی یا نقص برخی رویکردها را نشان دهیم؛ بلکه هدف، معرفی رویکردها و بیان تفاوت آن‌ها برای دانش‌آموزان به عنوان رویکردهای رایج در تفسیر اجتهادی است.

این موضوع در خصوص تفسیر اجتهادی و تفسیر مآثور نیز صادق است و درس بدون ارزش‌گذاری میان این دو تفسیر و اثبات کارآمدی یکی نسبت به دیگری، تنها دو رویکرد را برای دانش‌آموزان معرفی می‌نماید.

در این‌جا نیز ما به دنبال ارزش‌گذاری و اثبات تفسیر اجتهادی در مقابل مآثور نیستیم.

۴ برای این‌که دانش‌آموزان تفاوت میان تفسیر مآثور و اجتهادی را به خوبی مشاهده کنند؛ پیشنهاد می‌شود نمونه‌ای از تفسیر اجتهادی (مثلاً یک جلد از تفسیر المیزان یا نمونه) و نمونه‌ای از تفسیر مآثور (مثلاً البرهان فی تفسیر القرآن؛ اثر سیدهاشم بحرانی) را با خود به کلاس آورده و به دانش‌آموزان نشان دهید، یا با استفاده از ویدئو پروژکتور در کلاس بخش نمایید. متن این تفاسیر روی نرم افزار «جامع التفاسیر» از مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) موجود می‌باشند.

۱- لازم به ذکر است که در برنامه رشته معارف اسلامی، برای تدریس درس علوم و معارف قرآن کریم، یک جلسه در هفته با مدت زمان ۱۰۰ دقیقه در نظر گرفته شده است. محتوای کتاب نیز متناسب با این زمان تنظیم و ارائه شده است. اختصاص مدت زمانی کمتر از ۱۰۰ دقیقه در هفته به تدریس درس، شما را بعدها با مشکل روبه‌رو خواهد نمود.

۲- رویکرد علمی در تفسیر قرآن، در بخش «برای مطالعه» آمده است که مطالعه آن برای دانش‌آموزان اختیاری است.

۵ خوب است بدانیم «تفسیر اجتهادی» - صرف نظر از رویکردهای متنوع آن - بسته به این که چه میزان

مبتنی بر اصول صحیح نگاشته شود، خود بر دو قسم تقسیم می شود :

الف) تفسیر اجتهادی صحیح (ممدوح)؛ اگر مفسر دانش ها و شرایط مورد نیاز برای تفسیر را پیش از این در خود فراهم نموده باشد و نیز بدون پیش فرض به سراغ آیات قرآن رفته و هدفش، تنها فهم معانی آیات باشد، تفسیر او تفسیر اجتهادی صحیح خواهد بود.

ب) تفسیر اجتهادی ناصحیح (تفسیر به رأی)؛ در حالی که اگر مفسر، این دانش ها و شرایط را در خود فراهم نکرده باشد، یا با پیش فرض به سراغ آیات قرآن برود، تا آن چه مورد نظر خودش هست را به قرآن تحمیل کند، تفسیر او ناصحیح بوده و اصطلاحاً تفسیر به رأی است که در روایات بسیار نهی شده است :

قال رسول الله ﷺ: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ».^۱

البته روشن است که این مطالب برای آشنایی شما همکاران محترم - برای پاسخ گویی به سؤالات احتمالی دانش آموزان - ارائه گردیده و نیازی به طرح آن در کلاس نیست.

درس ۹

فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۱)

الف) اهداف درس

- ۱ آشنایی با اهمیت و تأثیر لغت‌شناسی و شناخت ریشه لغت در فهم آیات
- ۲ آشنایی با انواع لغت‌نامه‌های عربی
- ۳ آشنایی با مراحل فهم معنای یک واژه در قرآن
- ۴ آشنایی با روش و مدل عملی استفاده از کتب لغت برای فهم معنای واژه‌های قرآن

ب) توضیحات درس

این درس، اولین درس از بخش دوم کتاب است. بخش دوم کتاب، شامل چهار درس است که دانش‌آموزان در این دروس، از مباحث نظری علوم قرآن فاصله گرفته و خود به صورت عملی، برخی مراحل را که یک مفسر برای فهم معنای آیه طی می‌کند، تجربه می‌کنند. در این درس اولین گام برای فهم معنای آیه، یعنی فهم معنای مفردات آیه مورد توجه قرار گرفته است. دانش‌آموزان در این درس با انواع لغت‌نامه‌های عربی و مراحل که یک مفسر با استفاده از این لغت‌نامه‌ها و دیگر منابع برای فهم معنای یک واژه طی می‌کند آشنا می‌شوند. آن‌ها همچنین در خلال درس، نحوه مراجعه به لغت‌نامه‌های عربی را آموخته و خود استفاده عملی از آن‌ها در فهم معنای آیه را به صورت کارگاهی در کلاس تجربه می‌نمایند.

ج) پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز

- ۱ فهم معنای واژگان آیه برای دریافت معنای آیه، اصلی بدیهی و عقلی است که دانش‌آموزان در سال‌های گذشته در کتب درسی دینی و قرآن، با استفاده از معنای مفردات آیه، به ترجمه آیه می‌پرداختند.
- ۲ دانش‌آموزان پیش از این از تأثیر شناخت معنای دقیق ریشه یک واژه برای فهم معنای آن واژه آگاهی داشته و نمونه عملی آن را در اولین درس از همین کتاب (صفحه ۳۷) مطالعه نموده‌اند، آن‌ها در این درس به صورت تفصیلی‌تر این موضوع را مورد توجه و بررسی قرار خواهند داد.
- ۳ دانش‌آموزان ممکن است پیش از این برای فهم معنای برخی واژگان فارسی به لغت‌نامه‌های فارسی مانند دهخدا مراجعه نموده باشند. شیوه مراجعه به لغت‌نامه‌های عربی نیز مشابه همین لغت‌نامه‌های

فارسی است که واژگان در آن‌ها به ترتیب حروف الفبا به دنبال هم قرار گرفته‌اند، با این تفاوت که در لغت‌نامه‌های عربی، واژگان ذیل سه حرف اصلی خود قرار گرفته و معنای آن‌ها بیان شده است. با مراجعه به یکی از کتاب‌های لغت عربی به راحتی این تفاوت را درک خواهید نمود.

د) ارتباط با درس قبل

در درس هفتم کتاب، این مسئله مورد تأکید قرار داشت که لازمه بهره‌مندی همگان از هدایت قرآن، فهم معانی آیات آن است تا این فهم، مقدمه عمل به دستورات قرآن قرار گیرد. در این درس، «مراجعه به ترجمه قرآن» یکی از راه‌های فهم قرآن معرفی شد. سپس در درس هشتم، «مراجعه به تفسیر» به عنوان دومین راه فهم قرآن مطرح شده و رویکردهای گوناگون در تفسیر اجتهادی قرآن معرفی گردید. در این درس، این مسئله مورد تأکید قرار می‌گیرد که هر مفسر با هر رویکردی که پذیرفته باشد، مرحله‌ای را برای فهم و تفسیر قرآن طی می‌کند. اولین و مهم‌ترین گام که در میان تمامی رویکردها مشترک است، فهم معنای دقیق واژگان است. این درس، چگونگی فهم دقیق واژگان را بیان و مهم‌ترین مراحل آن را برای دانش‌آموزان شرح و تفصیل می‌دهد.

ه) تحلیل محتوای درس

چنان‌که گذشت، از درس هفتم که اولین درس از نیمه دوم کتاب به شمار می‌آید، فضای جدیدی برای دانش‌آموزان ایجاد شده و سنخ مباحث کتاب تا حدودی متفاوت گشته است. از درس هفتم به بعد، دروس کتاب به هدف اصلی از ارائه مباحث علوم قرآن، یعنی «فهم آیات» پرداخته و در این راستا، ابتدا موضوع «ترجمه» (در درس هفتم) و سپس «تفسیر» (در این درس) به عنوان قالب‌هایی برای ارائه فهم از قرآن کریم و انتقال فهم به دیگران معرفی می‌شوند. سپس دانش‌آموزان در چهار درس پایانی کتاب به صورت عملیاتی و کارگاهی، به فهم قرآن ورود پیدا کرده و خود با استفاده از ابزارهایی که فراگرفته‌اند، فهم از قرآن را تجربه می‌کنند. این چهار درس، از آن‌جا که مستقیماً و به صورت عملی به فهم قرآن مربوط می‌شود و از این جهت با دروس قبل از آن متفاوت بوده و رویکردی متفاوت در ارائه مباحث پیش گرفته‌اند، با ارائه یک پیش‌گفتار از دروس قبل جدا شده است.

ورودیۀ درس (قبل از ****) به انجام یک فعالیت کلاسی از سوی دانش‌آموزان پرداخته است. هدف از این فعالیت، ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای دنبال نمودن مطالب درس است. در خلال درس سه ملاحظه اساسی برای فهم معنای یک واژه مطرح شده است: تشخیص صحیح ریشه؛ تعیین دقیق‌ترین معنا برای ریشه؛ تشخیص معانی اصطلاحی.

آیاتی که در این فعالیت جهت ترجمه به دانش آموزان ارائه شده‌اند، هر یک ناظر به این سه ملاحظه اساسی انتخاب شده است که در خلال درس به آن‌ها استناد و اشاره می‌شود. آیه اول، ناظر به ملاحظه اول؛ آیه دوم ناظر به ملاحظه دوم و آیات سوم و چهارم، ناظر به ملاحظه سوم ارائه شده‌اند.

پس از ترجمه، از دانش آموزان خواسته شده تا با مقایسه میان ترجمه‌های خود، دلیل این تفاوت‌ها را از نظر خود توضیح دهند. دلیل این ترجمه‌های متفاوت حتماً به یکی از سه ملاحظه اساسی فوق بازمی‌گردد که دانش آموزان قرار است در خلال درس با آن‌ها آشنا شوند. این فعالیت در واقع پیش‌زمینه لازم برای ورود به درس را فراهم می‌آورد؛ ابتدا دانش آموزان آیاتی تقریباً ساده از قرآن را ترجمه می‌کنند و ترجمه هر یک احتمالاً نادانسته با خطاهایی همراه است، سپس در خلال درس با علت خطا در ترجمه‌های خود آشنا شده و از این جهت، مطالب درس برای آن‌ها به صورت عملی جا می‌افتد.

پس از ورودیه، به ارتباط این درس با درس قبل اشاره می‌شود به این معنا که هر مفسر با هر رویکردی که پذیرفته باشد (این رویکردها در درس قبل معرفی شدند) برای فهم قرآن مراحل را طی می‌کند؛ اولین و مهم‌ترین مرحله کشف معنای واژگان است که چگونگی آن در این درس بیان خواهد شد.

سپس به انواع واژه اشاره شده است تا این موضوع مورد تأکید قرار گیرد که منظور از واژه تنها اسم‌ها و فعل‌ها نیست و مفسران حتی باید معانی حروف را نیز کشف کنند؛ چرا که حروف نیز در عربی معانی متعددی دارند. نیاز نیست در کلاس به این مسئله ورود کرده و بخواهید برای دانش آموزان مثال بزنید، اما اگر دانش‌آموزی سؤال کرد، پاسخ آن در بخش بعد قرار داده شده است.

در ادامه، ابزار یک مفسر برای کشف معنای واژگان معرفی شده است. مهم‌ترین ابزار او فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های عربی هستند، که با مراجعه به آن‌ها، معنای واژگان را کشف می‌کند و البته از قرائن دیگر چون استعمالات واژه در قرآن یا معنای واژه در روایات تفسیری نیز بهره‌مند می‌گردد.

سپس درس به هدف اصلی خود وارد می‌شود و مراحل چهارگانه‌ای را که یک مفسر با مراجعه به لغت‌نامه‌ها برای درک معنای واژه طی می‌کند، تبیین می‌گردند:

اولین مرحله: انتخاب لغت‌نامه معتبر است که درس، در قالب معرفی لغت‌نامه‌های معتبر موجود، انواع لغت‌نامه‌ها معرفی شده و نمونه‌هایی از هریک برای آشنایی دانش آموزان مثال زده شده است. مفسران برای دریافت معنای واژگان قرآن به هر دو نوع لغت‌نامه مراجعه کرده و از معانی گوناگون بیان شده در آن‌ها استفاده می‌کنند.

دومین مرحله: تشخیص صحیح ریشه لغت می‌باشد، تا با یافتن ریشه لغت در کتب لغت، معانی گوناگون این ریشه مطالعه و بررسی گردد. در درس آورده شده که «مفسر با مطالعه معانی ارائه شده از ریشه، متناسب با کاربردهای گوناگون آن، دقیق‌ترین معنا را کشف می‌نماید». مراد از این جمله این است که مفسر کاربردهای گوناگون واژه و معانی آن‌ها را بررسی می‌کند، تا بتواند بهترین معنا را برای واژه در جمله مورد نظر بیابد؛ مثلاً، چنان‌که در ادامه خواهد آمد، واژه «ید» متناسب با جمله‌ای که در آن به کار رفته است، پنج

معنای متفاوت یافته که مفسر می‌بایست متناسب با جمله‌ای که پیش رو دارد و کاربرد واژه در آن، میان آن‌ها بهترین و دقیق‌ترین معنا را کشف نماید.

اما آن‌چه در درجهٔ اول حائز اهمیت است، این است که ریشه درست تشخیص داده شود و این تشخیص درگاه ورود به فهم معناست.

در این جا توجه دانش‌آموزان به اولین آیه ارائه شده جلب شده است. تشخیص درست، با نادرست ریشه لغت «تَبَّت»، موجب اختلاف برداشت از معنای آن شده است؛ بر این اساس، دانش‌آموزانی که آن را به صورت «بریده باد» ترجمه کرده بودند، منشأ خطای خود را می‌یابند.

سومین مرحله؛ تشخیص دقیق‌ترین معنا برای واژه است. پس از تشخیص ریشه، نوبت به یافتن دقیق‌ترین معنا برای واژه می‌رسد. در این جا توجه دانش‌آموزان به دومین آیه ارائه شده جلب می‌شود. به احتمال زیاد اکثر دانش‌آموزان، این آیه را به اشتباه ترجمه کرده‌اند؛ یعنی در یافتن دقیق‌ترین معنا برای واژگان به خطا رفته‌اند که با مطالعهٔ این بخش، منشأ خطای خود را یافته و متوجه می‌شوند که همواره نباید به معانی مصطلح و مشهور اعتماد نمایند.

سپس دانش‌آموزان در فعالیت کلاسی، دو واژهٔ دیگر را خود به صورت عملی و کارگاهی مورد بررسی قرار داده و با مراجعه به کتب لغت، معنای دقیق آن‌ها را از میان معانی ارائه شده کشف می‌کنند.

در آیهٔ اول، واژهٔ «ایمان» به ایمان ترجمه شده است، درحالی که مثلاً با مراجعه به قاموس قرآن — که لغت‌نامه‌ای فارسی است — می‌بینیم با اشاره به این آیه، معنای «قسم و پیمان» را برای واژه برگزیده است؛ چرا که یکی از معانی ریشهٔ «یمن» به معنای قسم و پیمان است؛ از این رو، ترجمهٔ صحیح آیه از این قرار است: «با پیشوایان کفر بجنگید؛ چرا که آن‌ها قسم و پیمانی را رعایت نمی‌کنند».

در آیهٔ دوم نیز، با مراجعه به این لغت‌نامه می‌بینیم، با اشاره به این آیه، معنای «سهم و نصیب» را برای واژه برگزیده است و معنای رایج ریشه «ذنب» به معنای گناه را در این آیه نادرست می‌شمارد؛ از این رو، ترجمهٔ صحیح آیه عبارت است از:

و برای کسانی که ستم کردند، نصیبی از عذاب، همانند سهم و نصیب یارانشان (از اقوام ستمگر پیشین) هست. **چهارمین مرحله؛** برای کشف معنای صحیح یک واژه، تشخیص معنای اصطلاحی برخی عبارات است که ترجمهٔ آن‌ها به صورت تحت اللفظی اشتباه است. سه مرحلهٔ پیشین ناظر به ترجمهٔ واژگان است؛ یعنی برای یافتن معنای یک واژه، پس از تشخیص ریشهٔ آن، دقیق‌ترین معنای بیان شده برای آن ریشه متناسب با کاربرد آن در جمله، انتخاب می‌شود. حال اگر واژه مورد نظر، خود اصطلاح باشد، ترجمهٔ ریشهٔ واژه ما را درست می‌برد. درست مانند برخی اصطلاحات در زبان فارسی که نباید به صورت تحت اللفظی معنا شوند.^۱

۱- مثلاً وقتی اصطلاح «کاخ‌نشین» را در زبان فارسی استفاده می‌کنیم، منظورمان افرادی که در کاخ زندگی می‌کنند نیست؛ بلکه استعاره‌ای است از بی‌ثروتی و فقر بدون توجه به طبقات پایین جامعه.

این اصطلاحات را باید با توجه به معنایی که در عصر نزول از آن برداشت می‌شده، فهمید و تفسیر نمود. برای فهم دقیق‌تر این مسئله، توجه دانش‌آموزان در این جا به سومین و چهارمین آیهای که در فعالیت ابتدایی درس آمده بود، جلب می‌شود. دانش‌آموزانی که در ترجمه خود به خطا رفته‌اند، منشأ خطای خود را در عدم ترجمه صحیح دو اصطلاح «اعراب» و «ذا متربه» می‌یابند و به این گونه، چهارمین مرحله به صورت عینی برای دانش‌آموزان جا می‌افتد.

سپس در فعالیت «اندیشه و تحقیق» که فعالیت پایانی درس می‌باشد، دانش‌آموزان با این موضوع به صورت عملی درگیر شده و چهار اصطلاح را با مراجعه به کتب لغت، ترجمه می‌کنند. در این فعالیت، با چهار اصطلاح «اصحاب الیمین»، «ذات بهجة»، «ذات الیمین» و «ذات الشمال» روبه‌رو هستیم که با مراجعه به کتب لغت می‌بینیم این چهار معنا به ترتیب، برای آن‌ها بیان شده است:

«صالحان، با نامه عمل به دست راست» «سرور انگیز» «سمت راست» «سمت چپ»

(و) پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان

۱- این که در درس گفته است، «مفسران باید معانی تمام واژگان یعنی اسم‌ها، افعال و حروف را کشف کنند»، کشف معنای حروف یعنی چه؟ مگر حروف هم معانی دارند؟

پاسخ: بله، حروف هم ممکن است معانی متعددی داشته باشند؛ مثلاً حرف «و» می‌تواند برای عطف به کار رود و دو کلمه را به هم عطف کند: مثل آیه‌ای که خواندیم:

«وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» (الرحمن/۶).

یا می‌تواند معنای «تفسیری» داشته باشد؛ یعنی عبارتی که بعد از آن می‌آید، نقش تفسیر و بیان‌کننده عبارتی است که قبل از «و» آمده است؛ مانند این آیه:

«وَلَا تُطِيعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ» (کهف/۲۸)

و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همان‌هایی که از هوای نفس پیروی کردند.

علامه طباطبائی معتقد است، عبارت «اتَّبَعَ هَواهُ» تفسیر و توضیحی است برای عبارت «أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا» (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۳۰۳)؛ مفسران این «و» را «واو تفسیری» می‌نامند و حتی «و» می‌تواند معنای «قسم» داشته باشد؛ مانند :

«وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونُ»؛ (تین/۱)

قسم به انجیر و زیتون.

۲- با وجود لغت‌نامه‌های خاص قرآنی (دومین نوع لغت‌نامه‌ها)، برای فهم معنای واژگان قرآن، دیگر چه احتیاجی به لغت‌نامه‌های عام عربی است؟

پاسخ: هر چند ممکن است لغت‌نامه‌های خاص قرآنی به منظور بی‌نیاز نمودن مفسران و مترجمان از مراجعه به سایر لغت‌نامه‌های عام نگاشته شده باشند، اما باید توجه داشتیم که لغت‌نامه‌های خاص قرآنی مبتنی بر اجتهاد مؤلفان آن نگاشته شده و آن‌ها از میان معانی گوناگون یک ریشه، آن بخش از معانی که در قرآن ذکر شده را بیان نموده و ممکن است سایر معانی آن ریشه را بیان نکرده باشند، در حالی که یک مفسر با آگاهی از تمام معانی ذکر شده برای ریشه، ممکن است نظر دیگری را برگزیند و معنای جدیدی که در این لغت‌نامه‌های خاص قرآنی بیان نشده است را انتخاب نماید. لذا خوب است که یک مفسر با مراجعه به لغت‌نامه‌های عام، تمامی معانی بیان شده برای ریشه را در زبان عربی مطالعه نماید تا بتواند بهترین معنا را متناسب با کاربرد واژه در جمله انتخاب نماید.

۳- این که در درس گفته شده مفسر یا مترجم، برای یافتن معنای یک واژه، با مطالعه معانی ارائه شده از ریشه آن، متناسب با کاربردهای گوناگون آن، بهترین معنا را برای واژه انتخاب می‌کند، یعنی چه؟ مثالی می‌توانید بزنید؟

پاسخ: مراد از کاربردهای گوناگون یک واژه، توجه به نقش صرفی و نحوی کلمه یا دیگر قرائنی در جمله است که می‌تواند به فهم معنای واژه مورد نظر کمک کند. چنان که در همین درس می‌بینیم، دو واژه «ذَنُوب» و «ذُنُوب» کاربردهای گوناگونی دارند؛ لذا نباید چنین پنداشت که دو وزن «فَعُول» و «فُعُول» دقیقاً به یک معنا استفاده می‌شود. همچنین است در خصوص دو واژه «ایمان» و «آیمان».

همچنین چنان که می‌بینیم، «ید» معانی گوناگون دارد که آن معنایی که با عبارت «نابود باد» هم‌خوانی بیشتری دارد، معنای «نیرو و قدرت» است؛ یا «نجم» در دو معنای «ستاره» و «بوته» استفاده شده است که آن معنایی که با «درخت» سازگاری بیشتری دارد، «بوته» است.

بررسی و انتخاب یک معنا از میان معانی متعددی که برای واژه ذکر شده است، همان اجتهادی است که در درس گفته شده: «مفسر با بررسی معنای یک واژه در لغت‌نامه‌های گوناگون برای کشف دقیق‌ترین معنا به اجتهاد دست می‌زند».

ز) دانستنی‌های مهم

۱ فعالیت کلاسی ابتدای درس می‌تواند به صورت گروهی از سوی دانش‌آموزان انجام شود، تا اگر تعدادی از دانش‌آموزان قادر به ترجمه آیات نبودند، با هم فکری در گروه، این امر میسر گردد.

۲ نحوهٔ چینش واژگان در لغت‌نامه‌های عربی همواره به ترتیب حروف الفبا نیست، به عنوان نمونه، لغت‌نامه «العین»، نوشتهٔ فراهیدی که در درس نیز معرفی شده، به ترتیب حروف الفبا تنظیم نشده است؛ بلکه از نظم و ساختار دیگری پیروی می‌کند که توضیح آن در این جا نمی‌گنجد؛ لذا دانش‌آموزان را به این دست لغت‌نامه‌ها ارجاع ندهید.

۳ تبیین مراحل فهم مفردات قرآن در چهار مرحله، به منظور آموزش این مسئله و نیز بر اساس اهداف تعیین شدهٔ درس و متناسب با توانایی فهم دانش‌آموزان انجام شده است، از این رو، سایر مراحل فهم مفردات قرآن در این جا بیان نشده است. به عنوان نمونه، مفسر پس از شناخت معنای ریشه می‌بایست وزن کلمه را نیز مورد توجه قرار داده و معنایی که حاصل از وزن کلمه هست را نیز لحاظ نماید؛ مثلاً، صفت تفضیلی، صیغهٔ مبالغه، افعال ماضی و مضارع و... را به همان صورتی که آمده‌اند، باید ترجمه و تفسیر نماید که در درس به آن و دیگر مراحل مانند آن اشاره‌ای نگردید.

۴ در ارجاع دانش‌آموزان به لغت‌نامه‌ها چنان که در درس نیز اشاره شده است، تنها دو لغت‌نامهٔ قاموس قرآن – که به زبان فارسی است – یا المفردات – که ترجمهٔ فارسی آن نیز موجود است – را انتخاب کنید. در درجهٔ اول، استفاده از «قاموس قرآن» که به زبان فارسی نگاشته شده است، توصیه می‌شود. استفاده از سایر لغت‌نامه‌ها از آن جا که به زبان عربی نوشته شده‌اند، برای دانش‌آموزان و نیز دبیران سنگین و بسیار زمان‌بر خواهد بود.

۵ تعدادی از مهم‌ترین لغت‌نامه‌ها، روی نرم افزار جامع التفاسیر (و نیز تعداد دیگری از نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور) موجود می‌باشند که می‌توانید با استفاده از ویدئو پروژکتور، برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با این لغت‌نامه‌ها، آن‌ها را در کلاس نمایش داده و معنای نمونه‌هایی از واژگان قرآنی را از روی آن‌ها برای دانش‌آموزان نمایش دهید؛ حتی می‌توان فعالیت‌های کلاسی میان درس را با استفاده از آن‌ها با سرعت بیشتری در کلاس انجام داد.

۶ در اثنای تدریس این درس می‌بایست نحوه کار کردن با لغت‌نامه‌ها – مثلاً قاموس قرآن – را به صورت کارگاهی و عملی با دانش‌آموزان تمرین کنید. برای این امر، چنان‌که در درس نیز توضیح داده شده، برای پیدا کردن یک واژه، ابتدا باید ریشه سه حرفی آن را یافت و آن را به ترتیب حروف الفبا در لغت‌نامه پیدا کرد و سپس معانی ارائه شده از آن ریشه را مطالعه نمود تا بهترین معنا را برای واژه انتخاب کنیم.

در این جا بهتر است دبیران محترم با همراه آوردن نمونه‌ای از لغت‌نامه، مانند قاموس قرآن، خود عملاً به کمک دانش‌آموزان این کار را انجام دهند و سپس از تعدادی از دانش‌آموزان خواسته شود کلمات دیگری را پیدا کنند تا این مسئله در کلاس به خوبی تمرین شود و آن‌ها به صورت کارگاهی نحوه عملی کار کردن با لغت‌نامه را بیاموزند.

فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۲)

الف) اهداف درس

- ۱ آشنایی با اهمیت و تأثیر تسلط بر علم صرف و نحو در فهم صحیح آیات قرآن
- ۲ مطالعه و مرور نمونه‌های عملی از کاربرد علم صرف و نحو در فهم صحیح معنای آیات

ب) توضیحات درس

این درس، دومین درس از بخش دوم کتاب است. بخش دوم کتاب، شامل چهار درس است که دانش‌آموزان در این دروس، از مباحث نظری علوم قرآن فاصله گرفته و خود به صورت عملی، برخی مراحل را که یک مفسر برای فهم معنای آیه طی می‌کند، تجربه می‌کنند. پس از آشنایی دانش‌آموزان با اولین مرحله فهم قرآن (فهم مفردات آیه) در درس قبل، در این درس آن‌ها با دومین گام، یعنی «استفاده از صرف و نحو» در فهم معنای آیه آشنا می‌شوند. دانش‌آموزان در این درس با اهمیت و ضرورت آشنایی با علم صرف و نحو در تفسیر قرآن از خلال مثال‌ها و نمونه‌های متنوع آشنا شده و خود استفاده عملی از این دانش‌ها در فهم معنای آیه را به صورت کارگاهی در کلاس تجربه می‌نمایند.

ج) پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز

- ۱ دانش‌آموزان پیش از این قواعد صرفی و نحوی را در کتاب «عربی، زبان قرآن» سال‌های گذشته خوانده‌اند و با استفاده از این دانش‌ها و پیش‌دانسته‌ها، نمونه‌های ارائه شده در این درس از کاربرد صرف و نحو در فهم را به خوبی متوجه خواهند شد.
 - ۲ به طور خاص در این درس، این موضوعات صرفی و نحوی مطرح شده‌اند که دانش‌آموزان قبلاً با آن‌ها آشنا شده‌اند :
- تفاوت معنایی فعل معلوم و مجهول و نیز معنای «اسم تفضیل»؛ در کتاب «عربی زبان قرآن»، پایه دهم
 - «ما» به عنوان اسم موصول یا حرف نفی؛ در کتاب «عربی زبان قرآن»، پایه یازدهم (درس چهارم)
 - موضوع «بدل» به عنوان نقش نحوی کلمات؛ در کتاب «عربی زبان قرآن»، پایه دوازدهم

د) ارتباط با درس قبل

از درس قبل، این مسئله مورد تأکید قرار گرفت که هر مفسر با هر رویکردی که پذیرفته باشد، مراحل را برای فهم و تفسیر قرآن طی می‌کند. اولین و مهم‌ترین گام که در میان تمامی رویکردها مشترک است، فهم معنای دقیق واژگان است. در درس نهم، چگونگی فهم دقیق واژگان بیان شده و مهم‌ترین مراحل آن برای دانش‌آموزان شرح و تفصیل داده شد.

در این درس، مرحله دوم فهم، یعنی استفاده از دانش صرف و نحو و تأثیر آن در فهم واژگان و جملات قرآن مورد اشاره قرار گرفته و نمونه‌هایی از آن ارائه می‌گردد. از آنجایی که علم مفردات (لغت‌شناسی) و نیز علم صرف و نحو ذیل زبان و ادبیات عربی سازماندهی شده و قرار می‌گیرند، درس قبل تحت عنوان کلی «فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۱)» و این درس تحت عنوان «فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۲)» ارائه شده‌اند.

هـ) تحلیل محتوای درس

چنان‌که گذشت، از درس هفتم که اولین درس از نیمه دوم کتاب به شمار می‌آید، فضای جدیدی برای دانش‌آموزان ایجاد شده و سنخ مباحث کتاب تا حدودی متفاوت گشته است. از درس هفتم به بعد، دروس کتاب به هدف اصلی از ارائه مباحث علوم قرآن، یعنی «فهم آیات» پرداخته و در این راستا، ابتدا موضوع «ترجمه» (در درس هفتم) و سپس «تفسیر» (در این درس) به عنوان قالب‌هایی برای ارائه فهم از قرآن کریم و انتقال فهم به دیگران معرفی می‌شوند. سپس دانش‌آموزان در چهار درس پایانی کتاب، به صورت عملیاتی و کارگاهی، به فهم قرآن ورود پیدا کرده و خود با استفاده از ابزارهایی که فراگرفته‌اند، فهم از قرآن را تجربه می‌کنند.

در این درس، دانش‌آموزان قرار است با یکی دیگر از ابزارهای فهم قرآن، یعنی «علم صرف و نحو» آشنا شوند. یک مفسر علاوه بر لغت‌شناسی، می‌بایست بر علم صرف و نحو نیز مسلط باشد. از آنجایی که علم لغت‌شناسی و نیز علم صرف و نحو ذیل زبان و ادبیات عربی سازماندهی شده و قرار می‌گیرند، درس قبل تحت عنوان کلی «فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۱)» و این درس تحت عنوان «فهم قرآن در آینه ادبیات عرب (۲)» ارائه شده‌اند. ورودیه درس (قبل از ***)، همین موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد:

از آنجایی که قرآن به زبان عربی نازل شده است، بدیهی است که یکی از علوم مورد نیاز برای تفسیر آن، تسلط مفسر بر زبان و ادبیات عربی است. زبان و ادبیات عرب، خود به شاخه‌های گوناگون تقسیم می‌شود از جمله: لغت‌شناسی، صرف، نحو، بلاغت و... در درس قبل ضرورت لغت‌شناسی برای تفسیر مطرح گردید. در این درس نیز، ضرورت تسلط مفسر بر صرف و نحو مورد تأکید قرار می‌گیرد و در بیان ضرورت

تسلط مفسر بر زبان و ادبیات عربی، به همین مقدار اکتفا می‌گردد. دیگر علوم از جمله بلاغت، سطح دشوارتری دارند که از این رو، سطح مطالب برای دانش‌آموزان پایه دوازدهم سنگین بوده و در کتاب از ذکر آن خودداری نمودیم و مطالعه در این خصوص را برای دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند، به بخش «اندیشه و تحقیق» در انتهای درس احاله داده‌ایم.

محتوای درس در این راستا، دو توانایی دیگر را برای یک مفسر ضروری می‌شمارد:

اول: تشخیص ساختار صرفی واژگان

در این بخش، تأثیر ساختار صرفی کلمات در معنا، از طریق بیان نمونه‌های متنوع قرآنی صورت گرفته و از توضیحات نظری تا حد امکان اجتناب شده است؛ از این رو، این بخش با یک فعالیت آغاز می‌گردد تا در ابتدا دانش‌آموزان، تأثیر ساختار صرفی واژگان در معنا را تجربه کرده و به صورت ملموس در عبارات قرآنی مشاهده کنند. در این عبارات، ریشه «کتب» به صورت‌های گوناگون اسمی و فعلی به کار رفته است و هر یک، معنای متفاوتی دارد که دانش‌آموزان این تفاوت معنایی را خود پیش از این پذیرفته و به آن اذعان دارند.

در عبارت اول: «بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ...»؛ این ریشه به ترتیب، به صورت امر مضارع «اَكْتُبُوهُ»، امر غایب «لْيَكْتُبْ»، اسم فاعل «كَاتِبٌ» و فعل مضارع منصوب «يَكْتُبُ» به کار رفته است که هر یک متناسب با این ساختار صرفی، به ترتیب به این صورت ترجمه می‌شوند: «بنویسید»، «باید بنویسد»، «نویسنده» و «بنویسد».

در عبارت دوم: «سُكِّتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْتَلُونَ»، این ریشه به صورت فعل مستقبل و مجهول به کار رفته است که به صورت «نوشته خواهد شد» ترجمه می‌شود. در عبارت سوم نیز این ریشه به صورت اسم مصدر به کار رفته و به معنای «نامه» می‌باشد: «أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْفَهُ إِلَيْهِمْ...».

در قالب این فعالیت، دانش‌آموزان قرار است به صورت عینی، اختلاف معنای یک ریشه را در صورت اختلاف صورت صرفی آن، درک کنند و متوجه شوند که افعال در حالت معلوم و مجهول، متناسب با زمان و عدد خود ترجمه شده و اسامی نیز متناسب با صورت صرفی خود به صورت اسم فاعل، اسم مصدر یا ... ترجمه می‌شوند که می‌بایست قبل از ترجمه کردن، این صورت‌های صرفی را تشخیص دهیم. در این جا ممکن است تعدادی از دانش‌آموزان در ترجمه این واژگان به خطا رفته باشند که حتماً دلیل آن به تشخیص نادرست صورت صرفی واژگان بازمی‌گردد که می‌توان با تذکر آن و ارائه ترجمه صحیح، ضرورت این مسئله را جا انداخت.

حال که دانش‌آموزان این تفاوت معنایی را در مورد یک ریشه (که اکثراً ترجمه آن را بلد بودند) مشاهده کردند، نوبت به موارد کمی سنگین‌تر می‌رسد. در این جا دو نمونه دیگر برای آن‌ها بیان می‌شود:

یکی ترجمه صحیح فعل مجهول؛ باید دقت شود که ترجمه اول از عبارت قرآنی «تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفْرًا»، زمانی صحیح است که به جای فعل «كُفِرَ»، فعل «كَفَرَ» به کار رفته باشد، وقتی این فعل به صورت مجهول به کار رفته باشد: «مورد کفران واقع شد»، تنها کسی که می تواند نائب فاعل آن باشد، حضرت نوح است که از سوی قومش مورد کفران واقع شد؛ لذا ترجمه دوم صحیح است.

نمونه دوم؛ مربوط به تشخیص ساختار صرفی «ما» در جمله به عنوان اسم موصول یا حرف نفی است. چنان که در متن آمده این تشخیص، لازمه ترجمه صحیح عبارت است. نمونه ارائه شده به دنبال القای این موضوع به دانش آموزان است که تشخیص ساختار صرفی، تنها مربوط به اسامی و افعال نبوده و شامل حروف نیز می شود؛ یعنی یک کلمه گاه ممکن است اسم، یا حرف واقع شود که مفسر باید آن را درست تشخیص دهد.

سپس در قالب فعالیت کلاسی، از دانش آموزان خواسته شده تا با توجه به ساختار صرفی واژگان، میان ترجمه های ارائه شده، داوری و انتخاب کنند. این داوری موجب مرور و تثبیت آموخته ها شده و قدرت تحلیل دانش آموزان در موضوع را افزایش می دهد. با قرائت آیات روشن می شود که در عبارت اول، کلمه «كُفِرَ»، صفت تفضیلی و در عبارت دوم، کلمه «يُعَذِّبُ»، فعل معلوم از باب «تفعیل» است که می بایست این شکل صرفی در ترجمه رعایت شود؛ از این رو، در آیه اول، ترجمه اول و در آیه دوم، ترجمه دوم صحیح است.

در این فعالیت اجازه دهید دانش آموزان، خود مورد صحیح را با استدلال بیان کنند تا آموخته های آن ها مرور گردد.

دوم : تشخیص نقش نحوی کلمه در جمله

در بخش قبل، کلمات به خودی خود و صرف نظر از جمله، مورد تحلیل قرار گرفته و ساختار صرفی هر واژه از حیث تأثیر معنایی آن مورد دقت و توجه قرار گرفت.

در این بخش، کلمات از حیث جایگاه و نقشی که در جمله ایفا می کنند، مورد تحلیل قرار می گیرند و نقش نحوی واژگان در جمله از حیث تأثیر معنایی آن، مورد دقت و توجه قرار می گیرد.

در این بخش نیز تأثیر نقش نحوی کلمات در معنا از طریق بیان نمونه های متنوع قرآنی صورت گرفته است تا دانش آموزان این موضوع را به صورت عینی در ترجمه آیات نظاره گر باشند. در این جا یک نمونه بیان شده است؛ نمونه ای که ممکن است بسیاری از دانش آموزان آن را به اشتباه ترجمه کنند و تبیین شده است که چگونه خطا در تشخیص نقش نحوی، موجب خطا در ترجمه آیه شده است.

سپس در قالب فعالیت کلاسی، باز از دانش آموزان خواسته شده تا با توجه به نقش نحوی واژگان، میان ترجمه های ارائه شده داوری کنند. دقت در آیه نشان می دهد که کلمه «صِبْغَةً» به صورت منصوب آمده و باید نقشی منصوب داشته باشد و مبتدا یا خبر نمی تواند باشد. در ترجمه اول، این کلمه به صورت «خبر برای مبتدای محذوف» ترجمه شده که صحیح نیست. اما در ترجمه دوم این کلمه به صورت «مفعول به» ترجمه شده که ترجمه صحیحی است.

در پایان نیز در فعالیت «اندیشه و تحقیق»، ذهن دانش‌آموزان را به سوی سایر علوم که در زبان و ادبیات عربی مورد بحث قرار می‌گیرند و در تفسیر قرآن قابل استفاده هستند، معطوف می‌دارد.

در این درس و درس گذشته، سه عنوان از جمله علمی که در زبان و ادبیات عربی از آن‌ها صحبت به میان می‌آید و برای فهم قرآن مفیدند، برای دانش‌آموزان تبیین گردید. اما زبان و ادبیات عربی، علوم دیگری را نیز شامل می‌شود که برای فهم معانی آیات مفیدند که در این تحقیق، دانش‌آموزان می‌توانند تعدادی از آن‌ها را معرفی و حتی نمونه‌هایی از آن‌ها بیان کنند.

این تحقیق، جزء تحقیق‌های مشکل کتاب محسوب شده و انجام آن می‌تواند شامل نمره تشویقی و اضافی نیز باشد.

جهت آشنایی شما همکاران محترم، دو نمونه از این علوم در ادامه معرفی می‌گردد:

(الف) علم بیان: شامل قواعد و عناصری است که به وسیله آن‌ها می‌توان معنای واحدی را به راه‌های گوناگون بیان کرد. در این علم، عنصر خیال نقش اساسی دارد و مباحث اصلی آن عبارت‌اند از: تشبیه و استعاره، حقیقت و مجاز و کنایه. با آگاهی از این علم، مفسر فهم دقیق‌تری از تشبیهات، استعاره‌ها و کنایه‌های موجود در آیات قرآن خواهد داشت و زیبایی‌های موجود در آن‌ها را بهتر درک خواهد نمود.

(ب) علم بدیع: شامل علمی است که زیبایی‌ها و آرایه‌های لفظی و معنایی در جمله را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. از جمله این آرایه‌ها می‌توان به سجع، جناس و... اشاره نمود. آگاهی از این علم نیز مفسران را با جنبه‌های زیبایی شناختی و تأثیری که این آرایه‌ها در معنا می‌توانند داشته باشند، آشنا می‌کند و در حوزه شناخت معنا و نیز اثبات اعجاز قرآن بسیار مفید واقع می‌گردد.

(و) پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان

۱- در ترجمه صحیح از آیه «تَجَرَىٰ بَاعِينِنَا جَزَاءُ لِمَن كَانَ كُفْرًا» (قمر/۱۴)؛ آمده است: کشتی نوح که زیر نظر ما حرکت می‌کرد؛ این پاداشی بود برای...؛ مگر کلمه «جزاء» به معنای کیفر و مجازات نیست؟ پاسخ: «جزاء»، در اصل به معنای چیزی است که در مقابل یک عمل صورت می‌پذیرد و در هر دو معنای پاداش و مجازات به کار می‌رود؛ چرا که در مقابل یک عمل خوب یا بد اتفاق می‌افتد:

معنای مجازات: فَأَن قَاتَلُواْكُمْ فَاقْتُلُواْهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (بقره/۱۹۱).

معنای پاداش: لَهُمْ مَا يَشَاؤُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (زمر/۳۴).

۲- آیا در تشخیص نقش نحوی واژگان قرآن، مراجعه به کتاب «اعراب القرآن» که در پایان درس معرفی شده است، برای یک مفسر کافی است؟

پاسخ: مراجعه به این منبع و یا سایر منابع مشابه، تنها به عنوان یک منبع کمکی در اجتهاد مفسر خواهد بود و هرگز او را از مراجعه به سایر منابع بی نیاز نخواهد نمود. یک مفسر با مراجعه به منابع گوناگون و استفاده از دانش‌هایی که کسب می‌کند، دست به اجتهاد می‌زند و ممکن است نظری را برگزیند که هیچ‌یک از علمای قبلی ارائه ننموده باشد.

البته معرفی این منبع در پایان درس، بیشتر از این جهت صورت گرفته است که منبعی برای مراجعه ابتدایی دانش‌آموزان باشد؛ این منبع در سطح دانش‌آموزان و برای مراجعه ایشان برای تشخیص نقش نحوی واژگان مفید بوده و شاید بتوان گفت کفایت می‌کند، اما هیچ‌گاه برای یک مفسر که می‌خواهد فهم خود را با دیگران به اشتراک بگذارد، کفایت نمی‌کند.

(ز) دانستنی‌های مهم

۱ فعالیت‌های کلاسی درس می‌تواند به صورت گروهی از سوی دانش‌آموزان انجام شود، تا هم بیشتر دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌ها شرکت داشته و تدریس نیز با سرعت بیشتری انجام گیرد. البته توجه داشته باشید که هر بار یکی از دانش‌آموزان گروه، به عنوان سرگروه و ارائه‌دهنده بحث انتخاب شوند تا قدرت بیان و ارائه همه دانش‌آموزان به مرور در کلاس تقویت گردد.

۲ در درس قبل، برای بیان تأثیر لغت‌شناسی در فهم آیات، گام‌ها و مراحل که یک مفسر برای فهم معنای لغت طی می‌کند را بیان نمودیم (تشخیص ریشه؛ مراجعه به کتب لغت ذیل آن ریشه؛ بررسی معانی ارائه شده از ریشه و تشخیص دقیق‌ترین معنا برای آن)، اما در این درس، تنها به بیان دو عنوان کلی تشخیص نقش صرفی کلمات و تشخیص نقش نحوی کلمه در جمله اکتفا کرده و مراحل که یک مفسر برای این تشخیص طی می‌کند را بیان نکردیم.

دلیل این مسئله، این بود که مطالب برای دانش‌آموزان سنگین نشود. این نوع مطالب به دلیل تازه بودن برای دانش‌آموزان باید با زبان هر چه ساده‌تر مطرح شود که گام‌بندی و بیان مراحل آن، به سنگینی مطالب می‌افزاید. به عنوان نمونه، اگر بخواهیم بخش اول درس (تشخیص ساختار صرفی کلمات) را مانند درس قبل به صورت مراحل فهم و تشخیص ارائه کنیم، شاید این مراحل قابل ارائه باشند:

(الف) ابتدا باید نوع کلمه تشخیص داده شود که این واژه اسم است یا فعل یا حرف؛

(ب) اگر کلمه، فعل باشد؛ تشخیص نوع (معلوم و مجهول)، زمان، عدد و جنس؛

(ج) اگر کلمه مورد نظر اسم باشد؛ تشخیص نوع صرفی آن (اسم فاعل، صفت تفضیلی و...)

(د) اگر کلمه، حرف باشد؛ تشخیص نوع و معنای آن (که در باب معانی حروف در ادبیات عربی مطرح می‌گردد).

درس ۱۱

فهم قرآن در آینه قرآن (۱)

الف) اهداف درس

- ۱ آشنایی با قاعده تفسیری «ان القرآن یفسر بعضه بعضاً»
- ۲ آشنایی با مفهوم و جایگاه «سیاق» در فهم صحیح و دقیق تر آیات قرآن
- ۳ آشنایی با سیاق و انواع آن (لفظیه و حالیه)، به عنوان یکی از گام‌ها و مراحل تفسیر قرآن به قرآن
- ۴ مطالعه و مرور نمونه‌های عملی از کاربرد سیاق در فهم صحیح معنای آیات

ب) توضیحات درس

این درس، سومین درس از بخش دوم کتاب است. بخش دوم کتاب، شامل چهار درس است که دانش‌آموزان در این دروس از مباحث نظری علوم قرآن فاصله گرفته و خود به صورت عملی، برخی مراحل را که یک مفسر برای فهم معنای آیه طی می‌کند، تجربه می‌کنند. پس از آشنایی دانش‌آموزان با اولین و دومین مرحله فهم قرآن (فهم مفردات آیه و تسلط بر علم صرف و نحو) در درس‌های قبل، در این درس آن‌ها با سومین گام، یعنی «توجه به سیاق آیه» در فهم معنا آشنا می‌شوند. دانش‌آموزان در این درس با تعریف سیاق، انواع آن و نیز ضرورت استفاده از آن در تفسیر قرآن آشنا شده و خود، استفاده عملی از سیاق در فهم معنای آیه را به صورت کارگاهی در کلاس تجربه می‌نمایند.

ج) پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز

- ۱ در متن درس، واژه «نجم» به معنای «بوته یا گیاه بدون ساقه» معرفی شده و کاربرد یافته است. دانش‌آموزان پیش از این با این معنا برای واژه در درس نهم آشنا شده بودند.
- ۲ دانش‌آموزان برای انجام فعالیت «اندیشه و تحقیق» می‌بایست با مفهوم آیات مکی و مدنی و ملاک تشخیص این آیات آشنا باشند که این مفاهیم در درس پنجم کتاب علوم و معارف قرآنی پایه دهم به تفصیل برای ایشان مطرح شده است.

د) ارتباط با درس قبل

از درس نهم، این مسئله مورد تأکید قرار گرفت که هر مفسر با هر رویکردی که پذیرفته باشد، مراحل را برای فهم و تفسیر قرآن طی می‌کند. فهم معنای دقیق واژگان و استفاده از علم صرف و نحو در فهم آیات، به عنوان اولین و دومین مرحله فهم قرآن در درس‌های نهم و دهم برای دانش‌آموزان شرح و تفصیل داده شد. در این درس، مرحله سوم فهم، یعنی استفاده از «سیاق» در فهم واژگان و جملات قرآن مورد اشاره قرار گرفته و نمونه‌های عملی از آن ارائه می‌گردد. با توجه به تعریفی که از سیاق در درس ارائه شده است، استفاده از سیاق، یعنی استفاده از برخی آیات قرآن پیرامون عبارت مورد نظر، برای فهم معنای دقیق آن عبارت. بر این اساس، این درس تحت عنوان کلی «فهم قرآن در آینه قرآن (۱)» سازماندهی و ارائه شده است.

هـ) تحلیل محتوا و پاسخ به فعالیت‌های کلاسی درس

چنان‌که گذشت، از درس هفتم که اولین درس از نیمه دوم کتاب به شمار می‌آید، فضای جدیدی برای دانش‌آموزان ایجاد شده و سنخ مباحث کتاب تا حدودی متفاوت گشته است. از درس هفتم به بعد، دروس کتاب به هدف اصلی از ارائه مباحث علوم قرآن، یعنی «فهم آیات» پرداخته و در این راستا، ابتدا موضوع «ترجمه» (در درس هفتم) و سپس «تفسیر» (در درس هشتم) به عنوان قالب‌هایی برای ارائه فهم از قرآن کریم و انتقال فهم به دیگران معرفی می‌شوند. سپس دانش‌آموزان در چهار درس پایانی کتاب، به صورت عملیاتی و کارگاهی، به فهم قرآن ورود پیدا کرده و خود با استفاده از ابزارهایی که فراگرفته‌اند، فهم از قرآن را تجربه می‌کنند.

در این درس، دانش‌آموزان قرار است، با سومین ابزار از ابزارهای فهم قرآن، یعنی «توجه به سیاق آیه» آشنا شوند. یک مفسر پس از فهم معنای واژگان و تحلیل صرفی و نحوی آن‌ها می‌بایست معنای هر واژه را با توجه به سیاق آن کشف کند.

● ورودیه درس :

ورودیه درس به تشریح قاعده‌ای در تفسیر می‌پردازد که یکی از خروجی‌های این قاعده، مراجعه به سیاق آیه برای فهم معنای آیه است. به عبارت دیگر، اگر یک مفسر بخواهد به این قاعده در تفسیر عمل کند، می‌بایست به سیاق آیه توجه داشته باشد. البته در این جا سخنی از سیاق به میان نمی‌آید تا دانش‌آموزان از طریق آشنایی با این قاعده تفسیری در ورودیه، در بخش بعدی به موضوع «سیاق» و تعریف آن منتقل شوند.

چنان که در ورودیه درس (قبل از علامت ***) آمده، بررسی دقیق آیات قرآن نشان می‌دهد که آیات قرآن کاملاً با هم هماهنگ‌اند و یک کل منسجم را تشکیل می‌دهند. این هماهنگی به شکل‌های گوناگون خود را نشان می‌دهد:

■ اگر در جایی یک مفهوم به صورت مجمل مطرح شده، ممکن است در جای دیگر به تفصیل مطرح شده باشد.

■ اگر در یک‌جا بخشی از داستان یک پیامبر آمده باشد، ادامه آن داستان ممکن است در سوره دیگری آمده باشد.

■ یک مفهوم ممکن است در جایی با یک بیان و در جای دیگر همین مفهوم با بیان دیگری ارائه شده باشد.

■ گاه مفهومی که در ابتدای آیه آمده است، برای فهم معنای انتهای آیه، مفید و مؤثر می‌باشد، یا مفهومی که در انتهای آمده است، معنای ابتدای آیه را روشن‌تر می‌سازد.

از این رو، برخی مفسران برای فهم معنای یک عبارت در آیه، آن عبارت را در ارتباط با قبل و بعد خود مورد توجه قرار داده و یا به سایر آیاتی که به نحوی با آن آیه مرتبط‌اند مراجعه می‌کردند.

این سیره مفسران در تفسیر کم‌کم موجب پیدایش این قاعده تفسیری شد:

«ان القرآن یفسر بعضه بعضاً»؛ بعضی آیات قرآن، بعضی دیگر را تفسیر می‌کنند.

در انتهای ورودیه، این سؤال مطرح شده است، که یک مفسر چگونه به این قاعده تفسیری جامه عمل می‌پوشاند و در تفسیر خود آن را به کار می‌بندد؟

این درس و درس بعدی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستند.

یک مفسر برای استفاده از آیات قرآن در فهم دیگر آیات، نیاز به یک پیش‌نیاز دارد و آن تسلط بر مفاهیم و مقاصد موجود در سوره‌های گوناگون است تا هنگام تفسیر یک آیه یا عبارت قرآنی، آیات و عبارات مشابه آن را بیابد. از این رو، بلافاصله پس از ورودیه، به این نکته اشاره شده است.

به هنگام تفسیر یک عبارت، با تسلط مفسر بر آیات قرآن، دو حالت پیش خواهد آمد:

الف) برای فهم عبارت، از عبارات قبل و بعد آن استفاده می‌کند.

ب) برای فهم عبارت، از سایر عبارات و آیات مشابه در سوره‌های گوناگون استفاده می‌کند.

یک مفسر اگر از عبارات قبل و بعد یک کلمه یا جمله برای فهم معنای آن بهره‌مند شود، اصطلاحاً گفته

می‌شود از سیاق آیه برای فهم استفاده نموده که در این درس، چگونگی آن توضیح داده می‌شود.

درس با تیتَر «فهم عبارت با توجه به سیاق آیه» وارد بخش اصلی خود شده و اهداف مورد نظر را دنبال می‌کند :

● فهم عبارت با توجه به سیاق آیه :

در این بخش ابتدا «سیاق» تعریف شده و سپس انواع آن برای دانش‌آموزان بیان می‌شود. تعریف «سیاق»، در قالب بیان یک مثال صورت گرفته، مثالی که دانش‌آموزان در درس نهم با آن آشنا شده بودند. در پایان این صفحه، سیاق این گونه تعریف شده است :

قرینه‌ای که در شناسایی معنای یک کلمه یا جمله ایفای نقش می‌کند؛ به طوری که بدون توجه به این قرینه ممکن است معنای نادرستی از عبارت برداشت شود.

بر اساس این تعریف

اولاً سیاق قرینه شناسایی معناست که یک مفسر با توجه به فضای کلی آیه و عبارات قبل و بعد عبارت مورد نظر در آیه، این قرینه را کشف می‌کند؛ چنان که در مثال، واژه «شجر» قرینه‌ای برای انتخاب معنای بوته برای واژه «نجم» قرار گرفته است.

ثانیاً بدون توجه به آن، ممکن است معنای نادرستی از عبارت برداشت شود؛ چنان که بدون توجه به سیاق در مثال، همه معنای «ستاره» را برای واژه نجم برمی‌گزینند، معنایی که برای این آیه صحیح نیست.

سپس انواع سیاق مطرح می‌گردد. از آنجایی که سیاق را «قرینه شناسایی معنا» تعریف نمودیم، برای بیان انواع سیاق، انواع قرینه‌ها توضیح داده می‌شود تا دانش‌آموزان بهتر انواع سیاق را متوجه بشوند. از این‌رو، در ادامه دو نوع از مهم‌ترین انواع قرینه‌ها برای دانش‌آموزان معرفی می‌شوند :

الف) قرینه لفظیه؛ ابتدا این نوع قرینه تعریف شده است :

مراد از این قرینه، کلمات یا عبارات دیگری است که با عبارت مورد نظر یک سخن به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند.

چنان که در ادامه آمده در این تعریف، دو نکته بسیار مهم وجود دارد :

۱ در قرینه لفظیه چنان که از نامش پیداست، یک لفظ (کلمه یا عبارت) قرینه کشف معنا قرار می‌گیرد؛ چنان که در مثال قبل آمد، کلمه «شجر»، قرینه کشف معنای «بوته» برای واژه «نجم» شده است. یا چنان که در فعالیت کلاسی آمده است، عبارت «اِنَّ شَانِثَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ»، قرینه کشف معنای «فراوانی نسل» برای واژه «کوثر» قرار گرفته است.

عبارت «اِنَّ شَانِثَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ»، یعنی دشمن تو قطعاً بریده نسل است. (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی) از چهار معنای ارائه شده برای واژه «کوثر» در فعالیت کلاسی، معنایی که با مفهوم جمله «اِنَّ شَانِثَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ» سازگاری و هماهنگی بیشتری دارد، معنای سوم (فراوانی نسل و فرزندان پیامبر) می‌باشد.

۲ آن کلمه یا جمله، می‌بایست با عبارت مورد نظر ما که در پی کشف معنای آن هستیم، یک سخن به هم پیوسته را تشکیل دهد، حال ممکن است این کلمه یا جمله در کنار عبارت مورد نظر آمده باشد (چنان که شجر در کنار نجم به کار رفته است)، یا در چند آیه بعد، اما مرتبط با عبارت مورد نظر آمده باشد (مانند عبارت «ان شاتک هو الابتر» که در دو آیه بعد از واژه «کوثر» به کار رفته است).

در ادامه با اشاره به آیه ۳۰ از سورة انبیاء، مثال دیگری از قرینه و سیاق لفظی زده شده است. مثال‌هایی که تا این جا آورده شد، مربوط به کشف معنای یک کلمه بود، تفاوت این مثال با مثال‌های قبلی این است که در این جا یک جمله، موجب کشف معنای یک جمله دیگر می‌شود. در انتهای آیه، این جمله آمده است: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»؛ یعنی هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم.

مفسران با توجه به معنای این جمله معتقدند، آن چه در خصوص بسته بودن و باز شدن آسمان و زمین با عبارت «جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»، سازگاری و هماهنگی بیشتری دارد، این معناست که در آغاز آسمان بسته بود و بارانی نمی‌بارید و زمین نیز بسته بود و گیاهی نمی‌روید، اما خدا هر دو را گشود، از آسمان باران نازل کرد و از زمین انواع گیاهان را رویانید؛ چرا که در آیه به زنده شدن همه چیز از آب اشاره کرده که می‌تواند ناظر به رویش گیاهان و زنده شدن طبیعت از آب باران باشد.

پاسخ فعالیت کلاسی که در انتهای این بخش آمده همین است.

ب) قرینه حالیه؛ مانند بخش قبل، ابتدا این نوع قرینه تعریف شده است:

مراد از این قرینه، فضایی است که پیرامون آیه ترسیم شده و به برداشت ما از آیه کمک می‌کند.

در این جا برخلاف قرینه لفظیه، ما با لفظ مشخصی روبه‌رو نیستیم، تا آن را قرینه کشف معنا قرار دهیم.

بلکه مفسر با توجه به اوضاع و شرایط پیرامون آیه، معنا را کشف می‌کند.

در مثالی که آورده شده، لفظ خاصی به این موضوع اشاره ندارد که فروشندگان یوسف، برادران او بودند یا کاروانیان؛ بلکه مفسر با نگاه به فضای کلی آیه از آن جایی که می‌بیند اسمی از برادران یوسف به میان نیامده و تمام ضمائر جمع به کاروانیان باز می‌گردد، مرجع ضمیر در «شروه» را نیز به کاروانیان بازگردانده و آن‌ها را فروشنده یوسف می‌داند.

نمونه دیگر از این نوع قرینه، در اولین فعالیت کلاسی خود را نشان می‌دهد:

آیه «ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ» (دخان/۴۹)،

به این معناست: (از این‌ها) بجش که تو ارجمند و بزرگواری هستی.

در نگاه اول ممکن است بگوییم، خطاب این آیه به بهشتیان و صفاتی که در آن آمده (ارجمند و بزرگوار)، صفات آن‌هاست؛ در حالی که با مراجعه به آیات قبل و بعد و ملاحظه فضای پیرامون آیه، نظرمان تغییر خواهد کرد. مفسر در این جا با استفاده از قرینهٔ حالیه، خطاب آیه را جهنمیان می‌داند:

حُذَوْهُ فَاعْتَلَوْهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ؛ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ؛ ذُقْ إِنَّكَ أَنتَ
الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ؛ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ (دخان/۵۰-۴۷)؛

او را بگیرد و به میان دوزخ پرتابش کنید؛ سپس بر سر او از عذاب جوشان بریزید؛ (از این‌ها) بچش که تو ارجمند و بزرگوار هستی؛ این همان چیزی است که پیوسته در آن تردید می‌کردید.

چنان‌که می‌بینیم، فضای پیرامون آیه در خصوص جهنمیان می‌باشد. دلیل این‌که چرا جهنمیان را با صفت ارجمند و بزرگوار خطاب کرده است، در بخش «دانستنی‌های معلم» خواهد آمد.

پاسخ دومین فعالیت؛

دومین فعالیت که فعالیت پایانی این درس می‌باشد، ناظر به قرینه و سیاق لفظی است. در این آیات، مراد از «کتاب مسطور»، «تورات» می‌باشد. عبارت قبل آن، یعنی «و الطور»، قرینهٔ انتخاب این معنا برای «کتاب مسطور» است.

به بیان دیگر، معنای «تورات» برای «کتاب مسطور» با عبارت قبلی آن «و الطور»، سازگاری و هماهنگی بیشتری دارد؛ چرا که کوه طور، کوهی است که در آن بر حضرت موسی وحی می‌شد و کتاب آسمانی ایشان، «تورات» است.

پاسخ فعالیت اندیشه و تحقیق؛

این فعالیت در واقع پلی میان اندوخته‌های قبلی و جدید دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان در پایهٔ دهم با مفهوم آیات و سوره‌های مکی و مدنی آشنا شده‌اند. در این جا می‌خواهیم ببینیم «سیاق» چه تأثیری در شناخت آیات و سوره‌های مکی و مدنی دارد؟

توجه به سیاق از دو جهت در تشخیص مکی یا مدنی بودن آیات مفید خواهد بود:

جهت اول:

چنان که گذشت، «سیاق» قرینه شناخت معناست. بنابراین، سیاق شامل هر قرینه‌ای که به نحوی موجب دریافت معنای دقیق‌تر عبارات قرآن باشد، می‌شود.

حال به مفهوم مکی و مدنی دقت کنیم. آیاتی که در مکه نازل شده‌اند، مکی و آیاتی که در مدینه نازل شده‌اند، مدنی نامیده می‌شوند. یکی از روش‌هایی که مفسران برای شناخت مکی یا مدنی بودن آیات مورد استفاده قرار می‌دهند، توجه به وقایعی است که در مکه یا مدینه اتفاق افتاده است که اگر آیه یا سوره‌ای ناظر به یکی از این اتفاقات نازل شده است، آن را مکی یا مدنی بدانیم.

«سیاق» از آن جایی که موجب دریافت دقیق‌تر معنا می‌شود، این معنا می‌تواند ناظر به یکی از اتفاقات مکه، یا مدینه باشد که از این جهت در تشخیص مکی، یا مدنی بودن سوره کمک بسیاری می‌کند.

مثلاً این که معنای «الکوثر» در آیه اول سوره کوثر چیست، دلیل محکمی برای تشخیص مکی، یا مدنی بودن این سوره خواهد بود. اگر معنای آن را «اصحاب و پیروان پیامبر یا قرآن کریم» بدانیم، ممکن است آن را مدنی بدانیم؛ چرا که تعداد اصحاب پیامبر یا میزان نزول آیات قرآن در دوران مدینه بسیار بیشتر از مکه بوده و می‌تواند مصداقی از کوثر قرار گیرند. در حالی که اگر مصداق آن را با در نظر گرفتن سیاق، فراوانی نسل پیامبر از طریق وجود حضرت زهرا علیها السلام بدانیم، این سوره به تولد ایشان اشاره کرده که از این جهت قطعاً سوره‌ای مکی است؛ چرا که حضرت زهرا در مکه متولد شده‌اند.

در این گونه موارد، سیاق از این جهت که معنای دقیق برخی عبارات را مشخص می‌کند و این معنا می‌تواند ناظر به اتفاقات مکه یا مدینه باشد، به تشخیص مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها کمک می‌کند.

جهت دوم:

یکی دیگر از راه‌هایی که مفسران برای تشخیص مکی یا مدنی بودن آیات از آن استفاده می‌کنند، توجه به فضای کلی آیات است که آیا این فضای کلی ترسیم شده در آیات، با فضای مکه سازگارتر است، یا با فضای مدینه؟

به عنوان مثال، از آن جایی که در مکه بیشتر مخاطبان پیامبر را کفار تشکیل می‌دادند، فضای کلی آیات بیشتر اندازی و با هدف انداز مخاطبان نسبت به عواقب سوء بت پرستی است و این می‌تواند قرینه‌ای برای تشخیص مکی بودن آیات باشد. بنابراین، اگر یک مفسر با بررسی سیاق آیات و قرینه‌های کشف معنا در آیات به این نتیجه برسد که آیات مورد نظر رویکرد اندازی داشته و عواقب سوء مخالفت با پیامبر را نشان می‌دهد، می‌تواند آن را قرینه‌ای برای مکی بودن آیات قرار دهد.

و یا اگر مفسر با بررسی سیاق یک دسته آیات، به این نتیجه برسد که این آیات درصدد بیان یک حکم شرعی است، از آنجا که تشریع قوانین بیشتر مربوط به دوران تشکیل حکومت اسلامی در مدینه است، می‌تواند آن را قرینه‌ای برای مدنی بودن این دسته آیات در نظر بگیرد.

در این گونه موارد، بررسی سیاق و قرائن کشف معنا، از این جهت که فضای کلی آیات را مشخص می‌کند و این فضای کلی می‌تواند با حال و هوای مکه، یا مدینه سازگاری بیشتری داشته باشد، می‌تواند در تشخیص مکی یا مدنی بودن آیات مفید باشد.

(و) پرسش‌های احتمالی دانش آموزان

۱- قبلاً شنیده بودیم که «کوثر» به معنای «خیر کثیر» است. چرا این‌جا به معنای فراوانی نسل آمده است؟

پاسخ: «کوثر» بر وزن «فوعِل»؛ وصفی است که از ریشه «کثر» گرفته شده و معنای لغوی آن «خیر کثیر و فراوان» می‌باشد. بنابراین، خیر کثیر، معنای لفظی واژه «کوثر» است که می‌تواند مصادیق گوناگون داشته باشد. مصداق این وصف در این آیه با توجه به سیاق آیه - که توضیح آن در بخش تحلیل محتوا گذشت - فراوانی نسل و ذریه پیامبر اسلام می‌باشد.

۲- در تشخیص معنا با توجه به «قرینه حالیه»، در مثالی که آورده شده، با توجه به عبارات و الفاظ آیه، معنا تشخیص داده شد؛ چرا که گفته شده همه ضامائر به کاروانیان بازگشته و اسمی از برادران نیامده تا ضمیر به آن‌ها بازگردد....

با این اوصاف چرا اسم آن را قرینه حالیه گذاشته است؟ مگر چه تفاوتی با قرینه لفظی دارد؟

پاسخ: چنان‌که در درس آمده است، در قرینه لفظی، یک لفظ (کلمه یا عبارت) موجب تعیین یک معنا برای عبارت مورد نظر ما می‌شود، در حالی که در قرینه حالیه، فضای پیرامونی آیه موجب تشخیص معنا می‌گردد. در مثالی که آورده شده، لفظی مشخص در آیه، موجب تشخیص مرجع ضمیر در عبارت «شَرَوْه» نشده و از فضای کلی آیه که حال کاروانیان را توصیف می‌کند، می‌فهمیم مرجع ضمیر به کاروانیان بازمی‌گردد، از این رو، این قرینه، از انواع قرینه‌های حالیه به شمار می‌آید.

۱ فعالیت‌های کلاسی درس می‌تواند به صورت گروهی از سوی دانش‌آموزان انجام شود، تا هم بیشتر دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌ها شرکت داشته و تدریس نیز با سرعت بیشتری انجام گیرد. البته توجه داشته باشید که هر بار یکی از دانش‌آموزان گروه، به عنوان سرگروه و ارائه‌دهنده بحث انتخاب شوند تا قدرت بیان و ارائه همه دانش‌آموزان به مرور در کلاس تقویت گردد.

۲ در ورودیه این درس دانش‌آموزان با یک قاعده تفسیری آشنا می‌شوند. در این درس قرار است دانش‌آموزان با این قاعده صرفاً آشنا شده و طی این درس و درس بعدی، مصادیقی از این قاعده را مطالعه کنند. لذا توجه گردد که هدف درس تبیین دقیق این قاعده نیست و صرفاً آشنایی دانش‌آموزان با آن کفایت می‌کند. دانش‌آموزان ممکن است سؤالات بسیاری درباره این قاعده داشته باشند که بخشی از آن با مطالعه درس و خصوصاً مطالعه درس بعد برطرف خواهد شد؛ لذا با مرور کلی درس بعد، پاسخ‌گویی به بخشی از سؤالات ایشان که مربوط به محتوای درس بعدی می‌باشد را به زمان تدریس آن درس احاله فرمایید.

۳ در آخرین فعالیت کلاسی درس، آیه ۴۹ از سوره دخان، این‌گونه ترجمه شده است: (از این‌ها) بچش که تو ارجمند و بزرگواری هستی.

و چنان‌که گذشت، این آیه در خصوص جهنمیان است. این‌که چرا در این آیه، جهنمیان را با صفات ارجمند و بزرگواری توصیف کرده، با استفاده از صنعتی ادبی به نام صنعت «تهکم» قابل توجیه و تبیین است: «تهکم»، یکی از اسالیب تعبیر بیانی است که متکلم به منظور استهزای مخاطب، کلام خود را با کمک قرینه در ضد معنای اصلی به کار می‌برد. در این آیه، مراد نهایت ذلت و پستی جهنمیان است که این‌گونه آورده شده است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «اگر جهنمیان را عزیز و کریم خواند، در حقیقت نوعی استهزاء به او است؛ چرا که این‌گونه افراد در دنیا برای خود عزت و کرامتی قائل هستند و به هیچ وجه حاضر نیستند از آن عزت و کرامت موهوم دست بردارند...» (المیزان، ج ۱۸، ص ۱۴۸).

درس ۱۲

فهم قرآن در آینه قرآن (۲)

الف) اهداف درس

- ۱ آشنایی با مفهوم و جایگاه «تفسیر قرآن به قرآن» برای فهم صحیح و دقیق تر آیات قرآن
- ۲ مطالعه و مرور نمونه های عملی از کاربرد تفسیر در فهم صحیح معنای آیات
- ۳ آشنایی با ضرورت ها و دلایل تفسیر قرآن به قرآن (بر مبنای سه دلیل عقلی، قرآنی و حدیثی)
- ۴ آشنایی با رابطه میان دو مفهوم «تفسیر قرآن به قرآن» و «تفسیر موضوعی»

ب) توضیحات درس

این درس، چهارمین و آخرین درس از بخش دوم کتاب است. بخش دوم کتاب، شامل چهار درس می شد که دانش آموزان در این دروس از مباحث نظری علوم قرآن فاصله گرفته و خود به صورت عملی، برخی مراحل را که یک مفسر برای فهم معنای آیه طی می کند، تجربه می کردند. پس از این که دانش آموزان در درس های قبل با سه مرحله مهم در فهم قرآن آشنا شدند (فهم مفردات آیه، تسلط بر علم صرف و نحو و توجه به سیاق آیه)، در این درس آن ها با چهارمین گام، یعنی «استفاده از محتوای سایر آیات در تفسیر» و فهم معنا آشنا می شوند. این درس به نحوی ادامه درس قبل است و مبتنی بر قاعده تفسیری «إِنَّ الْقُرْآنَ يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا» که در درس قبل معرفی شد، شکل دیگری از استفاده از آیات در فهم قرآن را تبیین می کند. دانش آموزان در این درس با ضرورت تفسیر قرآن به قرآن و چگونگی آن در حدّ مقدماتی آشنا شده و خود، استفاده عملی از آیات قرآن در فهم معنای یک آیه را به صورت کارگاهی در کلاس تجربه می نمایند.

ج) پیش دانسته های دانش آموز

- ۱ در فعالیت کلاسی صفحه ۱۶۹، با اشاره به آیه ۱۵۸ سوره بقره، به یکی از پیش دانسته های دانش آموزان ارجاع داده شده است. دانش آموزان در سال یازدهم با استفاده از سبب نزول آیه، با معنای عبارت «فلا جناح» در آیه که دلالت بر وجوب دارد، آشنا شده اند.
- ۲ در فعالیت اندیشه و تحقیق صفحه ۱۶۹ نیز به مفهوم «تفسیر موضوعی» اشاره شده است که دانش آموزان پیش از این در پایه دهم با مفهوم و تعریف آن آشنا شده اند.

د) ارتباط با درس قبل

از درس نهم، این مسئله مورد تأکید قرار گرفت که هر مفسر با هر رویکردی که پذیرفته باشد، مراحل را برای فهم و تفسیر قرآن طی می‌کند. فهم معنای دقیق واژگان و استفاده از علم صرف و نحو در فهم آیات، به عنوان اولین و دومین مرحله فهم قرآن در درس‌های نهم و دهم برای دانش‌آموزان شرح و تفصیل داده شد. سپس در درس یازدهم، آیات خود قرآن به عنوان یکی از ابزارهای فهم معرفی گشته و استفاده از «سیاق آیه» در فهم واژگان و جملات قرآن، به عنوان مصداق آن و سومین مرحله فهم قرآن تبیین گردید. در این درس، مرحله چهارم فهم، یعنی استفاده از «سایر آیات قرآن» در فهم آیه مورد اشاره قرار گرفته و «تفسیر قرآن به قرآن» به عنوان مصداق دوم استفاده از آیات قرآن در فهم تبیین می‌گردد و نمونه‌های عملی از آن ارائه می‌شود. بر این اساس، این درس به نحوی ادامه درس قبل لحاظ شده و تحت عنوان «فهم قرآن در آینه قرآن (۲)» سازماندهی و ارائه شده است. این ارتباط در ورودیه درس به خوبی مشهود است.

ه) تحلیل محتوا و پاسخ به فعالیت‌های کلاسی درس

چنان‌که گذشت، از درس هفتم که اولین درس از نیمه دوم کتاب به شمار می‌آید، فضای جدیدی برای دانش‌آموزان ایجاد شده و سنخ مباحث کتاب تا حدودی متفاوت گشته است. از درس هفتم به بعد، دروس کتاب به هدف اصلی از ارائه مباحث علوم قرآن، یعنی «فهم آیات» پرداخته و در این راستا، ابتدا موضوع «ترجمه» (در درس هفتم) و سپس «تفسیر» (در درس هشتم) به عنوان قالب‌هایی برای ارائه فهم از قرآن کریم و انتقال فهم به دیگران معرفی می‌شوند. سپس دانش‌آموزان در چهار درس پایانی کتاب به صورت عملیاتی و کارگاهی، به فهم قرآن ورود پیدا کرده و خود با استفاده از ابزارهایی که فراگرفته‌اند، فهم از قرآن را تجربه می‌کنند.

در این درس، دانش‌آموزان قرار است، با چهارمین ابزار از ابزارهای فهم قرآن یعنی «استفاده از محتوای دیگر آیات در تفسیر» آشنا شوند. یک مفسر پس از تسلط بر ادبیات عرب و نیز مطالعه سیاق آیات، می‌بایست بر محتوای دیگر آیات قرآن نیز تسلط داشته باشد، تا از محتوای آن‌ها در تفسیر آیه مورد نظر خود بهره‌مند گردد. این همان چیزی است که در عرف مفسران تحت عنوان «تفسیر قرآن به قرآن» شناخته می‌شود. از آنجایی که مراجعه به سیاق آیه و نیز تفسیر قرآن به قرآن، به نوعی استفاده از آیات قرآن برای فهم یک آیه می‌باشد، درس قبل تحت عنوان کلی «فهم قرآن در آینه قرآن (۱)» و این درس تحت عنوان «فهم قرآن در آینه قرآن (۲)» ارائه شده‌اند. ورودیه درس (قبل از ***)، همین موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد و البته یک دلیل عقلی برای مراجعه به آیات قرآن در تفسیر مطرح می‌نماید. این دلیل عقلی جدای از قاعده تفسیری «إِنَّ الْقُرْآنَ يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا» که در درس قبل توضیح داده شد، نیست و همان را با تفصیل بیشتری توضیح می‌دهد.

هنگامی که یک حکیم، مجموعه منسجمی از موضوعات و مفاهیم را برای رسیدن به هدفی مشخص در کنار یکدیگر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که هیچ اختلاف و تعارضی میان این مفاهیم وجود ندارد، منطقی است که می‌توان برای فهم دقیق‌تر یک موضوع در کلام او به سایر سخنان او که با این موضوع ارتباط دارند، مراجعه نمود. البته تشخیص این که کدام مفاهیم در سخنان او با موضوع مورد نظر ارتباط دارند، کار ساده‌ای نیست و دقت بسیار می‌طلبد، اما هنگامی که با اجتهاد فراوان و دقیق، این مفاهیم مشابه استخراج شدند، می‌توان از آن‌ها در فهم دقیق‌تر کلام او استفاده نمود.

قرآن کریم نیز که سخن حکیم‌ترین حکیمان است، از این قاعده مستثنا نیست و برای فهم معنای آیات می‌توان به سایر آیات مشابه آن مراجعه نمود. از این رو، با توجه به آن چه در درس قبل گذشت، استفاده از آیات قرآن برای فهم یک آیه در دو گام خلاصه می‌شود:

■ استفاده از سیاق یا همان قرائن موجود در آیه و آیات پیرامونی آن برای فهم

■ استفاده از تفسیر قرآن به قرآن یا همان استفاده از سایر آیات در فهم آیه مورد نظر

این درس به تبیین گام دوم پرداخته و در قالب بیان دو نمونه این گام را برای دانش‌آموزان به تصویر کشیده است. با توجه به این که توضیح تفصیلی مبانی تفسیر قرآن به قرآن و نیز تبیین روش استخراج آیات مشابه با آیه مورد نظر، فراتر از سطح دانش‌آموزان می‌باشد، در این جا از طرح آن‌ها اجتناب شده و فقط تفسیر قرآن به قرآن در قالب دو مثال برای دانش‌آموزان مطرح شده است؛ که همین مقدار کافی است.

پاسخ فعالیت کلاسی صفحه ۱۶۶ :

در بخش (الف)، با قرار دادن دو آیه در کنار هم، می‌بینیم که در آیه دوم، «شُرک به خدا» با عنوان «ظلم» معرفی شده است و این معنا در آیه اول، قابل استفاده است و می‌توان ظلم در آیه اول را همان شرک دانست. در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ، با استناد به آیه (۱۳/لقمان)، مراد از شرک در آیه (۸۲/انعام)، شرک دانسته شده است (ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۵۰۶).

در بخش (ب)، در آیه (۲۵۴/بقره)، به صورت عام هر گونه شفاعت در روز قیامت نفی شده است. اما با قرار گرفتن آیه بعدی (۹۱/طه) در کنار این آیه، عمومیت آیه، تخصیص خورده و استثنای آن را بیان می‌کند. درست است که در این روز شفاعت نیست، اما این حکم کلی استثنایی دارد و آن، شفاعت کسانی است که از جانب خدا مأذون‌اند که شفاعت ایشان پذیرفته شده و سودمند واقع خواهد شد.

همین نکته باعث شده است تا برخی مفسران، نفی دوستی و شفاعت در روز قیامت را مخصوص کافران دانسته و مؤمنان را با استناد به آیاتی مشابه آیه (۹۱/طه)، از این حکم مستثنا نمایند (ر.ک مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۲۵).

بعد از فعالیت کلاسی، مفهوم جدیدی مطرح می‌شود، حال که دانش‌آموزان با مفهوم تفسیر قرآن به قرآن و نمونه‌های عملی آن آشنا شدند، به صورت تفصیلی با ادله آن آشنا می‌شوند. دقت در این ادله، تفسیر قرآن به قرآن را به صورت یک ضرورت مطرح می‌کند که اساساً برخی مفسران این روش را مبنای تفسیر خود قرار داده‌اند.

از این رو، ذیل تیتیر «ضرورت تفسیر قرآن به قرآن»، ابتدا دو تفسیر مشهور در دوره معاصر که چنین رویکردی را مبنای تفسیر خود قرار داده‌اند، معرفی شده و سپس ادله سه‌گانه این رویکرد تفسیری مطرح شده است:

۱- **دلیل عقلی:** انسجام و ارتباط ظاهری آیات با یکدیگر و عدم وجود اختلاف و تعارض میان آیات که منشأ ایجاد این قاعده تفسیری شده است: «إِنَّ الْقُرْآنَ يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضاً»

۲- **دلیل قرآنی:** این دلیل را برای اولین بار، علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان به صورت یک نظریه مطرح می‌کند و مبتنی بر آیاتی چون (۸۹/ نحل و ۱۳۸/ آل عمران)، قرآن را تبیین کننده هر چیزی که بشر برای هدایت به آن نیاز دارد) از جمله تفسیر آیات خودش - مطرح می‌کند.

۳- **دلیل حدیثی:** که با استناد به روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) مطرح و تبیین شده است. در پایان درس، به عنوان ختام مطلب، یک نکته مهم تذکر داده شده است. باید دقت شود که تفسیر قرآن به قرآن، رویکرد اصلی در تفسیر است و به معنای نفی و عدم استفاده از سایر رویکردها نیست؛ لذا یک مفسر می‌تواند با مبنا قرار دادن تفسیر قرآن به قرآن، در عین حال از سایر منابع مانند روایات صحیح یا نظر دیگر مفسران در تفسیر نیز بهره‌مند گردد.

این نکته که در پایان اشاره شده است: برخی مفسران معتقدند روش تفسیری معصومان، همین تفسیر قرآن به قرآن بوده است، برگرفته از سخن علامه طباطبایی در مقدمه المیزان است:

«وسیطع الباحث المتدبر فی الروایات المنقولة عنهم (علیهم السلام)، أن هذه الطريقة الحديثة التي بنيت عليها بيانات هذا الكتاب، أقدم الطرق المأثورة فی التفسیر التي سلکها معلوموه سلام الله عليهم.» (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۴).

پاسخ فعالیت کلاسی صفحه ۱۶۹:

چنان‌که در متن فعالیت اشاره شده است، معنای لفظی عبارت «لیس علیکم جناح»، این است که انجام این کار گناه نیست و معنای وجوب از آن بر نمی‌آید.

در حالی که چنان که در سال گذشته (پایه یازدهم)، درس چهارم (مبحث اسباب النزول) گذشت، با مراجعه به سبب نزول آیه (۱۵۸/بقره)، درمی یابیم که عبارت «لَا جُنَاحَ» به معنای «گناهی نیست»، در جایی به کار رفته است که انجام آن کار واجب است. لذا این عبارت می تواند در جایی کاربرد باید که به امر واجبی اشاره می کند. بر این اساس در آیه مورد نظر (۱۰۱/نساء) این عبارت ناظر به وجوب به کار رفته است و مسافر باید نماز خود را شکسته بخواند.

امام باقر علیه السلام نیز با استناد به آیه (۱۵۸/بقره)، وجوب قصر نماز در آیه (۱۰۱/نساء) را برداشت نموده اند.

پاسخ فعالیت «اندیشه و تحقیق» صفحه ۱۶۹ :

چنان که در درس دوازدهم از پایه یازدهم گذشت، تفسیر موضوعی، تفسیری است که مفسر در آن، موضوعی را انتخاب نموده و با بررسی کل آیات قرآن، تنها نظر قرآن در خصوص آن موضوع را بیان می کند. مثلاً آیاتی از قرآن که در موضوع توحید هستند را استخراج نموده و تنها نظر قرآن در موضوع توحید را بیان می کند.

با توجه به این تعریف، این نوع تفسیر با تفسیر قرآن به قرآن ارتباط تنگاتنگی برقرار می کند. هنگامی که می خواهیم آیه ای را با کمک آیه دیگری تفسیر کنیم، آن را با آیه ای تفسیر می کنیم که با موضوع ارتباط داشته باشد. پس باید ابتدا آیات مربوط به این موضوع را استخراج کنیم و این یعنی همان کاری است که در تفسیر موضوعی انجام می دهیم.

البته این دو با یکدیگر تفاوت هایی نیز دارند که اصلی ترین تفاوت آن ها به تفاوت در هدف بازمی گردد. در تفسیر موضوعی مفسر به دنبال استخراج نظریه و استنباط دیدگاه قرآن پیرامون موضوع مورد نظر است، در حالی که در تفسیر قرآن به قرآن، مفسر با هدف فهم دقیق یک آیه به آیات مشابه آن مراجعه می کند و درصدد استخراج نظریه قرآن در آن موضوع به خصوص نیست. به دیگر بیان او نمی خواهد نظریه قرآن درباره آن موضوع را جمع بندی و ارائه نماید؛ بلکه صرفاً می خواهد یک آیه ای که با آن روبه رو است را درست فهم نموده و برای مخاطب تفسیر کند.

البته شباهت ها و تفاوت ها میان تفسیر موضوعی و تفسیر قرآن به قرآن بسیار مفصل است که به همین مقدار در اینجا اکتفا می شود. علاقه مندان می توانند برای مطالعه بیشتر در این خصوص به این مقاله مراجعه نمایند :

«چستی تفسیر موضوعی و تفاوت آن با تفسیر قرآن به قرآن»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری: زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۵-۱۰۰.

(و) پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان

۱- درست است که برای فهم مراد یک حکیم باید به سایر سخنان او مراجعه نمود؛ اما ممکن است یک حکیم، سخنی را در شرایطی برای مخاطب خاصی زده باشد که خودش هم راضی نباشد برای فهم سخن دیگرش از آن استفاده شود؛ یعنی سخنان یک حکیم می‌تواند در شرایط خاصی ایراد شده باشد که نتوان برای فهم سخن دیگر، آن را حجت قرار داد.

پاسخ: بله کاملاً درست است. توجه به این که فرد حکیم در چه شرایطی چنین سخنی را به کار برده است و آیا ما می‌توانیم این سخن را برای فهم سخن دیگر او مورد استفاده قرار دهیم، بسیار اهمیت دارد. از این روست که تأکید می‌شود تفسیر قرآن با قرآن باید مبتنی بر ضوابط خاص آن صورت گیرد و این تفسیر با رعایت ملاک‌ها و معیارهای دقیقی صورت گیرد، تا ما را به خطا نیندازد. به عنوان نمونه، یک مفسر پس از کشف یک آیه مشابه با آیه مورد نظر، ابتدا سیاق آن آیه (فضای پیرامونی آیه) را بررسی می‌کند، در صورتی که سیاق آیه با سیاق آیه مورد نظر نیز مشابه بود، از آن آیه برای فهم بهتر آیه مورد نظر استفاده می‌کند، در غیر این صورت، آن را کنار می‌گذارد.

۲- مفسران معمولاً چگونه آیات مشابه با آیه‌ای که در صدد تفسیر آن هستند، را استخراج می‌کنند؟
پاسخ: استخراج آیات مشابه با آیه مورد نظر ملاک‌ها و معیارهای دقیقی دارد که فقط مفسرانی که بر کل آیات قرآن تسلط دارند، می‌توانند این کار را انجام دهند. یکی از این ملاک‌ها، تشابه عبارت میان آیه مورد نظر و سایر آیات است. چنان‌که در نمونه اول درس دیدیم، تشابه عبارت «صراط» در دو آیه موجب گردید، از یکی برای تفسیر دیگری استفاده شود.

ملاک دیگر، علاوه بر تشابه عبارت، تشابه مفهوم و تشابه فضای کلی دو آیه با یکدیگر است. اگر فضای کلی آیات با یکدیگر متفاوت باشد، نمی‌توان آن‌ها را کنار یکدیگر قرار داد؛ چنان‌که در بخش «برای مطالعه» می‌بینید، فضای کلی دو آیه‌ای که آورده شده است، با یکدیگر تفاوت دارند و هر یک در سیاق خاص خود، مفهوم متفاوتی را ارائه نموده است که بر این اساس نمی‌توان در فهم یکی از دیگری کمک گرفت.

۱ فعالیت‌های کلاسی درس می‌تواند به صورت گروهی از سوی دانش‌آموزان انجام شود، تا هم بیشتر دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌ها شرکت داشته و تدریس نیز با سرعت بیشتری انجام گیرد. البته توجه داشته باشید که هر بار یکی از دانش‌آموزان گروه، به عنوان سرگروه و ارائه‌دهنده بحث انتخاب شوند تا قدرت بیان و ارائه همه دانش‌آموزان به مرور در کلاس تقویت گردد.

۲ چنان‌که پیش از این نیز گذشت، باید حتماً دقت شود که تفسیر قرآن به قرآن، بر اساس ضوابط آن انجام شود و گر نه اگر آیات، بدون ملاک و معیار مشخصی کنار یکدیگر قرار گیرند تا یکدیگر را تفسیر کنند، در تفسیر به خطا خواهیم رفت. نمونه‌ای از این خطای فاحش که در طول تاریخ رخ داده، در بخش برای مطالعه آمده است. در این بخش می‌خوانیم که چگونه تفسیر قرآن به قرآن به صورت نادرست، نتیجه نادرستی ارائه نموده است و مردم را به خطا انداخته است. از این رو، لازم است در کلاس دقت شود تا دانش‌آموزان خود به تفسیر قرآن به قرآن نپرداخته و از قرار دادن آیات در کنار یکدیگر نتیجه‌گیری ننمایند. انجام تفسیر قرآن به قرآن از سوی دانش‌آموزان در حد انجام فعالیت‌های کلاسی – زیر نظر دبیر – برای یادگیری این مفهوم کافی است.

